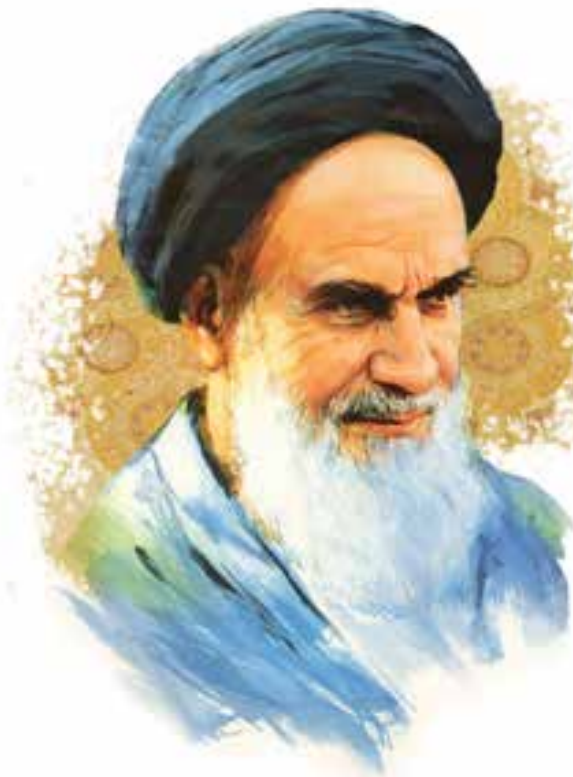




مؤسسه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی
شریه دانشجویی دفتر ارتباطات فرهنگی
وزارتخانه انتخابات مجلس شورای اسلامی و خبرگزاری
راهبر ۱۴۰۲ قیمت: ۲۰۰,۰۰۰ تومان



- اینجا «فرد» «جمع» است
- رأیی به وزن ده سال عبادت
- چه کسانی می خواهند مردم نباشند؟!
- قانون نسکن نمی تواند قانون گذار باشد!
- مردم، خالص سازترین عنصر انتخابات
- ریل قانون گذاری، اتاق کنترل می خواهد!
- خلاّ تئوریک غرب در برابر مردم سالاری دینی
- امر به معروف و نهی از منکر، خاستگاه مردم سالاری دینی



امام خمینی رحمته:

مردم، کشور را حالا از خودشان می‌دانند و می‌دانند که سرنوشت کشور با انتخابات است. این‌طور نیست که حالا بگویند ما انتخاب کنیم برای کی. انتخاب می‌کنند برای خودشان. پیشتر این حرف بود که خوب، به ما چه ربط دارد انتخابات، به ما کاری ندارند، آنها به مصالح ما کاری ندارند. اما امروز این حرف نیست، مردم شرکت می‌کنند و من امیدوارم که هرچه بیشتر شرکت بکنند در انتخابات. این وظیفه‌ای است الهی، وظیفه‌ای است ملی، وظیفه‌ای است انسانی، وظیفه‌ای است که ما باید عمل به آن بکنیم، همه‌مان باید در انتخابات شرکت بکنیم.

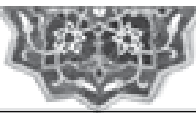
صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۳۸۱



امام خامنه‌ای رحمته:

انتخابات واقعاً نعمت بزرگی است. این هم از برکات نگاه روشن و عمیق امام بزرگوار ما بود. کسانی در همان زمان بودند که معتقد بودند [وقتی] حکومت اسلامی است، انتخابات لزومی ندارد؛ امام فرمود نه، انتخابات باید باشد و منشأ اثر باشد، مردم تصمیم بگیرند، مردم انتخاب کنند و آنچه مردم میخواهند بشود. نتیجه‌ی این سیاست، این شد که مردم در کنار انقلاب و در وسط میدان باقی ماندند و تا امروز بحمدالله باقی مانده‌اند؛ چون خود مردمند که دارند انتخاب میکنند، خود مردمند که دارند تصمیم میگیرند. انتخابات نعمت بزرگی است.

بیانات در تاریخ ۱۴ دی ۱۳۹۴



فهرست مطالب

- سنت الهی و سرنوشت مردم / ۴
- انتخابات، سرنوشت‌ساز دنیا و آخرت / ۶
- انتخابات، مظهر خداباوری و مردم‌باوری / ۸
- رأیی به وزن ده سال عبادت / ۱۰
- امر به معروف و نهی از منکر، خاستگاه مردم‌سالاری دینی / ۱۲
- انتخابات، جابجایی آرام قدرت / ۱۴
- خلاً تئوریک غرب در برابر مردم‌سالاری دینی / ۱۶
- تبعیت از رأی مردم، کی و کجا؟ / ۱۸
- رفتارها تجلی تحقق باورها / ۲۲
- نظارت استصوابی و نسبت آن با مشارکت سیاسی / ۲۴
- مردم، خالص‌سازترین عنصر انتخابات / ۲۸
- اینجا «فرد»، «جمع» است / ۳۱
- انتخاب عقلانی در سایه نشاط سیاسی / ۳۴
- انتخابات، نماد هویت دینی / ۳۷
- ریل قانون‌گذاری، اتاق کنترل می‌خواهد! / ۴۰
- قانون شکن نمی‌تواند قانون‌گذار باشد! / ۴۴
- این کرسی را باید شناخت / ۴۶
- مه‌ار تورم در دست رأی‌دهندگان / ۴۹
- نظریه اجتماعی ایران و نسبت آن با انتخابات / ۵۳
- حرکت جمعی به سوی قله / ۵۸
- در تکاپوی مردم‌سالاری / ۶۲
- رنگ‌هایی متفاوت در صندوق یک رنگ / ۶۵
- محور مقاومت، پیروز میدان انتخابات / ۶۸
- چه کسانی می‌خواهند مردم نباشند؟! / ۷۱
- با «کم» شدن فاصله‌ها رأی‌ها «زیاد» می‌شود / ۷۳
- مجلس یازدهم و گلوگاه‌های فساد و تورم / ۷۵
- دولت سیزدهم در مسیر تعالی / ۸۰
- حرف آخر / ۸۴

فصلنامه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی

شماره چهل و هشتم
نشریه دانشجویی دفتر ارتباطات فرهنگی
ویژه‌نامه انتخابات مجلس شورای اسلامی و خبرگان رهبری
زمستان ۱۴۰۲

صاحب‌امتیاز: مجتبی مصباح
مدیرمسئول: سیداحمد رهنمایی
زیر نظر شورای سردبیری
همکاران این شماره: حسن ابراهیم‌زاده، سید عبدالمجید اشکوری
و محسن مؤمنی
مدیر اجرایی: علیرضا دهشیری

طراح و گرافیسیت: علی محمد خواسته - نرگس قاسم‌شریفی
حروف‌نگار و امور مشترکین: حسین شیرغلامی
ویراستار: نجما دهشیری

فرهنگ‌پویا در ویرایش و کوتاه‌کردن مطالب آزاد است.
آثار مندرج در نشریه بیانگر دیدگاه‌های نویسندگان آن‌هاست.
این نشریه از داخل و خارج کشور مشترک می‌پذیرد.
نقل و اقتباس از مطالب نشریه فقط با ذکر مأخذ مجاز است.
مطالب ارسال شده به تحریریه پویا با ذکر دانه نمی‌شود.

نشانی: قم / خیابان امام، چهارراه غفاری / خیابان ایستگاه / کوچه
بوعلی / کوچه ۱۷ / پلاک ۲۷
صندوق پستی: ۳۷۱۶۵ / ۱۴۶
تلفکس: ۰۲۵-۳۶۶۲۲۵۹۷
تلفن: ۰۲۵-۳۶۶۲۴۸۱۱

قابل توجه خوانندگان ارجمند

با توجه به افزایش هزینه نشریه، از قبیل چاپ، کاغذ و...
در این شماره جهت جبران بخشی از هزینه‌های نشریه،
مجبور به افزایش قیمت آن می‌باشیم.
به همین منظور، فصل‌نامه فرهنگ پویا با قیمت ۲۰۰ هزار
تومان عرضه می‌گردد.

هشیاری ایمانی تکرار می شود

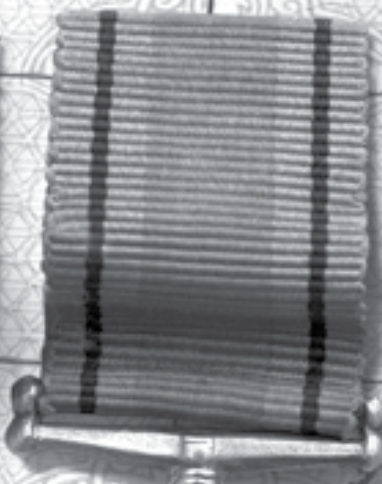
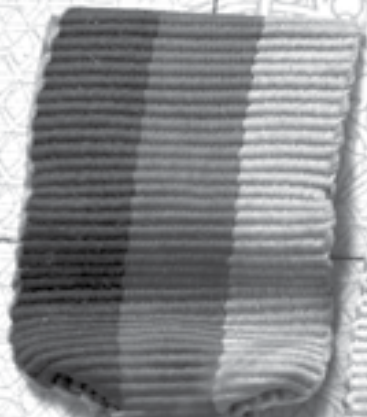
شرکت در فرصت‌های انتخاباتی نظام جمهوری اسلامی رسالت خطیری است که همواره در هر دوره‌ای با شعور سیاسی مردم در شهرها و روستاها از هر صنف و گروه و زبان و قومیت و فرهنگی که هستند گره خورده است. نمونه بارز این شعور سیاسی و انقلابی را مردم ما با حضور گسترده و فوق‌العاده چشم‌گیر خود در راهپیمایی یوم‌الله ۲۲ بهمن هر ساله به منصفه ظهور می‌رسانند. بر حسب اطلاع آمایشی امسال شرکت مردم از عموم اقشار و طبقات در این حماسه جاویدان نسبت به سال‌های گذشته ۲۵ تا ۳۰ درصد افزایش داشته است. این در حالی است که کسی مردم را برای شرکت در راهپیمایی وادار و یا تطمیع و یا تهدید نکرده است، لیکن این خود مردم هستند که با حضور بصیرت‌افزای انقلابی و هشیاری ایمانی و روحیه ولایی و عشق و ارادت به امام و رهبری و وطن شهیدپرور اسلامی سرشار از اشتیاق کامل همراه فرزندان و عزیزان خود امسال نیز همچون ۴۴ سال گذشته بهتر از سال‌های پیش ارادت و بیعت خویش را با امام راحل و مقام معظم رهبری و شهیدان با کمال اخلاص ابراز داشتند. مردم ما با تمام وجود بار دیگر همین موضع و موقعیت را برای حضور در میدان رأی و انتخابات تکرار خواهند کرد

حساسیت ورود در صحنه انتخابات و مشارکت پای صندوق‌های رأی در دوره پیش رو متناسب با اقتضائات و شرایط حاکم بر جهان و ایران صدچندان شده است. بیش از همه تأکیدات مکرر مقام معظم رهبری بر حضور فعال و ایفای نقش سازنده و کارآمد در انتخاب نمایندگان اصلح نشان از حساسیت مزبور دارد.

همراهان گرامی فرهنگ پویا بنا بر حسب رسالت ایمانی و انقلابی خود تلاش کردند تا در آستانه انتخابات مجلس خبرگان رهبری و مجلس شورای اسلامی مقالات این شماره از ویژه نامه را به تبیین چنین موقعیت حساسی اختصاص دهند. باشد تا مقبول دربار الهی افتد و در نظر اولیای الهی کاری بایسته و شایسته به شمار آید.

۳۳

۱۳۳۳



اشاره:

یکی از مباحثی که در قرآن کریم از اهمیت بالایی برخوردار است، توجه به نقش و جایگاه مردم در تعیین سرنوشت خویش و مشارکت در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی است. طبق آیه ۱۱ سوره مبارکه رعد «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بَقِيَهُمْ» خداوند سرنوشت و احوال هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد مگر اینکه خودشان تغییر دهند. این آیه به واقع درصدد بیان یک اصل یا به تعبیر دقیق‌تر، یک سنت الهی است که حاکی از امتداد اجتماعی اراده و اختیار انسان در ساحت‌های مختلف جامعه به سمت سعادت یا شقاوت است. اگر این اصل را بپذیریم که انسان دارای اراده و اختیار است و علاوه بر سرنوشت فردی، سرنوشت و عاقبت اجتماعی خود را نیز می‌تواند رقم بزند، جایگاه رأی و خواست مردم و حق اظهار نظر آنها، معلوم می‌شود.

سنت الهی و سرنوشت مردم

نگاهی به مشارکت سیاسی از منظر قرآن کریم

محسن مؤمنی



نقش مردم در تحقق حکومت اسلامی

و خشنودی خداوند بر مشروعیت بیعت دلالت دارد. در آیه دیگر می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يَبِيعُونَ أَمَّا يَبِيعُونَ اللَّهَ، يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَتَ فِئْمًا يَنْكُثْ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَمِيسُوتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا» کسانی که با تو بیعت می‌کنند تنها با خدا بیعت می‌نمایند و دست خدا بالای دست آنهاست؛ پس هر کس پیمان شکنی کند، تنها به زبان خود پیمان شکسته است و کسی که به عهدی که با خدا بسته وفا کند، به زودی پاداش عظیمی به خواهد داد» (فتح/۱۰) در این آیه که بر ضرورت رعایت بیعت و عدم جواز تخلف از آن تأکید شده است، بیعت با پیامبر(ص) به منزله بیعت با خداوند تلقی گردیده، که به صراحت بر مشروعیت بیعت دلالت دارد. پیامبر اکرم علاوه بر استفاده از بیعت به منظور زمینه سازی هجرت به یثرب برای فراهم سازی جمعیت و سرزمین مناسب برای تأسیس حکومت، در موارد متعدد دیگری نیز از قبیل برقراری پیمان عمومی میان ساکنان مدینه و پیمان اخوت میان مهاجران و انصار، از بیعت به عنوان یک عنصر حمایتی بهره برده است. بیعت سازوکاری است که بر اساس آن بیعت کنندگان متعهد به اطاعت و حمایت از پیامبر(ص) می‌گردند و در برابر، پیامبر(ص) نیز به عنوان حاکم حقوق اساسی آنان را تضمین و تعهد می‌کند.

از آنجا که در نگاه قرآن کریم، حکومت، امانتی الهی در دست مردم است و مردم موظف به واگذاری آن به شایسته‌گان هستند، وجود سازوکارهایی متناسب برای این واگذاری لازم به نظر می‌رسد و از آنجا که مهمترین ویژگی سازوکارها تناسب آنها با شرایط سیاسی اجتماعی و فرهنگی جوامع است، قرآن کریم «بیعت» را به عنوان مهمترین سازوکار تحقق حکومت و واگذاری امانت به رسمیت شناخته است. در یکی از آیات قرآن آمده است: «لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يَبِيعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا»؛ خداوند از مؤمنان - هنگامی که در زیر درخت با تو بیعت کردند- راضی و خشنود شد؛ خداوند آنچه را در درون دلهایشان (از ایمان و صداقت) نهفته بود می‌دانست. از این رو آرامش را بر دلهایشان نازل کرد و پیروزی نزدیکی نصیب آنان کرد. (فتح/۱۷) در این آیه که به بیعت رضوان اشاره دارد، رضایت و خشنودی خداوند از بیعت مطرح شده است. با توجه به اینکه در این بیعت تاریخی، نمایندگان مردم یثرب حمایت و پیروی از پیامبر(ص) پس از ورود به یثرب را اعلام کرده بودند، این بیعت در واقع سازوکاری است که براساس آن پیامبر(ص) به طور رسمی رهبری مردم یثرب را بر عهده می‌گیرد. بی تردید، رضایت

در آیه دیگر، به سنت و رویه مستمر ملکه سبأ در مشورت خواهی اشاره شده که با توجه به سکوت قرآن کریم نسبت به این سنت می‌توان تأیید آن را نتیجه گرفت: «قالت یا ایها الملؤا الفتونی فی امری ما کنت قاطعةً امراً حتی تشهدون» گفت: ای اشراف (ای بزرگان) نظر خود را در این امر مهم [نامه سلیمان(ع)] به من بازگو کنید، که من هیچ کار مهمی را بدون حضور (و مشورت) شما انجام نداده‌ام (نمل/۳۲) بر این اساس، می‌توان میان دو ساحت تصمیم‌گیری تفکیک نمود. در ساحت زندگی عمومی، مشورت خواهی و مشورت دهی به عنوان یک فرهنگ مطلوب مورد توجه قرآن قرار گرفته، در ساحت زندگی سیاسی مراجعه حاکم اسلامی در تصمیم‌گیری به مردم امری واجب در نظر گرفته شده است.

نظارت بر کارگزاران توسط مردم

در آیه دیگر نظارت در قالب امر به معروف و نهی از منکر را به شکل گروهی واجب و لازم معرفی می‌کند که نشان دهنده این نکته اساسی است که اگرچه این نظارت همگانی است اما لازم است به شکل نهادی نیز از سوی افرادی خاص نیز دنبال گردد: «ولتکن منکم امةٌ یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و اولئک هم المفلحون» باید از شما گروهی باشند که دعوت به نیکی نمایند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند که آنها رستگارانند. (آل عمران/۱۰۴) و در نهایت می‌توان به یکی دیگر از آیات قرآن کریم اشاره کرد که ارتباط تنگاتنگ امر به معروف و نهی از منکر را با زندگی سیاسی اجتماعی و حکومت نشان می‌دهد: «الذین ان مکناهم فی الارض اقاموا الصلوة و اتوا الزکوة و امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر و الله عاقبة الامور؛ (مومنان) کسانی هستند که اگر به آنها در زمین قدرت دهیم نماز را بپای می‌دارند و زکات می‌دهند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و فرجام امور از آن خداوند است.» (حج/۴۱) در این آیه نماز به عنوان شاخص عبادی، زکات به عنوان شاخص اقتصادی و امر به معروف و نهی از منکر به عنوان شاخص اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است که نشان دهنده اهمیت امر به معروف و نهی از منکر به عنوان نظارت همگانی و نهادی در اسلام است. آیات زیادی در این باره نیز وجود دارد که همگی سفارش به برپا داشتن این فریضه می‌کنند که می‌توان بر اساس آن حق تشکیل اجتماعات مطلوب را استخراج نمود.

نتیجه

به هر حال به رسمیت شناخته شدن شورا و مشورت در قرآن کریم به مفهوم به رسمیت شناخته شدن حق انتخاب و رأی آنان در زندگی عمومی و سیاسی آنان از دیدگاه قرآن کریم است. با کنار هم قرار دادن آیات گذشته در دو سطح تأسیس نظام سیاسی و سطح تصمیم‌گیری، دیدگاه قرآن کریم درباره حق انتخاب روشن می‌شود. قرآن کریم حق انتخاب و اظهار نظر مردم را در این دو سطح به رسمیت شناخته، بدین ترتیب آزادی انتخاب یا رأی و با حق تعیین سرنوشت در قرآن کریم مطرح و پذیرفته شده است.

بنابراین از دیدگاه قرآن کریم مبنای حکومت انسان در زمین «خلافت الهی» بوده، حکومت به عنوان «امانت الهی» در اختیار مردم است و آنان موظف هستند این امانت را به صاحبان و شایستگان آن از طریق «بیعت» منتقل نمایند. بدین ترتیب، از دیدگاه قرآن کریم مردم برخوردار از حق «انتخاب» بوده، با انتخاب خود «حاکمیت» را به عنوان امانت الهی به واجدین شرایط در هر دوره واگذار می‌کنند. بر این اساس، می‌توان گفت که قرآن کریم با به رسمیت شناختن حق انتخاب، این قسم از آزادی سیاسی را در سطح نظام سازی مشروع دانسته است.

جایگاه مردم در سطح تصمیم‌گیری

در سطح تصمیم‌گیری و قانون‌گذاری نیز می‌توان دیدگاه قرآن درباره حق انتخاب به عنوان مصداقی از آزادی سیاسی را مورد بررسی قرار داد. قانون‌گذاری و تصمیم‌گیری، مهم‌ترین فعالیتی است که پس از تأسیس یک حکومت انجام گرفته، نشان دهنده برخورداری قانون‌گذاران و تصمیم‌گیرندگان از حق حاکمیت است. در قرآن کریم علاوه بر به رسمیت شناختن حق انتخاب مردم در تأسیس حکومت، حق انتخاب آنان در عرصه قانون‌گذاری و تصمیم‌گیری نیز به رسمیت شناخته شده است. این حق در قالب سازوکار «شورا و مشورت» در قرآن کریم مورد توجه قرار گرفته است که در ادامه به توضیح دیدگاه قرآن کریم در این باره می‌پردازیم. در قرآن کریم دو آیه به طور مشخص و صریح درباره شورا و مشورت در عرصه زندگی عمومی مردم وارد شده است.

آیه نخست، در مکه نازل گردیده، مراجعه به شورا را به عنوان یک فرهنگ عمومی مورد توجه قرار داده، مؤمنان را به مشورت خواهی و مشورت دهی ترغیب می‌نماید. این آیه در مقام توصیف مؤمنان می‌فرماید: «والذین استجابوا لربهم و اقاموا الصلوة و امرهم شوری بینهم و ممّا رزقناهم ینفقون» و کسانی که دعوت پروردگارش را اجابت کرده و نماز را بر پا می‌دارند و کارهایشان را به صورت مشورت در میان آنهاست و از آنچه به آنها روزی داده ایم انفاق می‌کنند. (شوری/۳۷) در این آیه مشورت خواهی و مشورت دهی در زندگی عمومی، در کنار برپا داشتن نماز و پرداختن زکات مورد توجه قرار گرفته است که از این طریق می‌توان اهمیت این وصف را از نگاه قرآن کریم دریافت. مشورت خواهی و مشورت دهی از چنان اهمیتی برخوردار است که قرآن کریم آن را در کنار نماز و زکات و ویژگی‌های مومنان معرفی می‌کند و از این طریق اهمیت نظرخواهی و نظر دادن انسان‌ها را در تصمیم‌گیری‌ها نشان می‌دهد.

در آیه دیگر که در مدینه و پس از برقراری حکومت اسلامی توسط پیامبر(ص) نازل شده است، خطاب به پیامبر(ص) به عنوان حاکم اسلامی می‌فرماید: «فبما رحمة من الله لنت لهم ولو کنت فظاً غلیظ القلب لانفضوا من حولک فأعف عنهم و استغفر لهم و شاورهم فی الامر فإذا عزمت فتوکل علی الله ان الله یحب المتوکلین» پس به (برکت) رحمت الهی، در برابر آنان (مردم) نرم شدی و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو پراکنده می‌شدند. پس آنها را ببخش و برای آنها آموزش بطلب و در کارها با آنها مشورت کن. پس هنگامی که تصمیم‌گیری بر خدا توکل کن زیرا خداوند متوکلان را دوست دارد. (آل عمران/۱۵۹) در این آیه که پس از جنگ احد نازل شده است، از پیامبر(ص) مشورت با مردم درخواست شده است. بدین ترتیب در این آیه مراجعه حاکم اسلامی به شورا به عنوان سازوکار تصمیم‌گیری لازم دانسته شده است.



انتخابات سرنوشت‌ساز دنیا و آخرت

بخشی از بیانات امام خمینی قدس سره
پیرامون انتخابات

همه در انتخابات شرکت کنند

همه در انتخابات شرکت کنند و در صحنه حاضر باشند. اگر یک ظالم خلاف کرد، اسلام که نکرده است، پس باید کاری کنیم که ظلم نباشد و ظالم از بین برود. اگر دیدیم در این دوره خلاف شده و به افرادی ظلم شده باید تلاشمان را بیشتر کنیم تا خلاف و ظلم را از بین ببریم نه اینکه کنار رویم و از صحنه خارج شویم. زیرا اگر از صحنه خارج شویم ظلم بیشتری شود. پس باید اجتماعمان را بیشتر کنیم و بیشتر در صحنه حاضر باشیم.

صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۲۴۴

مراقب دشمن باشید...

توجه دارید که دشمنان اسلام در نظر دارند کاری بکنند که انتخابات درست صورت نگیرد و از دست مسلمان‌ها و متعهدین خارج شود. ولی شما باید تمام قدرت‌تان را صرف کنید که به خوبی انجام شود. انتخابات یک محکی هم برای خودتان است که ببینید آیا می‌خواهید انتخاب اصلح بکنید برای خودتان، یا برای اسلام؟ اگر برای خودتان باشد، شیطانی است.

صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۱۹۶

تعیین سرنوشت یک ملت

انتخابات سرنوشت یک ملت را دارد تعیین می‌کند. انتخابات بر فرض اینکه سیاسی باشد و هست هم، این دارد سرنوشت همه ملت را تعیین می‌کند، یعنی آحاد ملت سرنوشت زندگیشان در دنیا و آخرت منوط به این انتخابات است. این‌طور نیست که انتخابات را باید چند تا مجتهد عمل کنند. این معنی دارد که مثلاً یک دویست تا مجتهد در قم داشتیم و یک صد تا مجتهد در جاهای دیگر داشتیم، اینها همه بیایند انتخاب کنند، دیگر مردم بروند کنار؟

صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۳۶۷

به پای صندوق بروید...

انتخابات روز سرنوشت‌سازی است. می‌خواهید زمام کشور را به یک کسی بدهید که مؤثر است در مقدرات کشور شما. سهل‌انگاری نکنید و به پای صندوق‌ها بروید و با هم اجتماع کنید و کسی که لایق برای این مقام است و دارای آن صفاتی است که سوء سابقه نداشته، وابستگی به رژیم سابق نداشته، اینها از اموری است که باید ملاحظه بشود و آقایان نباید سستی کنند در رفتن. به پای صندوق بروند لکن به کسی که این صفات را دارد رأی بدهند.

بیانات امام خمینی در دیدار دانشجویان هنر شیراز: ۱۳۵۸/۱۰/۳



همه در صحنه باشند...

وصیت من به ملت شریف آن است که در تمام انتخابات در صحنه باشند و اشخاصی که انتخاب می‌کنند، روی ضوابطی باشد که اعتبار می‌شود... مراجع و علمای بزرگ تا طبقه بازاری و کشاورز و کارگر و کارمند، همه و همه مسؤول سرنوشت کشور و اسلام می‌باشند؛ چه در نسل حاضر و چه در نسل‌های آتی و چه بسا که در بعضی مقاطع، عدم حضور و مسامحه گناهی باشد که در صدر گناهان کبیره است.

صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۲۱

البته دو تفکر هست، باید هم باشد، دو رأی هست، باید هم باشد، سلیقه‌های مختلف باید باشد، لکن سلیقه‌های مختلف اسباب این نمی‌شود که انسان باهم خوب نباشد... اگر در یک ملتی اختلاف سلیقه نباشد، این ناقص است. اگر در یک مجلس اختلاف نباشد، این مجلس ناقص است. اختلاف باید باشد، اختلاف سلیقه، اختلاف رأی، مباحثه، چار و چنگال، اینها باید باشد، لکن نتیجه این نباشد که ما دو دسته بشویم، در عین حالی که اختلاف داریم، دوست هم باشیم.

صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۷

تبلیغات دشمن علیه انتخابات...

از جمله اموری که اجانب به آن دامن می‌زنند، مساله انتخابات است. هر انتخاباتی که در ایران می‌شود، آنها می‌گویند: مردم این دفعه نمی‌آیند، مردم سست و خسته شده‌اند. اما مردم هر دفعه بهتر از دفعه قبل شرکت کرده‌اند. الان هم عده‌ای در خارج نشسته‌اند و تبلیغ می‌کنند که این دفعه دیگر مردم خسته شده‌اند و شور سابق را ندارند و از این قبیل حرف‌ها. اینها اکثراً عقده‌هایی در دل دارند و روی همین عقده‌هاست که این صحبت‌ها را می‌کنند. اگر عقده‌های درونی آنها حل می‌شد، چنین صحبت‌هایی را نمی‌کردند. همین‌هایی که مردم آنها را از ایران بیرونشان کرده‌اند، در خارج نشسته‌اند و می‌گویند: مردم با ما هستند و مردم سست و خسته شده‌اند!

صحیفه امام، جلد ۱۷، ص ۱۳۳

مجلس قوی، با پشتوانه ملت

اگر مجلس لطمه‌ای بر آن وارد بشود، به جمهوری اسلامی لطمه وارد می‌شود. اگر مجلس یک مجلس قوی باشد برای خاطر اینکه پشتوانه‌اش همه ملت باشد، این مجلس می‌تواند با دنیا که در مقابل ایران واقع شده است کارهایش را به شایستگی عمل بکند، و این تابع این است که قوی باشد، و قوتش هم تابع این است که شماها رأی بدهید.

صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۴۳۸

این رأی، رأی به اسلام است!

آزاد هستید و رضای خدا را در نظر بگیرید و توجه به خدا داشته باشید و پای صندوق‌ها بعد از اینکه اعلام کردند، تشریف ببرید و رأی خودتان را بدهید. این رأی به اسلام است. همانطور که جمهوری اسلامی را شما رفتید و رأی دادید و تقریباً از صد کمی کمتر رأی دادید، اینجا هم امید است که به همین طورها باشد، ان شاءالله.

بیانات امام خمینی (ره) در دیدار ائمه جمعه استان همدان؛

۱۳۶۱/۹/۱۱

رأی دادن، تکلیف الهی است.

نگویید که دیگران رأی می‌دهند. من هم باید رأی بدهم، تو هم باید رأی بدهی، آن روستایی هم که در کنار مزرعه خودش کار می‌کند باید رأی بدهد؛ تکلیف است. این یک تکلیف الهی است.

بیانات امام خمینی در دیدار روحانیون تهران؛ ۱۳۶۰/۴/۱۰



انتخابات مظهر خودباوری، خداباوری، مردم باوری

انتخابات مظهر هر سه باوری است که در امام وجود داشت و باید در ما وجود داشته باشد: مظهر خداباوری است، چون تکلیف است. وظیفه ما است، تکلیف ما است که در سرنوشت کشور دخالت کنیم؛ تک تک آحاد ملت این تکلیف را دارند. مظهر مردم باوری است، چون انتخابات مظهر اراده آحاد مردم است؛ مردمنده که مسئولان کشور را به این وسیله انتخاب می کنند و مظهر خودباوری است، چون هر کسی که رأی در صندوق می اندازد، احساس می کند که به سهم خود در سرنوشت کشور دخالت کرده است، به سهم خود تعیین کرده است؛ این خیلی چیز مهمی است. پس انتخابات هم مظهر خداباوری است، هم مظهر مردم باوری است، هم مظهر خودباوری است. ۱۳۹۲/۳/۱۴

انتخابات، مظهر خدا باوری و مردم باوری

انتخابات در نگاه مقام معظم رهبری دام ظلّه

انتخابات، تعیین سرنوشت کشور

انتخابات در کشور ما یک حرکت نمایشی نیست. پایه‌ی نظام ما همین انتخابات است. یکی از پایه‌ها، انتخابات است. مردم سالاری دینی با حرف نمیشود؛ مردم سالاری دینی با شرکت مردم، حضور مردم، اراده‌ی مردم، ارتباط فکری و عقلانی و عاطفی مردم با تحولات کشور صورت میگیرد؛ این هم جز با یک انتخابات صحیح و همگانی و مشارکت وسیع مردم ممکن نیست. این مردم سالاری، عامل پایداری ملت ایران است. هر چه انتخابات پرشورتر باشد، عظمت ملت ایران بیشتر در چشم مخالفان و دشمنانش دیده خواهد شد؛ برای ملت ایران حرمت بیشتری خواهند گذاشت؛ دوستان شما هم در دنیا خوشحال میشوند. عظمت ملت ایران را حضور مردم در انتخاباتشان میدهد؛ انتخابات این است. بنده همواره در درجه‌ی اول در انتخابات سعیم بر این است که به مردم عرض کنم حضور شما در این انتخابات مهم است. این، تصدیق و تأیید و مستحکم کردن نظام جمهوری اسلامی است. مسئله فقط یک مسئله‌ی سیاسی و فردی و اخلاقی محض نیست؛ یک مسئله‌ی همه‌جانبه است. انتخابات با سرنوشت مردم سر و کار دارد. ۱۳۸۸/۱/۱

اهمیت انتخابات در جمهوری اسلامی

انتخابات، مساله بسیار مهم و اساسی و تعیین کننده ای است. اهمیت انتخابات از جهات گوناگونی است. یکی از آنها این است که نظام ما نظامی است متکی به ایمان ها و عواطف و علائق مردم. ۱۳۲۴/۱۱/۱۴

انتخابات، هم حق، هم تکلیف

انتخابات یک حق است و یک وظیفه است. ما هر کدامان به عنوان یک فرد از افراد این ملت، هم حق داریم در انتخابات شرکت کنیم، هم وظیفه داریم. آن کسانی که به نظام جمهوری اسلامی معتقدند، قانون اساسی را قبول دارند، هم از این حق می خواهند استفاده کنند، هم این وظیفه را می خواهند انجام دهند. همه باید این وظیفه را انجام دهند. ۱۳۹۱/۱۰/۱۹

انتخابات، تحکیم مردم سالاری دینی

یک رویداد سرنوشت ساز در کشور اتفاق خواهد افتاد و آن عبارت است از انتخابات. قطعاً سرنوشت کشور در یک برهه‌ی زمانی در همه‌ی زمینه‌ها وابسته‌ی به عملی است که شما مردم ایران ان شاء الله انجام خواهید داد یعنی شما با حضور خودتان، با رأی خودتان، در واقع سرنوشت کشور را در همه‌ی مسائل عمده رقم میزنید... مهم ترین نکته این است که انتخابات نشان دهنده‌ی حضور مردم در صحنه است. «حضور مردم در صحنه» یعنی چه؟ یعنی نظام جمهوری اسلامی پشتوانه‌ی مردمی دارد. این، در اقتدار نظام جمهوری اسلامی ایران و اقتدار کشور تأثیر بی نظیری دارد؛ یعنی هیچ چیزی، هیچ ابزار قدرتی به اندازه‌ی حضور مردم، قدرت افزا برای کشور نیست. ۱۴۰۲/۰۹/۱۴

مردم تصمیم بگیرند!

انتخابات واقعاً نعمت بزرگی است. این هم از برکات نگاه روشن و عمیق امام بزرگوار ما بود. کسانی در همان زمان بودند که معتقد بودند [وقتی] حکومت اسلامی است، انتخابات لزومی ندارد؛ امام فرمود نه، انتخابات باید باشد و منشأ اثر باشد، مردم تصمیم بگیرند، مردم انتخاب کنند و آنچه مردم می خواهند بشود. نتیجه این سیاست، این شد که مردم در کنار انقلاب و در وسط میدان باقی ماندند و تا امروز بحمدالله باقی مانده‌اند؛ چون خود مردمنده که دارند انتخاب می کنند، خود مردمنده که دارند تصمیم می گیرند. انتخابات نعمت بزرگی است. ۱۳۹۴/۱۰/۱۴

انتخابات، اظهار نظر ملی

انتخابات در واقع یک نفس تازه دادن به ملت ایران است؛ [ملت ایران] یک نفس تازه‌ای پیدا می کند، طبیعت انتخابات این است. اینکه ملت ایران بیایند تک تک وارد میدان بشوند و رأی بدهند [که] آقا عقیده من این است، فلانی باید مسئول باشد - حالا چه در ریاست جمهوری، چه در مجلس شورای اسلامی، چه مجلس خبرگان؛ هر کدام از اینها جداگانه در جای خود اهمیت فراوانی دارد - هر فردی از آحاد ملت که این احساس مسئولیت را بکند، خودش یکی از آن عناصر حفظ کننده انقلاب است. ۱۳۹۴/۱۰/۱۹

انتخابات، آبروی ملی است!

ملت هوشیار ایران، درست در نقطه مقابل خواست دشمن، «فعال، پرشور و شعور و همراه با درک و آگاهی کامل» در پای صندوق‌های رأی حضور خواهد یافت چراکه انتخابات را آبروی ملی، وسیله‌ای برای افزایش عزت ملی و از جمله شاخص‌های رشد ملی است. ۱۳۸۸/۲/۲۲

انتخابات تزریق خون تازه در کالبد نظام جمهوری اسلامی است؛ تجدید قوا و تجدید نیرو برای ملت است... انتخابات یعنی این؛ یعنی یک روح جدید، یک خون تازه و یک نفس نو به کشور و به ملت و به مردم دادن؛ انتخابات این است. اینکه بنده اصرار می‌کنم همه در انتخابات شرکت کنند برای این است. انتخابات وقتی همگانی شد و وقتی همه شرکت کردند، کشور عزت پیدا می‌کند، نظام جمهوری اسلامی عزت پیدا می‌کند، کشور بیمه می‌شود، نظام جمهوری اسلامی بیمه می‌شود. انتخابات، بیعت تازه‌ای با آن هدف‌های عالی است؛ این معنای انتخابات است. لذا برای همه مردم فریضه می‌شود که در این حادثه بزرگ شرکت کنند. ۱۳۹۴/۱۱/۱۹

مشارکت گسترده مردم در انتخابات

آحاد ملت عظیم الشان ایران اسلامی به خوبی آگاهند که حضور آنان با این روحیه ایمانی در صحنه‌های اساسی و حیاتی کشور، اسلام، انقلاب، عزت، شرف و آبروی ملت ما را در دنیا حفظ کرده است و ادامه حضور جدی و فداکارانه مردم در صحنه‌های گوناگون همراه با ایمان روشن بینانه آنان، هر دشمن بدخواهی را در صدمه زدن به تداوم انقلاب اسلامی، حرکت مردم و سازندگی کشور ناکام خواهد گذاشت. ۱۳۷۱/۲/۲۳


مردم‌سالاری واقعی

مساله انتخابات برای کشور، مساله بسیار مهمی است. انتخابات، مظهر کامل حضور و انتخاب مردم است. مردم با حضور خودشان در صحنه انتخابات -چه در انتخابات ریاست جمهوری، چه در انتخابات مجلس شورای اسلامی، چه در انتخابات مجلس خبرگان- مردم‌سالاری واقعی را در این کشور شکل می‌دهند؛ این خیلی مهم است. ۱۳۹۴/۶/۱۸

تحقق اعتبار کشور با حضور حداکثری

یک مساله مهم درباره انتخابات، حضور حداکثری است... هرچه جمعیت بیشتر در انتخابات شرکت کند، استحکام نظام و اعتبار کشور بالاتر خواهد رفت؛ هرچه بیشتر مردم شرکت کنند، اعتبار نظام بالا خواهد رفت. چون نظام، نظام مردمی است و واقع قضیه این است که متکی به عواطف مردم و احساسات مردم و انتخاب مردم و خواست مردم است. بنده این عقیده را [در مورد حضور] حداکثری از قبل هم داشته‌ام و همیشه هم رویش اصرار کرده‌ام.

۱۳۹۴/۱۰/۱۴



گاهی ممکن است از یک رئیس دولتی یک سنت حسنه‌ای بگذارد یک قانون و چیزی را پیشنهاد کند... ده‌ها سال میلیون‌ها انسان از آن استفاده می‌کنند هر استفاده‌ای که آن‌ها بکنند، هم برای رئیس آن دولتی که این قانون را اجرا کرده ثواب برایش نوشته می‌شود، هم برای شمایی که به او رأی دادید.

بیانات حضرت آیت‌الله مصباح در جمع خواهران جبهه پایداری و حیات طیبه در تاریخ ۱۳۹۲/۳/۲۱

رأیی به وزن ده سال عبادت

انتخابات از منظر علامه مصباح یزدی رحمته الله

گاهی در عمرمان یک لحظاتی پیش می‌آید اگر قدرش را بدانیم شاید از ده‌ها سال عبادت ارزشش بیشتر باشد... این ایام انتخاباتی که در پیش ما داریم یکی از آن لحظه‌هاست... شما با همان رأیی که انداختید در صندوق در همه این ثواب‌ها شریکید.

بیانات حضرت آیت‌الله مصباح در جمع خواهران جبهه پایداری و حیات طیبه در تاریخ ۱۳۹۲/۳/۲۱

این انقلاب امانتی است که دست قدرت الهی و صدها هزار شهید، خانواده‌های شهدا به ما سپرده‌اند. خیلی امانت گران‌بهایی است. ارزش یک نفر از آن شهیدایی که در این راه شهید شده‌اند بیش از همه این معادن نفت و طلا است.

بیانات آیت‌الله مصباح در همایش ناظرین انتخابات استان قم در تاریخ ۱۳۹۰/۱۰/۹

امام می‌فرمودند که حفظ نظام از واجب‌ترین واجبات است، مقام معظم رهبری یکی مصادیق حفظ نظام را حضور در انتخابات بیان فرمودند. یک واجب دیگر هم این است که (مردم) باید تشخیص بدهند کدام نماینده و نامزد اصلح است؟ و برای این نظام بهتر می‌تواند کار کند و وجودش برای حفظ دستاوردهای نظام و ارزش‌های اسلامی مؤثرتر است.

بیانات آیت‌الله مصباح در جمع خانواده‌های کارکنان لشکر ۱۷ علی بن ابیطالب در تاریخ ۱۳۹۰/۱۲/۱۰

با کسی هم عقد اخوت
نبستیم. هر کس از اسلام
حمایت می‌کند، روی چشم
ماست؛ هر وقت منحرف شد،
او را کنار می‌گذاریم.
بیانات حضرت آیت مصباح یزدی
در جمع سپاه قدس در تاریخ
۱۳۹۰/۱۱/۱۰، مشهد مقدس

بیشترین سهم را در انتخاب، باید
به گرایش دینی و فرهنگی داد که واقعا
کسانی از عمق دلشان بخواهند اسلام
تحقق پیدا بکند.
بیانات آیت‌الله مصباح در جمع دانشجویان
دانشگاه امام صادق علیه‌السلام در تاریخ
۱۳۹۱/۳/۲۵

نقطه اصلی‌ای که ما باید تقویتش
کنیم مسأله ولایت است، اگر ولایت نبود
این انقلاب تحقق پیدا نمی‌کرد ... آنچه
این حرکت ملی را به ثمر رساند اعتقاد
مردم به اطاعت از ولی فقیه و از امام بود.
بیانات حضرت آیت‌الله مصباح یزدی در دیدار با
فعالان فرهنگی و اعضای جبهه پایداری کرمان
با آیت‌الله مصباح در تاریخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۴

همان طور که برای کارهای دنیایمان
وقتی به مشکلی برمی‌خوریم می‌رویم
سراغ اولیای خدا، توسل می‌کنیم برای
یک چنین مسأله‌ای که در سرنوشت جامعه
ما می‌تواند سرنوشت ۷۰ میلیون جمعیت
مؤثر باشد و شاید بیشتر، در سرنوشت همه
مسلمان‌ها، این‌ها را ساده نگیرید... هم باید
خودمان رعایت بکنیم، هم به دیگران
سفارش کنیم.
بیانات حضرت آیت‌الله مصباح در دیدار با
برگزارکنندگان یادواره شهدا و مسئولین بسیج
مدرسه علمیه حقانی در تاریخ ۱۳۹۲/۱/۲۷

یادمان نرود اصلح مطلق
نخواهیم داشت، برای اصلح
نسبی این فاکتورها را باید در نظر
بگیریم، کسی که بالنسبه مصالح
اسلام را بیشتر رعایت می‌کند،
بیشتر اطاعت از رهبری دارد، این
مقام را حفظ می‌کند، چون نماد
کشور ماست، بلکه عمود خیمه
انقلاب است. در مرتبه سوم هم
کسی که کارآیی دارد در مدیریت
کشور.
بیانات آیت‌الله مصباح در جمع
دانشجویان دانشگاه امام صادق
علیه‌السلام در تاریخ ۱۳۹۱/۳/۲۵

از سه راه می‌توانیم این معیارها
(احیای ارزش‌های اسلامی، اطاعت از
ولی فقیه و مدیریت) را بشناسیم.
یکی از عملکرد گذشته افراد... دوم از
راه اینکه ببینیم چه کسانی از اینها
حمایت می‌کنند... و سوم راهنمایی
علما و روحانیین مخلص و متدینی
هستند که امانتداری خودشان را در
طول انقلاب به اثبات رساندند.
مصاحبه درباره انتخابات و انتخاب
اصلح در تاریخ ۱۳۷۶/۱/۱۶

خدای جبهه با خدای دانشگاه با خدای
بازار و خدای حوزه یکی است، ما چند تا
خدا نداریم... ما خیال می‌کنیم وارد میدان
سیاست که شدیم عینا مثل آمریکایی‌ها
باید در میدان سیاست بازی کنیم... این‌جا
خدا خبری نیست خدا فقط مال جبهه بود
بنده عرض این است که امام به ما یاد داد
قبل از هر چیز خدا در میدان سیاست است
باید با او بندیم اگر این را باور کردیم از
هیچ چیز نمی‌ترسیم...
بیانات آیت‌الله مصباح در جمع اعضای جبهه
پایداری در تاریخ ۱۳۹۰/۱۱/۱۶

به آن کسی رأی بدهیم که برای اسلام
و مسلمین مفیدتر هست، هم دین‌مان را
به اسلام به شهدا ادا کرده باشیم و هم
آیندگان برای ما، برای آموزش ما دعا
کنند. نگویند خدا لعنت کند این‌هایی را
که در اثر کوتاهی و تنبلی کسی را انتخاب
کردند که به ضرر اسلام و مسلمین بود.
بیانات آیت‌الله مصباح در جمع دانشجویان
دانشگاه‌های قم در تاریخ ۹۲/۲/۲۳

ما باید همیشه از اصلح نسبی
حمایت کنیم، فکر این باشیم که ایده‌آل
مطلق باشد آن نخواهد شد... منتها باید
محاسبه کنیم مجموع منافعی که کسانی
می‌توانند در یک پستی برای یک نظام
داشته باشند با احتمال اشتباهاتی که
ممکن است داشته باشند مقایسه کنیم
و ببینیم آن کسانی که منافعشان بیشتر
است، اشتباهاتشان کمتر است، آن‌ها
را انتخاب کنیم و فکر می‌کنم راه کلی
ما این است.
بیانات حضرت آیت‌الله مصباح در جمع
شورای جبهه پایداری اصفهان در تاریخ
۱۳۹۰/۱۱/۲۶

توقع این‌که یک روزه و یک ساله
همه مشکلات حل بشود و همه چیز عوض
بشود، یک توقع خام جاهلان‌ه‌ای هست؛
کدام پیغمبری کدام امامی توانست چنین
کاری بکند؟ آن چه مهم است اینکه منحنی
ارزشها صعودی باشد، هر روز یک قدم ما
جلو برویم، نه یک قدم عقب‌تر بگذاریم.
بیانات حضرت آیت‌الله مصباح در جمع
خواهران جبهه پایداری و حیات طیبه در تاریخ
۱۳۹۲/۳/۲۱



اشاره:

بر اساس منابع متعددی که در دسترس داریم، منشأ مشروعیت حکومت اسلامی، الهی است. چون خداوند مالک اصلی است و او هر آنگونه که بخواهد می‌تواند در ملک خود تصرف کند. لذا اگر ملتزم به توحید در تمام مراتب آن باشیم، لازم است قوانینی را بپذیریم که ناشی از قوانین الهی باشد. همچنین افرادی که منصبی را در حکومت اسلامی به دست می‌آورند، باید بر اساس چارچوبی باشند که خداوند تعیین کرده است. یکی از این موارد، شکل‌گیری حکومت است که باید توحیدی باشد. اما در این تفکر توحیدی، منشأ مشروعیت این حکومت به اذن خداوند متعال است، مردم هم نقش اساسی دارند. این نقش را دین به مردم داده است.

امر به معروف و نهی از منکر خاستگاه مردم‌سالاری دینی

جایگاه مردم در حکومت اسلامی از دیدگاه علامه مصباح یزدی

قاسم شبان نیا

مشروعیت مردم در حکومت اسلامی

بر اینکه در نظر ایشان جایگاهی برای مردم در حکومت وجود ندارد، انتقاد وارد می‌کنند و با القاء می‌کنند میان تفکرات امامین انقلاب و علامه مصباح(ره) تفاوت اساسی وجود دارد، می‌تواند چند دلیل داشته باشد:

۱. عدم درک صحیح و نداشتن نگاه کامل و جامع
۲. نگاه گزینشی و بخشی

عدم درک صحیح از تفکر امامین انقلاب و حتی تفکر انقلابی و یا نگاه گزینشی و عدم بررسی تمام مواضع می‌تواند منشأ این حرف باشد. به عنوان مثال برخی سخن امام راحل را اینگونه مطرح می‌کنند که ایشان فرموده‌اند: میزان رأی ملت است؛ بعد از این جمله به نفع فرد یا جریان خاصی استفاده می‌کنند درحالی‌که برای فهم کامل و جامع حرف امام، باید بررسی شود که این جمله امام در مقابل چه کسانی با چه تفکراتی گفته شده است؟ یا عده‌ای می‌خواهند از این جمله حضرت

بنابر نظر علامه مصباح یزدی(ره) مشروعیت داشتن جایگاه مردم در حکومت اسلامی از همین نقطه یعنی توحید در تمام مراتب الهی بدست می‌آید. یعنی با توجه به مراتب کامل اقتضائات توحید محوری، اگر کسی پایبند به آن مراتب توحید باشد، به دیدگاه علامه مصباح(ره) می‌رسد. همان‌گونه که تفکر امامین انقلاب اسلامی نیز همین است. در بحث مشروعیت حکومت و جایگاه مردم در حکومت، تفاوتی بین اندیشه‌های امامین انقلاب و علامه مصباح(ره) وجود ندارد چراکه همه این تفکرات و اساساً تفکر انقلاب اسلامی از تفکر توحیدی نشأت گرفته و در این تفکر منشأ مشروعیت را خدا می‌دانیم. یعنی حق حکومت برای خداست اما نقشی که به مردم داده، نسبت به نظام‌های سیاسی دیگر بی‌بدیل است. کسانی که بر نظرات علامه مصباح(ره) مبنی



مردم‌سالاری اشاره به قالب و شکل دارد اما محتوای آن اسلامی است چون بنای حکومت اسلامی یک حکومت مبتنی بر تفکر توحیدی است. در چارچوب حکومت اسلامی، ضوابطی تعیین شده که مردم در همین چارچوب تعریف‌شده، حق اظهار نظر دارند. علامه مصباح می‌فرماید در نظام سیاسی مصداقی از مشارکت است که در حکومت‌های دیگر نیست. یکی از ابعاد مشارکت مردم، نظارت همگانی است. با این تفاوت که اسلام، قالب آن را مشخص کرده یعنی به مردم حق داده که بر حکومت و دیگران نظارت داشته باشند.

نسبت میان مردم‌سالاری دینی و امر به معروف و نهی از منکر

اساساً نظریه مردم‌سالاری دینی مبتنی بر فریضه امر به معروف و نهی از منکر است. نهی از منکر گاه متوجه اشخاص است و گاه متوجه حکومت است. مقام معظم رهبری نیز می‌فرماید: در چارچوب امر به معروف و نهی از منکر حکومت را نقد کنید ولو آن شخص، بالاترین مقام را داشته باشد. علامه مصباح در کتاب «بزرگترین فریضه» می‌فرماید: امر به معروف و نهی از منکر، یک تکلیف بر مسلمانان است یعنی واجب است تخلفات را تذکر دهید. نکته دیگر اینکه حق هم ایجاد می‌کند و مسئولان باید زمینه این مشارکت و نظارت را فراهم آورند.

بنابراین میان نگاه علامه مصباح یزدی و امامین انقلاب هیچ دوگانگی وجود ندارد.

اوایل پیروزی انقلاب عده‌ای درباره نوع نظام، نظام «جمهوری دموکراتیک اسلامی» را پیشنهاد می‌دادند، چراکه در واژه «جمهوری»، هیچ مبنایی نخواستند و آنها اصرار داشتند به «دموکراتیک» ضمیمه شود. چون دموکراسی غربی، روش و ارزش را در هم تنیده می‌داند و مبنای مختص به خود را دارد همچون اومانیسیم، رسیونالیسم، ساینیسیسم، تلورانس و... که در حکومت‌های لیبرال دیده می‌شود، در دموکراسی نهفته است اما در جمهوریت این چنین نیست. بنابراین جمهوریت با اسلامیت قابل جمع است اما دموکراسی با اسلامیت قابل جمع نیست. لذا حضرت امام در مقابل پیشنهاد این افراد محکم ایستادند و فرمودند: جمهوری اسلامی، نه یک کلمه کم، نه یک کلمه زیاد.

اگر غیر از این بود، زمینه اسلام التقاطی و اسلام لیبرال در انقلاب فراهم می‌شد. بنابراین جمهوریت معادل مردم‌سالاری است با همان تبیین که مقام معظم رهبری فرمودند و نظر علامه مصباح نیز، همین است.

امام استفاده کنند و علامه مصباح را نقد کنند، در حالیکه اگر نگاه منظومه‌وار به تفکر امام خمینی داشته باشیم و عبارات ایشان را جامع ببینیم، در می‌یابیم که دیدگاه علامه مصباح دقیقاً منطبق با این نگاه است. چون مبنای تفکر انقلاب اسلامی، توحیدمحوری است چراکه زیربنای تمامی حرکات باید الهی باشد.

ما می‌توانیم برای نقل دیدگاه آیت‌الله مصباح، به بخشی از جملات ایشان استناد کنیم اما باید همه ابعاد را مدنظر داشته و توضیح درستی ارائه دهیم. ایشان در آثار مختلف‌شان ابعادی از مشارکت مردم را در حکومت اسلامی بررسی کرده‌اند. دلیل استفاده نادرست از این گفتارها گاهی به دلیل ناآشنایی با منظومه فکری ایشان است.

ایشان در کتاب «بزرگ‌ترین فریضه» یکی از جلوه‌های مشارکت مردم در حکومت اسلامی را در قالب امر به معروف و نهی از منکر و نظارت همگانی را مستند به جملات مقام معظم رهبری مطرح کرده‌اند.

در کتاب «زلزال نگاه» مباحثی را ناظر به بصیرت و جایگاه مردم مطرح می‌کنند. همچنین در کتاب «حقوق و سیاست در قرآن» یا «نظریه سیاسی اسلام» و «نگاهی گذرا به نظریه ولایت فقیه» و نیز آخرین اثر ایشان «حکیمانه‌ترین حکومت» که وقتی مجموع این آثار را مطالعه می‌کنیم، می‌بینیم هیچ تفاوتی میان نظرات ایشان با امامین انقلاب و اصول قانون اساسی وجود ندارد.

تناقضی نمایی اسلامیت و جمهوریت!

برای فهم بهتر جملات علامه مصباح، می‌توان به فرمایشات مقام معظم رهبری مراجعه نمود. اولین بار ایشان در دوران دولت اصلاحات، مفهوم مردم‌سالاری دینی را مطرح کردند. ایشان فرمودند مردم‌سالاری یعنی مردم، خود می‌توانند حتی نوع نظامشان را تعیین کنند. علامه مصباح نیز همین حرف را قبول دارند. حکومت اسلامی در زمان‌های مختلف به اقتضای شرایط زمان و مکان، می‌تواند قالب‌های مختلفی به خود بگیرد. مانند حکومت مبتنی بر خلافت و یا در دوره‌ای حکومت «مشروطه مشروعه» و زمانی به صورت حکومت «جمهوری اسلامی» که همه اینها متناسب و منطبق بر شرایط زمان و مکان است.

پس نکته اساسی این است که نوع نظام، متناسب با شرایط زمان و مکان است و می‌تواند ناشی از رأی مردم باشد. مقام معظم رهبری در تبیین مردم‌سالاری دینی می‌فرماید مردم سالارند از این جهت که تمام مقامات جمهوری اسلامی به طور مستقیم و غیرمستقیم با رأی مردم بر سر کار می‌آیند. یا اینکه حضرت امام فرموده‌اند: مردم ولی نعمت ما هستند، این حرف، جلوه دیگری از مردم‌سالاری دینی است. همه این موارد در اندیشه علامه مصباح نیز قابل مشاهده است.



مقام معظم رهبری می‌فرماید: در چارچوب امر به معروف و نهی از منکر حکومت را نقد کنید ولو آن شخص، بالاترین مقام را داشته باشد.

اشاره:

مقام معظم رهبری در بیاناتی که پیرامون انتخابات داشتند، بر چند مسئله تأکید کردند. ایشان در سخنرانی خود در ۱۹ دی ۱۴۰۲ بر مسأله مشارکت، رقابت و تأثیر حضور مردم در انتخابات بسیار تأکید داشته و مهم‌ترین کلیدواژه‌ای که به کار بردند، کلیدواژه‌ی «مردم» بود.

اساساً مخاطب انبیاء الهی، مردم بوده و ائمه‌ی اطهار نیز برای هدایت مردم برگزیده شده‌اند؛ بنابراین ارسال پیامبران بدون توجه به مردم، اصلاً معنا ندارد، از این رو همین موضوع را می‌توان تحت عنوان «مشارکت مردم» نام برد که در عصر غیبت معنای ویژه‌ای پیدا می‌کند؛ به عنوان مثال بحث تقلید و مرجعیت در عصر غیبت با مشارکت مردم معنا پیدا می‌کند. اطاعت از اوامر مراجع تقلید و محل رجوع بودن ایشان با مشارکت مردم معنا و مفهوم پیدا می‌کند.

سخنرانی امام خمینی(ره) در مزار مقدس شهیدای انقلاب اسلامی در بهشت زهرا در تاریخ ۱۲ بهمن ۵۷ نیز اشاره به همین معنا دارد، امام خمینی می‌فرمایند: من به پشتوانه مردم، دولت تعیین می‌کنم.

از منظر «سرمایه‌ی اجتماعی» نیز می‌توان این بحث را تحلیل کرد. سرمایه‌ی اجتماعی یکی از واژه‌های شایع قرون اخیر است که در علوم سیاسی، پرکاربرد است. به این معنا که سرمایه یک جامعه فقط پول، زمین، امکانات نظامی، انتظامی و مهندسی نیست بلکه آنچه حکومت را حفظ می‌کند، همان سرمایه‌ی اجتماعی است که قوام‌بخش آن مشارکت و حضور مردم است. برای مثال می‌توان به قوام‌بخش بودن نقش مشارکت و حضور افراد در کوچک‌ترین نهاد اجتماعی یعنی خانواده اشاره کرد که بدون تقسیم کار و ایفای نقش افراد نمی‌تواند دوام یابد. مشارکت یعنی نقش‌آفرین بودن در اتفاقات و پدیده‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی.

انتخابات، جایابی آرام قدرت مردم‌بزرگ‌ترین سرمایه اجتماعی در ایجاد امنیت

حسن غفاری فر

تحقق امنیت، به پشتوانه‌ی مردم

در بحث امنیت، کلیدواژه‌ی حضور و مشارکت مردم را می‌توان این چنین مطرح کرد که نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران اگر از پشتیبانی و حضور مردم محروم باشند؛ همانند نیرویی بدون سنگر هستند؛ البته این امر بدان معنا نیست که مردم سپری برای حفظ آن‌ها باشند بلکه این نیروها حامی مردم هستند، این منافقین بودند که از مردم به عنوان سنگر استفاده می‌کردند.

در جنگ نظامی، قبل از آنکه نیروی پیاده قله را فتح کند، توپخانه وظیفه‌ی رصد و آماده کردن صحنه را دارد، همین حضور و مشارکت مردم نسبت به حکومت را می‌توان توپخانه‌ی ارتش نامید؛ به عنوان مثال حضور و مشارکت مردم برای برون‌رفت از وضعیت کرونا را می‌توان مطرح کرد؛ زیرا دولت حتی با به‌کارگیری تمام قوا،

ریاست جمهوری بودند، نکاتی را به این مضمون فرمودند که با قانون اساسی بازی نکنید! قحطی رجال که نیست. به مردم توهین نکنید. این کار توهین به مردم است. این حرف معنا ندارد که قانون اساسی عوض شود تا فلانی رئیس جمهور باقی بماند!

با مروری بر تاریخ انقلاب، شاهد این امر هستیم که عده‌ای در کشور به دنبال مادام‌العمر کردن ریاست‌جمهوری بودند که خود این امر، به معنای نادیده گرفتن حضور و مشارکت مردم است. رهبری معظم انقلاب در همان سالهای اوایل دهه هشتاد، نسبت به تمرکز قدرت در دست یک فرد یا جریانی خاص چنین هشدار دادند و فرمودند که افرادی پیش من آمدند و می‌گفتند که انتخابات را به سمت فلانی ببریم اما من گفتم انتخابات را به سمت سی میلیون رای ببرید! من از خدا سی میلیون رای خواسته‌ام؛ یعنی آنچه برای ایشان اهمیت و اولویت دارد، سرمایه‌ی اجتماعی و مشارکت بالای مردم در انتخابات است.

در گذشته‌ی انقلاب و تاریخ جمهوری اسلامی ایران نیز بعضی از احزاب و گروه‌ها درصدد تغییر قانون اساسی به این منظور بودند که همیشه قدرت را در دست داشته باشند و این چنین، حضور مردم و مشارکت آنان را نادیده گرفتند.

نکته‌ی جالب اینکه بعضی جریان‌ها و احزاب که می‌خواهند همیشه در قدرت بمانند، از مشارکت مردم می‌ترسند زیرا مردم توانایی جایجایی این قدرت‌ها را دارند.

رهبری معظم انقلاب در سخنرانی خود در مشهد مقدس در مورد همین کلیدواژه و مفهوم مشارکت مردم فرمودند که اصلاً انتخابات برای همین جایجایی قدرت است؛ اما قدرتمندان می‌خواهند بدون دخالت مردم یکی بمانند و دیگری حذف شود، در حالیکه این، خلاف مشارکت است، خلاف سرمایه‌ی اجتماعی است، این یعنی بازگشت به دوره‌ی پهلوی.

رای مردم زینتی نیست...

بنابراین نتیجه می‌گیریم که انتخابات و رای مردم، زینتی نیست و یک اصل است. خائنانه‌ترین واژه و بزرگترین دروغ سیاسی در مورد انتخابات ایران، زینتی بودن انتخابات است. مثال‌های مطرح‌شده به طور کامل نشان می‌دهد که قدرت در حال تغییر و جایجایی است و این تغییر، توسط مردم صورت می‌گیرد. حرکت انقلاب اسلامی به سمت تعالی است، البته طبیعی است که نیرو و توان بعضی افراد و جریان‌ها در مسیر پیشرفت و تعالی انقلاب، تحت تاثیر عواملی قرار گیرد به طوری که آنها دیگر قادر به ادامه مسیر نباشند.

انقلاب اسلامی ایران وابسته به احزاب و گروه‌ها نیست؛ چنانچه بارها شاهد بودیم که حزبی در انتخابات پیروز شده ولی در انتخابات دوره بعد، شکست خورده است.

رهبر معظم انقلاب در سخنرانی ۱۹ دی خود، صراحتاً در مورد کلیدواژه‌ی مشارکت مردم و نقش مردم نسبت به ادامه حرکت انقلاب اسلامی فرمودند که انقلاب مال مردم است، خود مردم نیز باید آن را حفظ کنند تا به تعبیر امام خمینی، انقلاب به دست ناهلان نیفتد.

توانایی حل این مسأله را بدون مشارکت مردم نداشت و این روحیه‌ی بسیجی مردم بود که گذر از این پدیده را میسر کرد.

حتی در مورد اقتصاد نیز امام خمینی (ره) در سخنرانی‌های مختلف خود خطاب به عوامل دولت، به این مضمون می‌فرمایند که کار بازار را به مردم واگذار کنید، مردم را فقط برای تظاهرات نخواهید، مردم را در اقتصاد نیز سهیم کنید.

امام خامنه‌ای نیز بارها بر این مسأله تاکید کرده‌اند که کار بازار را یعنی اقتصاد را دولتی نکنید و به مردم واگذار کنید، ایشان در بیانات اخیر خود نیز از محقق نشدن اصل ۴۴ قانون اساسی گلایه کردند چراکه اصل ۴۴ ناظر به مردمی کردن اقتصاد است.

بنابراین وقتی می‌گوییم مردم، سرمایه‌ی اجتماعی هستند یعنی مردم، نقش‌آفرین باشند. اکنون به عرصه سیاست که موضوع اصلی این نوشتار است بازمی‌گردیم.

جایجایی قدرت به کمک مردم

بعد از رحلت امام (ره) که فضای نظامی و دفاعی کشور به پایان رسید و جنگ تحمیلی تمام شد، اوضاع کشور، آرام شد و منافقین متواری شدند؛ در آن سالها مردم بودند که با حضور میلیونی خود و با مشارکت بالا در انتخابات در سال‌های ۷۶، ۸۴، یا ۸۸ توانستند تا به امروز حکومت کنند و اجازه ندهند انقلاب، به دست دشمنان انقلاب بیفتد.

در گذر زمان و مجالس گذشته این معنا کاملاً مشهود است که جایجایی قدرت در کشور به دست مردم و با اراده و انتخاب مردم شکل می‌گیرد. همین رقابت مجالس با یکدیگر، دلیل حضور مردم و انتخاب متفاوت آنان است. پس می‌توان چنین بیان کرد که تعیین سرنوشت کشور به درستی مرهون حضور و انتخاب صحیح مردم است.

پس به‌طور خلاصه می‌توان گفت با مشارکت ما در انتخابات جایجایی قدرت شکل می‌گیرد که اگر این مشارکت نباشد، قدرت به شیوه‌های خشن‌تری؛ همچون کودتا انتقال می‌یابد. مشارکت سبب جایجایی قدرت و فراهم شدن امنیت در سایر حوزه‌ها می‌شود.

مشارکت مردم، سرمایه‌ی اجتماعی است...

با توجه به اینکه مردم به حکومت اعتماد می‌کنند و در انتخابات شرکت می‌کنند لذا وظیفه احزاب و نخبگان سیاسی این است که مانع از بین رفتن این سرمایه اجتماعی شوند و مراقب باشند رفتارهایی که از نامزدها سر می‌زند، چهره این سرمایه اجتماعی و اعتماد مردم را مخدوش ننماید. احزاب باید نسبت به عملکرد خود، پاسخگو باشند و مردم نیز همواره باید از احزاب، مطالبه کنند.

هنگامی که به تاریخ حوادث گذشته نگاه می‌کنیم، نکات درس آموز زیادی را مشاهده می‌کنیم. یکی از این موارد مربوط می‌شود به مخالفت رهبر معظم انقلاب نسبت به دائمی شدن ریاست جمهوری که این امر، نشان از توجه ویژه ایشان نسبت به مشارکت و حضور مردم در عرصه سیاسی است.

ایشان درباره اینکه عده‌ای در دهه هفتاد، به دنبال مادام‌العمر شدن

اشاره:

موضوع تغییر نظم جهانی توسط مقام معظم رهبری امام خامنه‌ای در سال ۹۳ مطرح شد و مورد توجه برخی محافل قرار گرفت. با شروع جنگ روسیه و اوکراین و همچنین اتفاقات متعدد در فضای جهانی، این بحث مجدداً مطرح شد و شخصیت‌های مهم سیاسی دنیا مانند رئیس‌جمهور فرانسه و آمریکا به صراحت از تغییرات جهانی سخن گفتند.

مقام معظم رهبری نیز فرمودند که جهان در دو مقطع دچار چرخش‌هایی شده که جهان اسلام از آن غفلت کرده است. مقطع اول: ورود استعمار به جهان اسلام در قرن ۱۸ و این امر در حالی بود که جهان اسلام درگیر ضعف‌های داخلی بوده و از دنیای خارج از خود بی‌خبر بوده است. استعمار از این غفلت جهان اسلام استفاده کرد و بسیاری از سرزمین‌های اسلامی به ویژه هندوستان و ایران و مصر زیر سلطه کشور استعماری هم‌چون انگلیس قرار می‌گیرند.

مقطع دوم: جنگ جهانی اول است که منجر به فروپاشی عثمانی و تشکیل خاورمیانه جدید شد. هر چند در آن مقطع مسلمانان در حوزه‌های اجتماعی فعال بودند. علمای اسلام در سه نوبت در نجف فتوا می‌دهند و نتایج این فتاوی مقابله با استعمار می‌شود. شخصیت‌هایی مانند مرحوم صاحب عروه در دفاع از دولت عثمانی فتوا می‌دهد، فرزندش نیز در دفاع از دولت عثمانی، شهید می‌شود.

نکته مهم آنکه جهان اسلام متوجه این تغییر نبود و بیش از آنکه توجه به تحولات جهانی داشته باشد و حضور معنادار داشته باشد، بیشتر در اصطکاک‌های اجتماعی و قومیتی ورود کرده بود و حداقل صد سال دنیای اسلام را درگیر خود کرده بود و همین امر نقطه ضعف و زمین‌های برای فروپاشی عثمانی به عنوان ابرقدرت اسلام فراهم شود و جغرافیایی بر جهان اسلام تحمیل گردید. جغرافیای جدید نه با گذشته جهان اسلام همخوانی داشت و نه زمینه همبستگی در جهان اسلام فراهم آورد.

خلاقیت غرب در برابر مردم سالاری دینی تأثیرات منطقه‌ای و بین‌المللی انتخابات ایران

مجتبی کاظمی

تحولات عصر پست مدرن

در کشور ما نیز استعمار به صورت غیرمستقیم با سلطنت رضاخان آغاز شد. متأسفانه در آن مقطع تاریخی، اکثر نخبگان جامعه متوجه تحولات جهانی نبودند. در مورد جنگ جهانی دوم نیز باید به این نکته اشاره کرد که این جنگ، بیشترین تأثیر را بر روی کشورهای اروپایی گذاشت. به نظر می‌رسد تحولی که مقام معظم رهبری به آن اشاره دارند، تحولات جهان اسلام است. جهان اسلام یک اندوخته خوبی را در این سال‌های اخیر در مبارزه با غرب داشته است. از سویی دیگر، خود تمدن غرب دچار ضعف‌هایی شده که باعث شده در آستانه فروپاشی قرار گیرد و به شدت احساس بی‌آیندگی می‌کند. نظام اقتصادی مبتنی بر مصرف‌گرایی که بعد از جنگ جهانی دوم توسط کشورهای غربی به ویژه آمریکا به دنیا تحمیل شد، نه تنها در حوزه اقتصادی بلکه در حوزه فرهنگی نیز جوامع را دچار پوچی و بی‌هویتی کرد و منجر به ایجاد پدیده‌هایی مانند داعش و...

کشتی غرب، به گل نشسته

حمله اسرائیل غاصب به نوار غزه، باعث بی‌آبرویی بیش از پیش تمدن غرب شد و نشان داد که تمام شعارهای غرب، پوچ و توخالی است. یعنی تمام آن نظریه‌های لیبرال دموکراسی و جهانی شدن و توسعه زیر سوال رفت. آمریکا در ماجرای ویتنام توانست انتقاد از خود را پشت ماجرای دعوی با مارکسیسم و بلوک شرق پنهان کند. یا در جنایات انگلیسی‌ها در هندوستان که فوق‌العاده زیاد بود اما توانست خود را بازسازی کند. اما در ماجرای غزه به گونه‌ای است که به تعبیر دقیق مقام معظم رهبری، آبروی تمدن غرب از بین رفت! یعنی علوم انسانی و نظریات غرب زیر سوال رفت، به گونه‌ای که در اروپا طی این سه ماه گذشته، حدود ششصد راهپیمایی قابل توجه صورت گرفته است.

تمدن غرب و بشر جدید در رنج و تنهایی و غربتی قرار دارد که گویی غزه صدای بشر رنج‌دیده و ستمدیده در برابر تمدن غرب بود. این تظاهرات و راهپیمایی‌ها همانند عقده چند صد سال می‌باشد که در اروپا و کشورهای غربی مشاهده می‌شود. این حادثه یک بزنگاه تئوریک برای ارائه ولایت فقیه و مردم‌سالاری دینی به دنیا بوده و در طرف مقابل یک خلأ تئوریک برای غرب می‌باشد.

مردم‌سالاری اسلامی، یکی از اصلی‌ترین مؤلفه‌های قدرت و اثرگذاری ماست. ما قرار نیست دنیا را به تصرف خود درآوریم، نیروهای همراه ما در عراق و سوریه نیابتی نیستند، مردم عراق خودشان تصمیم‌گیرنده می‌باشند. این اشتراک در آرمان ما و مسیر رسیدن به آنهاست که ما را تحت یک مدیریت جمع کرده است. مقام معظم رهبری نسبت به انتخابات میفرمایند که اگر اسلام را قبول ندارید، به خاطر ایران قوی، به پای صندوق‌های رأی بیایید. انتخابات در این مقطع تاریخی، بسیار مهم و حساس است چراکه یکی از مؤلفه‌های قدرت جمهوری اسلامی برای ایجاد نظم نوین در جهان و ارائه آن به دنیا، مردم‌سالاری دینی است که تجلی آن در انتخابات است و قطعاً هرگونه اقدام در این مسیر، جزو باقیات الصالحات خواهد بود.

ما طی ۴۵ سال رنج و سختی و دشواری را تحمل کرده‌ایم و یکی از نقاط ثمردهی شجره انقلاب، قطعاً در این انتخابات رقم می‌خورد. کسانی که به هر نیتی خلاف این مسیر حرکت می‌کنند قطعاً به خلاف مصالح اسلام و دین اقدام می‌کنند. چراکه صرف‌نظر از قدرت روانی و اقتدار ایران، انتخابات از بُعد جهانی و منطقه‌ای نیز حائز اهمیت می‌باشد.

شد؛ داعش صرفاً یک پدیده کلامی نیست بلکه به اذعان بسیاری از کارشناسان یک پدیده پست‌مدرن است. هیچ‌گاه القاعده به سمت این حجم از کشتار و انتحار نرفته است. اینجاست که جهان اسلام با بحران‌های شدیدی روبرو می‌شود و در این دوره است که انقلاب اسلامی و تجربه مردم‌سالاری دینی رقم می‌خورد.

جمهوری اسلامی توانست طی بیش از چهار دهه، هرچند با داشتن نقاط ضعف و مشکلاتی که عمدتاً هم دشمن برایش بوجود می‌آورد، زیست سیاسی خود را در کوران حوادث به روز کرده و از بحران‌ها عبور کند. انقلاب اسلامی دارای عقبه بزرگی می‌باشد که در گذشته اینچنین عقبه‌ای وجود نداشته است. جز یک دوره مشروطه در ایران و عثمانی که مشروطه اول و دوم عثمانی که عمدتاً حکومتی و غیر مردمی بود (البته مشروطه دوم بیشتر شبه کودتا بود). در ایران نیز در ابتدای مشروطه، تلاش‌های خوبی توسط علمایی همچون شهید مدرس که به دنبال احیای مشروطه اصیل بودند صورت گرفت اما در ادامه وقایعی رخ داد که مانع اقدام این ظرفیت‌ها شد. بنابراین مردم‌سالاری اکنون چنین پشتوانه‌ای دارد و اکنون با گذشت ۴۵ سال از پیروزی انقلاب، قوام یافته و توانسته سیاست و اداره جامعه و حیات اجتماعی سیاسی جامعه ایران را با تمام دشواری‌ها ادامه دهد. بنابراین اکنون ماجرا در تحولات امروز جهان اسلام، ایران است که دارای ابعاد نظامی و بین‌المللی وسیع است و یکی از مهمترین اتفاقات سیاسی درون ایران، مردم‌سالاری دینی به عنوان عنصر جابجایی قدرت است.

مقام معظم رهبری در جریان بیداری اسلامی، به نقطه آسیب آن اشاره کردند که کشورهای اسلامی نتوانستند از نهضتی که به ثمر رسانده‌اند عبور کنند و به مرحله بعد که تشکیل یک نظام مردم‌سالار اسلامی است (و نه ضرورتاً شیعی) برسند. کسی در نظم جهانی دست برتر را دارد که بتواند یک برساخت جدید و طرح نویی به دنیای غرب عرضه کند. یعنی مدلی که طی ۴۵ سال امتحان خود را پس داده است.

چرا بعد از جنگ جهانی دوم، تفکر آمریکا در قاره اروپا پذیرفته شد؟ آمریکا به عنوان یک قدرت اقتصادی و اجتماعی که توانسته بود به شکل خاصی، دنیای جدیدی را برای اروپای ویران شده عرضه کند، سر برآورد و اروپا را ضمیمه فرهنگ و زندگی خود کرد.

مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویی سال ۱۴۰۱ وقتی از نظم جهانی جدید سخن گفتند، از آینده‌ای پیچیده و دشوار سخن گفتند. یکی از مؤلفه‌های بزرگ قدرت جمهوری اسلامی در این نظم جدید، مردم می‌باشد.



تبعیت از رأی مردم کی و کجا؟

سیره اهل بیت علیهم السلام

در همراهی و عدم همراهی با اکثریت

جواد سلیمانی

اشاره:

برای شناخت جایگاه مردم و داشتن حدود و صغور آن باید به قرآن و سنت مراجعه کنیم. قرآن و سنت برای هدایت مردم و کمال و سعادت آنهاست: «إِنَّا جَعَلْنَا بِنَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَّهَا لِنَبْلُوهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» (کهف، ۷) و پیامبران در این زمینه مجاهدت‌های زیادی کردند.

عبارتی که درباره سیدالشهداء(ع) آمده این چنین است: «بَدَّلَ مَهْجَتَهُ فَيَكُ لَيْسَتْ تَقْدُ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَخَيْرَةَ الضَّلَالَةِ» لذا می‌توان گفت هیچ مکتبی مانند اسلام برای مردم سرمایه‌گذاری نمی‌کند و بهترین انسان‌ها را فدای هدایت آنها کند. لذا هدایت مردم یکی از اصول مهم دین اسلام می‌باشد و هدایتی اصیل و پایدار می‌باشد.

ائمہ اطهار تنها به دنبال هدایت دنیوی نیستند بلکه به دنبال سعادت ابدی آنها هستند. در تعالیم اسلامی دستوراتی که برای ارتباط انسان با دیگران و یا ارتباط با خود وجود دارد که مربوط به دنیاست می‌توان با داشتن نیت صالح و قریبه الی الله چهره اخروی به آنها داد.

معیار مشروعیت حاکمان اسلامی به نصب الهی آنان می‌باشد و اکنون که در زمان غیبت به سر می‌بریم، نصب حاکمان از طریق نصب عام می‌باشد یعنی با توجه به فرمایشات اهل بیت(ع)، کسی که معدل تقوا و اسلام شناسی و فقاہت و عدالت و مدیریت را بیش از دیگران دارد،



در تاریخ اهل بیت(ع) نیز شاهدیم که اکثریت با امام جامعه مخالفت می‌کنند، اما امام همچنان امام است و مشروعیت دارد. حال ممکن است سؤال شود: اگر مردم در مشروعیت حاکم نقشی ندارند، پس نقش ایشان چیست؟ باید گفت: رأی مردم نقش مقبولیتی داشته و زمینه اعمال را برای مردم فراهم می‌آورد. بنابراین سیره اهل بیت(ع) به دو دسته همراهی با رأی اکثریت و مخالفت با آن تقسیم می‌شود که می‌توان به شش مورد از آن اشاره کرد.

می‌تواند حاکم جامعه اسلامی باشد و خبرگان باید چنین شخصی را کشف کنند. رأی مردم در این مسأله موجب فعلیت یافتن و مقبولیت چنین حاکمی می‌شود. یعنی کشف خبرگان از طرفی و بیعت مردم با ایشان از طرف دیگر باعث تحقق حاکمیت اسلامی می‌شود. لازمه این بیان آن است که معیار مشروعیت حکومت اسلامی به رأی اکثریت نیست. شاید در مواردی مردم به هر دلیلی با حاکم اسلامی بیعت نکنند، این امر دلیل بر عدم مشروعیت وی نمی‌شود.

موارد موافقت اهل بیت (ع) با اکثریت مردم

با رجوع به تاریخ اسلام، چهار مورد را می‌توان یافت که اهل بیت (ع) با اکثریت مردم همراه شدند و از مردم تبعیت کردند: سقیفه، بیعت با حضرت علی (ع) در ابتدای حکومت، جریان حکمیت در جنگ صفین و ماجرای صلح امام حسن (ع).

اولین مورد از موافقت اهل بیت (ع) با نظر اکثریت، در سقیفه است. فرآیند سقیفه در روزهای آغازین با عدم همراهی اکثریت مردم بود، اما بعد از چند ماه تبدیل به اکثریت شدند. اهل بیت (ع) در سقیفه قدری مقاومت کردند اما وقتی عدم همراهی مردم را دیدند، امام علی (ع) هم همراه شد. آیا این حرف به این معناست که حضرت خود را حاکم مشروع نمی‌دانست؟ خیر! ایشان فرمودند: «أَمَا وَاللَّهِ لَقَدْ تَقَمَّصَهَا ابْنُ أَبِي حَقَافَةَ وَ إِنَّهُ لَيَعْلَمُ أَنَّ مَحَلِّي مِنْهَا مَحَلُّ الْقَطْبِ مِنَ الرَّحَى» (خطبه سوم نهج البلاغه) ابوبکر لباس خلافت را بر تن کرد در حالی که می‌دانست من محور خلافت هستم.

دلیل مقاومت اهل بیت (ع) و عدم بیعت و همچنین مقاومت تاریخی و حمایت از ولایت توسط حضرت زهر (اس) خود دلیل بر این می‌باشد که رأی اکثریت، مشروعیت (حقانیت) نمی‌آورد. اینکه حضرت زهر (اس) می‌فرمایند: «وَ مَا الَّذِي تَقَمُّوا مِنْ أَبِي الْحَسَنِ (ع) نَقَمُوا مِنْهُ وَ اللَّهُ نَكِيرٌ سَنِيْفُهُ، وَ قَلَّةٌ مُبَالَاغَةٌ بِحَنَفِهِ، وَ شِدَّةٌ وَطَاطِيَةٌ، وَ نَكَالٌ وَ قَعْتِيَةٌ، وَ تَنْمَرَةٌ فِي ذَاتِ اللَّهِ.» (بخشی از خطبه حضرت زهر (اس) در جمع زنان مدینه) یعنی آنها چه برتری بر حضرت علی (ع) داشتند؟ والله آنها بر شمشیر برنده او و بی‌اعتنایی ایشان و در برابر مرگ در میدان نبرد، و قدرت او در جنگجویی، و ضربات درهم شکننده‌اش بر دشمن! ایراد می‌گرفتند.

یعنی حضرت زهر (اس) این رفتار را نوعی انتقام از حضرت علی (ع) می‌داند و حاکمیت را مشروع نمی‌داند. یا سخن حضرت زهر (اس) در خطاب به مردم که می‌فرمایند: «اشرکت بعد الایمان» یعنی با این بیعت شرک آوردید. دلیل بر این می‌باشد که نظر اکثریت مردم، مشروع نمی‌باشد. اما با این وجود امام علی (ع) با همین مردم همراهی نمودند. چراکه با جنگ بر سر قدرت، دین مردم تازه‌مسلمان به خطر می‌افتد. دوم اینکه این اختلافات موجب نابودی اصل و اساس اسلام می‌شد و شهرهای مختلف هم از اسلام روی برمی‌گرداندند. بنابراین حفظ مصلحت اسلام و بقای شریعت حداقل در اصول و فروع دیگر بخشی از مصلحت پیروی از احکام اسلام نصیبشان شود و تکامل نسبی پیدا کنند.

در ماجرای بیعت با حضرت علی، هنگامی که حضرت بعد از ۲۵ سال به حکومت رسیدند، فرمودند: «لَوْلَا حُضُورُ الْحَاضِرِ، وَ قِيَامُ الْحُجَّةِ بِوُجُودِ النَّاصِرِ، وَ مَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ أَنْ لَا يُقَارُوا عَلَى كَيْفِ ظَالِمٍ، وَ لَا سَعَبَ مَظْلُومٍ، لَأَلْقَيْتُ حَيْلَهَا عَلَى غَارِبِهَا» (نهج البلاغه خطبه سوم) یعنی اگر نبود حضور آن جمعیت و تمام شدن حجت با وجود یار و یاور و اگر نبود که خداوند از دانایان پیمان گرفته است که بر سیری ستمگر و گرسنگی ستم‌دیده رضایت ندهند، هر آینه مهار شتر خلافت را بر شانداش می‌انداختم. بنابراین اکثریت مهاجر و انصار، موجب قبولی و پذیرش خلافت توسط حضرت امیر شد. البته راز پذیرفتن صرفاً به دلیل خواست مردم نبود، بلکه آن عهد و پیمانی بود که خداوند از علما داشت و حضرت هم به آن تصریح می‌فرمایند. آن زمان فعلیت نیافته بود اما

الان با حضور مردم برای گرفتن حق مظلوم از ظالم و تحقق اسلام واقعی فعلیت یافت. یعنی بسط ید و قدرت اعمال حکومت و پیاده‌سازی احکام دارد.

همراهی دیگر اهل بیت (ع) با مردم در جریان حکمیت است. در جنگ صفین می‌توان گفت بیشتر از نیمی از لشکر خواستار پذیرش حکمیت توسط حضرت بودند. وقتی آنها ورق‌های قرآن را بالای نیزه دیدند و گفتند قرآن بین ما حاکم باشد، با وجود تبیین و روشن‌گری حضرت و توجیه فریب معاویه و عدم موافقت مردم، حضرت ماجرای حکمیت را پذیرفتند چراکه در صورت عدم پذیرش، جان حضرت به خطر می‌افتاد و دین اسلام در همان سال ۳۷ هجری قمری نابود می‌شد و قدرت نوظهور اسلام نیز رو به افول می‌رفت. حضرت پذیرفت تا مردم بفهمند که ادعای معاویه که به قرآن پایبند هستم، دروغ است. اتفاقاً همین هم شد و مردم بعد از حکمیت فریب معاویه را متوجه شدند.

مورد چهارم صلح امام حسن (ع) بود. ایشان صلح را پذیرفت و تصریح می‌کند که چون اکثریت مردم خواستند من بپذیرم. وقتی با اعتراض شیعیان مواجه می‌شود، می‌فرماید: من دیدم اگر این جنگ اتفاق بیفتد، همه شما کشته می‌شوید و دیگر فریادزنی نمی‌ماند که از اسلام ناب دم بزند. مشاهده می‌شود که معیار، بقای اسلام بوده چراکه ماهیت حکومت اسلامی هدایت است نه استبداد و با نابودی و اضمحلال اسلام، مسیر هدایت بشریت نابود می‌شود.

از همین‌رو موضوع تعهد حکومت اسلامی، برای حاکم اسلامی، امت مسلمان و مؤمن است. یعنی هرگاه امت مؤمنی تشکیل شود و امام خود را پیدا کند و با او بیعت شود، حکومت اسلامی محقق می‌شود. و گرنه امام جامعه با شمشیر چنین نمی‌کند و در طول تاریخ هم دیده نشده است. لذا هر جا بیعتی با امام جامعه دیده شده، حاکم اسلامی نیز اقدام به تشکیل حکومت کرده است. نمونه بارز این مدعی تشکیل حکومت اسلامی حضرت رسول بعد از بیعت مردم مدینه با ایشان بود. در زمان امام علی (ع) بعد از ۲۵ سال خانه‌نشینی نیز همین‌گونه شد. چنین سخنی به این معنا نیست که اگر اکثریت نیامدند، اساس تشکیل حکومت اسلامی نامشروع است یا اگر امام اقدامی برای تشکیل حکومت انجام دهد، خلاف کرده است.

موارد مخالفت اهل بیت (ع) با اکثریت مردم

متأسفانه بعد از جریان حکمیت، علیرغم روشن‌گری‌های حضرت علی، مردم ایشان را همراهی نکردند و همین امر باعث شد معاویه از فرصت پیش آمده استفاده کرده و به بصره حمله کند و محمد بن ابی‌بکر را به شهادت برساند. اما با وجود نافرمانی مردم، حضرت حکومت را رها نکردند و در صدد حفظ آن برآمدند؛ چراکه ایشان حاکم مشروع بوده و از همین جاست که می‌فرمایند: «اللَّهُمَّ إِنِّي قَدْ مَلَيْتُهُمْ وَ مَلُونِي وَ سَمَيْتُهُمْ وَ سَمَيْتُونِي فَأَبْدَلْتَنِي بِهِمْ خَيْرًا مِنْهُمْ وَ أَبْدَلْتُهُمْ بِي شَرًّا مِنِّي» (خطبه ۲۵ نهج البلاغه) یعنی: پروردگارا، من اینان را به ستوه آوردم، و اینان نیز به ستوهم آوردند، خسته‌شان کردم و مرا خسته کردند. پس بهتر از ایشان را به من ارزانی دار، و بدترین را بر ایشان بگمار.

با این وجود حضرت حکومت را حفظ کرده و احکام اسلامی را در آن پیاده می‌کند و وجود اقلیت مخالف دلیل نامشروع بودن و اسقاط

اسلام و امت مسلمین و دیگری حفظ اسلام و مصلحت بالقوه مسلمین. همگی به مردم بازمی‌گردد. چون اسلام را اهل بیت(ع) برای هدایت خود مردم می‌خواهند. یعنی حفظ اسلام و مصلحت مردم می‌باشد که دلیل بر صلح و یا جنگ می‌شود حال خواه همراهی اکثریت را به همراه داشته باشد و یا نداشته باشد. به عبارت دیگر حاکم اسلامی همچون خداوند برای خود نفی

نمی‌خواهد. اولیای الهی

حکومتشان حکومت

الله است و از

باب خلیفه‌اللهی

حکومت می‌کند. چنانچه در آیات

قرآن نیز آمده که اگر

رسول خدا

هم حکمی

بر خلاف

حکم خدا

بگوید رگ گردنش رامی‌زنیم:

«وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ لَأَخَذْنَا مِنْهُ

بِالْيَمِينِ ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ» حاقه،

۴۴ تا ۴۶) بنابراین ماهیت حکومت

اسلامی خیر رساندن به مردم

است. از همین رو اسلام

توصیه می‌کند شما

مصلح خود را به

دست این فرد

پسپارید: «الَّتِي

أُولَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ» (احزاب، ۶) چراکه امام برای

هدایت مردم از جان، مال و آبروی خویش برای هدایت

مردم هزینه می‌کند. لذا در زمان غیبت که فردی معدل

علم و عدالت و تدبیر و اسلام‌شناسی را بیش از دیگران

دارد، باید مردم او را بر خود مقدم بدانند. لذا در تعارض و

تزاخم بین مردم و حاکم در تشخیص مصالح و مفاسد،

تشخیص ولی جامعه مقدم است اما خود ولی جامعه

ارزیابی می‌کند: اگر امروز تبعیت کند، برای آینده‌شان

مفید باشد، با رعایت اصول از مردم تبعیت می‌کند. اما

اگر در جایی تبعیت از رأی مردم موجب نابودی آینده

اسلام و مسلمین می‌شود، در مقابل اکثریت مقاومت

می‌کند. مانند آنجا که پدر خانواده یا پزشک، در برابر

بیماری تسلیم بیمارانشود. این مقابله دو صورت است:

یکی مخالفت در اصل درمان و دوم مخالفت در روش

درمان و نوع دارو. در هر صورت صلاح و فساد خود فرد

در نظر گرفته می‌شود. در مواردی با آنها مدارا می‌کند

و در مواردی که حفظ جان مطرح است مخالفت قاطع

می‌کند.

حکومت ایشان نمی‌باشد و همین مخالفت و نافرمانی مدنی مردم به حد شورش و جنگ با حکومت نرسید. لذا برای امنیت جامعه و حفظ مرزها و اجرای حدود در قوه مجریه و قضاییه قدرت داشت. این نشان می‌دهد اگر اکثریت جامعه مخالف حکومت اسلامی باشد، امام علی(ع) باید کنار می‌رفت اما همین اندازه که می‌تواند احکام اسلام را پیاده نماید، حجت باقی است.

این مسأله‌ای نیست که فقط در حکومت حضرت اعمال شده باشد، بلکه تمامی جوامع این چنین است. کسانی که دم از دموکراسی می‌زنند، منتخبین مردم گاه از بین ۵۰ درصد مردم هستند و گاه قوانین مصوب نصف به علاوه یک تصویب می‌شود، با اینکه نزدیک به نیمی از جامعه موافق نیستند اما اعمال حاکمیت صورت می‌گیرد و حکومت تعطیل نمی‌شود.

در هیچ یک از جوامع در طول تاریخ حکومتی وجود نداشته که همراهی و موافقت صددرصدی مردم را به همراه داشته باشد و ابقای حکومت و اجرای قوانین بسته به اهداف حکومت است که حاکم تا چه اندازه توان استقامت در برابر مخالفین را دارد.

مورد دیگر قیام امام حسین(ع) است. وقتی اکثریت

مردم می‌گویند ما نعمان بن بشیر را از شهر بیرون

می‌کنیم و با تو بیعت می‌کنیم، حضرت در نامه به

آنها نوشت: «وَلَعُمْرِي مَا الْأَمَامُ إِلَّا الْحَاكِمُ بِالْكِتَابِ،

الْقَائِمُ بِالْقِسْطِ، الدَّائِنُ بِدِينِ الْحَقِّ» (ارشاد شیخ مفید -

مثیر الاحزان، ج ۱، ص ۲۶) امام نیست مگر اینکه دعوت

به دین کند. یعنی امامت از آن من است. سپس پیک

می‌فرستد و قیام می‌کند تا به حاکمیت برسد. در عین

حال علم به شهادت خود دارد. حال این سؤال به وجود

می‌آید که با علم به شهادت چه فایده‌ای بر این قیام

ایشان مترتب است؟ امام هدفی برای آینده دارد. آن

زمان تاریخ حکومت اسلامی زمینه تحقق نداشت اما

اگر امام قیام نمی‌کرد و مکتب اسلام ناب را تبیین

نمی‌کرد، اسلام برای همیشه نابود می‌شد. امویان

موفق می‌شدند اسلام خود را تثبیت کنند و آرام آرام

پایان اسلام الهی را اعلام کنند. کما اینکه وقتی سر

امام حسین(ع) را مقابل یزید گذاشتند او گفت: «لِعِبَتِّ

هَاشِمُ بِالْمَلِكِ فَلَا خَيْرَ جَاءَ وَلَا وَحَى نَزَلَ» (حیاه الامام

الحسین علیه السلام، ج ۲، ص ۱۸۷، ج ۳، ص ۳۷۷) یعنی

اینان پایان اسلام را می‌خواستند اما خون سیدالشهداء

نگذاشت. یعنی اکثریت اشتباه می‌کرد اما حفظ اسلام

اقتضاء می‌کرد قیام کنند تا مسیر هدایت انسان‌ها و در

نهایت فلسفه خلقت پوچ نباشد.

بنابراین در چهار مورد اهل بیت(ع) با رأی اکثریت

موافقت و در دو مورد مخالفت کردند. دلیل این رفتار را

می‌توان در دو دلیل مطرح کرد؛ یکی مصلحت بالفعل



لذا در زمان غیبت که فردی معدل علم و عدالت و تدبیر و اسلام‌شناسی را بیش از دیگران دارد، باید مردم او را بر خود مقدم بدانند.



اشاره:

واژه‌ی «آرمان» به معنای هدف یا ایده‌آلی است که فرد، گروه و یا جامعه‌ای برای خود تعیین کرده است. آرمان‌ها معمولاً به عنوان هدف‌های بزرگ و بلندمدت در زندگی شخصی، حرفه‌ای و اجتماعی استفاده می‌شوند. این عبارت غالباً ارزش‌ها، معیارها و مهمترین آرزوهای یک جامعه را نشان می‌دهد. نکته مهمی که ملی‌گراها و یا حتی ناسیونالیست‌های وطنی نیز می‌توانند بدان توجه کنند، این است که عظمت جهانی نام ایران در آینده، به یک حقیقت و آرمانی جهانی، فطری و فراملی نیاز دارد، اگر ما امروز از این ظرفیت، توان و موقعیت تاریخی استفاده نکنیم؛ مانند دوران گذشته عثمانی، ترکیه و یا تملن اسلامی، نسبت به کشورهای فعلی عربی خواهیم شد. بنابراین می‌توان خصوصیات قومی و ملی خود را حفظ کرده ولی به نوعی آرمان‌های ملی را در آن ایده جهانی جست‌وجو کنیم؛ از این منظر اگر واقعا دنبال عظمت نام ایران هستیم از این فرصت تاریخی فراموشی می‌توانیم به بهترین نحو استفاده کنیم، البته منظور ما استفاده‌ی مادی و ابزاری نیست زیرا آرمان‌ها نقش بسیار اساسی در زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها دارند. ایده‌آل‌ها به زندگی انسان و جامعه معنا می‌بخشد.

رفتارها تجلی تحقق باورها نسبت بین آرمان‌های بشری و مشارکت سیاسی

سید عبدالمجید اشکوری

این دست از سؤالات توجه کنم و نمی‌خواهم هیچ مسئولیتی را بپذیرم. نه مسئولیت در برابر خودم، نه در برابر موجودات دیگر و نه در برابر انسان‌های دیگر و علاوه بر آن نمی‌خواهم توجهی به مفهوم مسئولیت داشته باشم. این عده دچار یک زندگی روزمره شده و مشخصاً انگیزه‌ی مشارکتی در آن‌ها و امور اجتماعی بسیار پایین است.

دسته دوم: انسان‌هایی با آرمان‌های دنیوی

برخی دیگر از افراد و یا جوامع، آرمان و هدف اصلی خود را در زندگی دنیوی برای دنیای محض قرار می‌دهند و همین امر سبک زندگی آن‌ها را در حوزه‌های مختلف شکل‌دهی می‌کند. در این سبک زندگی فقط به امور مادی توجه شده و احساسات عالی نادیده گرفته می‌شود. این نوع افراد و جوامع به موقعیت خود در جهان هستی توجه ندارند، دچار خودبرتربینی شده، روحیه فرعون‌ی پیدا کرده، گرفتار عجب، کبر، خودخواهی و روحیه‌ی استکباری می‌شوند، منافع خود را بر دیگران ترجیح می‌دهند و همه را در مقابل منافع خود، مسئول و پاسخگو دانسته و خود را در مقابل موجودات،

اساساً باورهای انسان، آرمان‌های او را می‌سازند و آرمان‌ها، سبک زندگی انسان را رقم می‌زنند و سبک زندگی، رفتارهای انسان را در هر دو حوزه‌ی فردی و اجتماعی شکل می‌دهد. به همین دلیل نوع آرمان‌های ما که محصول باورهای ماست، در نوع رفتارهای سیاسی، مشارکت یا عدم مشارکت سیاسی ما بسیار مؤثر است. از این رو جامعه انسانی به چند دسته تقسیم می‌شود:

دسته اول: انسان‌های بی‌هویت

برخی افراد جامعه، آرمان خود را ناآگاهی، بی‌هویتی، بی‌هدفی و بی‌باوری بدون استقلال شخصیت قرار می‌دهند؛ مثل انسان‌های دائم‌الخمر و معتاد به مواد افیونی و مخدر که می‌گویند: از این مایع می‌نوشم و از این مواد استفاده می‌کنم که به هیچ چیز فکر نکنم و نمی‌خواهم به موقعیت خود در جهان هستی بیندیشم و اساساً نمی‌خواهم به سؤالاتی همچون: از کجا آمده‌ام، به کجا می‌روم و برای چه آمده‌ام، من کیستم و چه نسبتی بین من و دیگر موجودات و افراد انسانی برقرار است، پاسخ دهم. علاوه بر این نمی‌خواهم به

کمال‌گرایانه دارند و باطنی شیطانی. این‌گونه جوامع نیز به دلیل پیچیدگی رفتاری، پیش‌بینی‌پذیر نیستند و در مورد آن‌ها می‌توان گفت خود را دارای مسئولیت اجتماعی نمی‌دانند.

دسته ششم: انسان‌هایی با آرمان‌های فطری

برخی دیگر از افراد براساس باورهایشان، آرمان‌های خود را همان آرمان‌های فطری بشری می‌دانند که عبارتند از: رسیدن به کمال برای خود و دیگران، شکل‌دهی و ایجاد جامعه‌ی سالم، ایجاد عدالت به صورت فراگیر و برای همه، ایجاد رفاه مادی در حد عقلانی برای همه، ایجاد صلح بین‌المللی، ایجاد امنیت برای همه، ایجاد آرامش برای همه، دسترسی همگانی و جامعه‌ی بشری به سعادت و... و می‌خواهند از مسیر صحیح به این آرمان‌ها دسترسی پیدا کنند و در این مسیر دارای اراده‌ی قوی، استقامت و استقرار هستند و حتی حاضرند برای تحقق آن‌ها هزینه‌های مالی، جانی و آبرویی و... پرداخت کنند.

این افراد در خود احساس مسئولیت اجتماعی می‌کنند. در این جامعه است که میزان مشارکت و همکاری با یکدیگر در جهت مصالح جامعه و تحقق آن بسیار بالا می‌رود. در این جوامع، میزان تولید سرمایه‌ی اجتماعی بسیار بالاست. مردم‌سالاری دینی در چارچوب همین اهداف و همین سبک زندگی شکل می‌گیرد.

با توجه به مراتب فوق، حال می‌توان این‌گونه گفت که تمام تلاش نظام استکبار جهانی به کمک‌ی داخلی‌اش از طریق تغییر باورها، معطوف به این است که در جامعه‌ی متدین و انقلابی ایران تغییرات آرمانی ایجاد کند و اگر نتوانست، حداقل نسبت به تحقق آرمان‌ها ایجاد ناامیدی کند تا جامعه‌ی ایرانی را از یک جامعه‌ی فعال به یک جامعه‌ی منفعل تبدیل نماید و میزان مشارکت را در حوزه‌های مختلف پایین آورد.

نتیجه

خلاصه آنچه این نوشتار درصدد بیان آن است عبارت است از:

- ۱) باورهای ما آرمان‌های ما را می‌سازد.
 - ۲) آرمان‌های ما سبک زندگی ما را می‌سازد و سبک زندگی ما نوع رفتار اجتماعی ما را رقم می‌زند.
 - ۳) آرمان‌های نظام جمهوری اسلامی همان آرمان‌های فطری بشری است که دارای حقانیت، مشروعیت و عقلانیت است. لذا همگان در مقابل تحقق آن‌ها دارای مسئولیت اجتماعی التزام عملی‌اند.
 - ۴) توجه دادن به این امور، موجب بالا رفتن مشارکت مردمی در حوزه‌های مختلف از جمله مشارکت سیاسی می‌شود لذا بر نخبگان جامعه است که به تقویت باورها و تبیین آرمان‌ها و راه صحیح رسیدن به آن‌ها بپردازند.
 - ۵) دشمن به دنبال تغییر باورها و به دنبال آن آرمان‌ها و به دنبال آن ارزش‌هاست و یا حداقل به دنبال ایجاد ناامیدی نسبت به تحقق آرمان‌هاست تا جامعه‌ی متدین ایران را از حالت فعال درآورده و آن‌ها را به جامعه‌ای منفعل تبدیل نماید تا این مشارکت سیاسی حداکثری را تبدیل به مشارکت حداقلی کند تا به اهداف شیطانی خود برسد.
- این توطئه مهم‌ترین عامل عدم مشارکت در جامعه‌ی ماست که نخبگان از طریق تقویت باورها و توجه دادن جامعه به مسئولیت‌های اجتماعی انسان، می‌توانند رسیدن به آن‌ها و توجه دادن جامعه به مسئولیت‌های اجتماعی انسان، می‌توانند با این تحولات دشمن مقابله کنند و در جامعه برای مشارکت حداکثری ایجاد انگیزه کنند.

دیگران و خداوند متعال، مسئول و پاسخگو نمی‌دانند و به سؤالات اساسی از کجا آمده‌ام، به کجا می‌روم، برای چه آمده‌ام، نپرداخته و اساساً توجه نمی‌کنند و یا به این پرسش‌ها، پاسخ‌های غلط می‌دهند.

میزان مشارکت و عدم مشارکت این عده به منافع مادی بستگی دارد که از این مشارکت کسب می‌کنند، به هر میزانی که منافع مادی و شخصی آن‌ها از مشارکت کمتر باشد، تعاون، همکاری و حضور در صحنه‌ی آن‌ها کمتر می‌شود.

دسته سوم: انسان‌هایی با آرمان‌های صرفاً معنوی

برخی دیگر از جوامع براساس باورهای غلط، آرمان خود را زندگی معنوی برای رسیدن به تطلیف روح و یا کسب قدرت‌های روحی خارق‌العاده و یا آخرت‌طلبی محض آن هم به صورت افراطی قرار می‌دهند؛ زیرا به غلط به این باور رسیده‌اند که بین آخرت و دنیا جدایی است. این آرمان، سبک زندگی مخصوص به خودش را رقم می‌زند. در این سبک زندگی، فرد و جامعه فقط به سرکوب غریز و احساسات طبیعی خود می‌پردازد تا مثلاً روح خود را تزکیه نماید یا به یک قدرت روحی خارق‌العاده دسترسی پیدا کند؛ همانند برخی از مراثضان، این قبیل از افراد برای تقویت روح خود یا آخرت‌طلبی محض و نجات خود، اعتنایی به دیگران نمی‌کنند و فقط در فکر نجات خویش هستند و اساساً دخالت در امور اجتماعی را مغلط آرمان‌هایشان می‌دانند و به همین دلیل از آن‌ها انتظار مشارکت نمی‌رود.

دسته چهارم: انسان‌هایی با آرمان‌های مذدب

برخی دیگر آرمان خود را دنیا و کمال قرار می‌دهند؛ اما به صورت جداگانه و در هنگام تراجم بین این دو مذدبانه عمل می‌کنند؛ یعنی گاهی از کمال می‌گذرند برای رسیدن به دنیا و گاهی از دنیا می‌گذرند برای رسیدن به کمال. به عبارت دیگر تکلیفشان با خودشان مشخص نیست؛ به طور مثال هم غیبت نکردن را کمال می‌دانند و علاقه دارند که غیبت نکنند و هم غیبت می‌کنند. هم خود را در قبال دیگران مسئول می‌دانند، هم به مسئولیت‌شان عمل نمی‌کنند. هم نظم ترافیکی را می‌خواهند و معتقدند که در مقابل ایجاد نظم ترافیکی دارای مسئولیتند و هم به قوانین راهنمایی و رانندگی عمل نمی‌کنند و از آن تخلف می‌کنند. اگر جامعه‌ای این‌گونه شود جامعه‌ای بسیار پیچیده و غیرقابل پیش‌بینی می‌شود. مهم‌ترین مشکل این جوامع عدم توانایی در استقرار، استقامت و نداشتن اراده‌ی قوی است؛ به دلیل همین پیچیدگی رفتاری، میزان مشارکت آن‌ها در امور اجتماعی پیش‌بینی‌ناپذیر است.

دسته پنجم: انسان‌های ریاکار

برخی دیگر براساس باورهای غلط، آرمان خود را رسیدن به امور غیرکمالی از طریق کمال‌گایی قرار می‌دهند. افراد در چنین جامعه‌ای از فهم حقیقت ناتوان هستند و به مهم‌ترین خصلت خود؛ یعنی ریاکاری مشغولند. اینان توجه ندارند که ریاکاری و ظاهرسازی فقط می‌تواند عده‌ی کمی از ساده‌لوحان را آن‌هم برای مدتی محدود فریب دهد. از مهم‌ترین خصوصیات این عده این است که در مقابل جامعه نه تنها احساس مسئولیت نمی‌کنند بلکه مهم‌ترین مسئولیت خود را گول‌زدن دیگران می‌دانند و گاهی آن‌قدر در این مسیر جلو می‌روند که حتی خود را نیز گول می‌زنند و دچار خودفریبی می‌شوند. این افراد ظاهری

نظارت استصوابی و نسبت آن با مشارکت سیاسی

جواد گلستانی فرد

در جمهوری اسلامی ایران، مطابق اصل نوزدهم قانون اساسی، وظیفه نظارت بر انتخابات بر عهده شورای نگهبان است: «شورای نگهبان نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آرای عمومی و همه پرسی را بر عهده دارد.»

آنچه نقطه اختلاف شده این است که تصریحی بر استصوابی بودن نظارت نیست و لفظ نظارت به صورت عام ذکر شده است. از طرفی بنا به اصل نود و هشت قانون اساسی، تفسیر قانون اساسی نیز بر عهده شورای نگهبان است. این شورا در سال ۱۳۷۰ نظر تفسیری خود را در زمینه اصل ۹۹ قانون اساسی چنین اعلام کرده است: «نظارت مذکور در اصل ۹۹ قانون اساسی استصوابی است و شامل تمام مراحل اجرایی انتخابات، از جمله تأیید یا رد صلاحیت کاندیداها می‌شود.» بنابراین نظارت استصوابی از نظر حقوقی و قانونی هیچ مشکلی ندارد و عدم تصریح به آن دخیلی در بحث ندارد.

اما سوال این است که:

چرا نظارت را به نظارت استصوابی حمل کردند؟

دلیل اول: یک قاعده فقهی وجود دارد که هرگاه لفظی بدون قید بکار برده شد بر مطلق حمل می‌شود. (اصاله الاطلاق) در اینجا لفظ نظارت، مطلق بکار برده شده، و بر نظارت استصوابی که مطلق نظارت و اصل نظارت است و با معنای نظارت نیز سازگاری بیشتری دارد حمل می‌گردد. خلاف این اصل نیاز به قرینه دارد. قطعاً نظارتی که منفعل باشد و تأثیری در روند بهبودی ایجاد نکند، فرقی با نبودن ندارد و قانونگذار به این نکته توجه داشته است. حضرت امام خمینی(ره) در باب وقف نیز به این مطلب اشاره کرده اند. ایشان چنین می‌فرمایند:

واقف می‌تواند بر کار متولی وقف، ناظر تعیین کند. اگر معلوم شد که مقصود واقف از نظارت این است که ناظر برای حصول اطمینان صرفاً بر کار متولی اطلاع پیدا کند، متولی در تصرفات خود مستقل است و به اذن ناظر در صحت و نفوذ تصرفاتش نیاز نیست و صرفاً اطلاع او لازم است؛ و اگر روشن شود که اعمال نظر و تصویب ناظر مقصود واقف است متولی نمی‌تواند بدون اذن و تصویب ناظر

اصل نظارت بر امور مهم نزد عقلای دنیا یک اصل پذیرفته شده است. همانطور که یک کارخانه‌دار، بر محصولاتش نظارت می‌کند؛ یک نظام سیاسی نیز بر افرادی که می‌خواهند قبول مسئولیت کنند باید نظارت کند. در تمام نظام‌های سیاسی دنیا نیز این اصل رعایت می‌شود تا هم وظایف محوله به فرد مورد نظر به درستی انجام پذیرد و هم حقوق و مصالح شهروندان در اثر بی‌کفایتی و نالایق بودن مسئول برگزیده پایمال نگردد. مثلاً یکی از شرایط معتبر در کلیه نظام‌های حقوقی جهان این است که کاندیدای مورد نظر سوابق کیفری نداشته باشد و افراد دارای سوء سابقه کیفری از پاره‌ای از حقوق اجتماعی، از جمله انتخاب شدن برای مجالس تصمیم‌گیری، هیات‌های منصفه، شوراها و غیره محروم اند.

نظارت به دو قسم است. در قسم اول ناظر در جریان موضوعات قرار می‌گیرد و تنها شنونده ایست که گزارشی برای او خوانده می‌شود. نهایتاً می‌تواند این گزارش را به مسئول دیگری ارجاع دهد و حق تصمیم‌گیری ندارد. همه شهروندان از حق چنین نظارتی برخوردار هستند. اما در قسم دوم ناظر علاوه بر اینکه از موضوع مطلع می‌شود حق دخالت در امور و تأیید و رد کردن (تصویب) آنها را دارد. به قسم اول نظارت استطلاعی و به قسم دوم نظارت استصوابی می‌گویند.

نظارت استصوابی سه قسم است:

۱. نظارت استصوابی تطبیقی: در این قسم ناظر موظف است اعمال عامل را با شرایط و قوانین تطبیق دهد و در صورت مغایرت با آنها عمل عامل اعتباری نخواهد داشت.
۲. نظارت استصوابی عدم مغایرت و تعارض: در این قسم ناظر موظف است از هرگونه خروج و انحراف کارگزار از محدوده مقرر شده جلوگیری کند. دایره این قسم نسبت به مورد قبلی محدودتر است.
۳. نظارت استصوابی مطلق: در این قسم هر عملی که عامل انجام می‌دهد منوط به تأیید ناظر است. در صورت سکوت یا عدم اظهار نظر ناظر، همه‌ی کارهای عامل ملغی و بی اعتبار محسوب می‌شود.

تصرفی انجام دهد و اگر معلوم نشد که مراد واقف از جعل ناظر چیست، لازم است که هر دو امر (اطلاع، و اذن و تصویب ناظر) رعایت شود.

دلیل دوم: در اصل نود و نه قانون اساسی مرجعی که شورای نگهبان، گزارش را به او ارجاع دهد مشخص نشده است و این یعنی خودش مرجع تصمیم‌گیری و فصل الخطاب است و این معنا همان نظارت استصوابی است. دلیل سوم: تناسب حکم و موضوع است. همانطور که در دلیل اول نیز اجمالاً بیان شد؛ نظارت استطلاعی از انحراف جلوگیری نمی‌کند و در نتیجه فایده‌ای بر آن مترتب نیست. بلکه نظارت استصوابی است که می‌تواند به فلسفه نظارت و صلاح امور کمک کند و اصل نظارت برای این مهم وضع شده است. آنچه متناسب با حکم نظارت است، نظارت استصوابی است و ثمرات نظارت بر این قسم جریان دارد.

دلیل چهارم: قانون عادی مصوب مجلس شورای اسلامی است. در ماده ۳ قانون انتخابات مصوبه ۴ مرداد ۱۳۷۴ آمده است:

نظارت بر انتخابات مجلس به عهده ی شورای نگهبان است. این نظارت استصوابی، عام و در تمام مراحل و در کلیه ی امور مربوط به انتخابات است.

و جالب است که در سال ۱۳۶۲ که برای اولین بار قانون انتخابات مجلس، در مجلس شورای اسلامی تصویب شد، در ماده ی ۳ آمده بود: «نظارت بر انتخابات مجلس به عهده ی شورای نگهبان است و این نظارت عام و در تمام مراحل و در همه ی امور مربوط به انتخابات جاری است.» در اصلاحیه ی این ماده در سال ۱۳۷۰ فقط لفظ استصواب اضافه شده است و در این ماده گرچه لفظ استصواب نبود، اما لحن و سیاق و مضمون به گونه ای بود که چنین معنایی را افاده می کرد.

چرا شورای نگهبان باید نقش نظارتی در انتخابات داشته باشد؟

مکانیسم انتخابات در دنیا بدین شرح است.

دو هیئت عمده در برگزاری انتخابات نقش دارند. (۱) هیئت های اجرایی (۲) هیئت های نظارتی. در برخی از کشورها هیئت های اجرایی، وظیفه نظارت بر انتخابات را نیز بر عهده دارند اما در برخی دیگر از کشورها مانند ایران، این دو وظیفه تفکیک شده و بر عهده دو نهاد جداگانه قرار گرفته است. به نظر می رسد اینکه هیئت های اجرایی وظیفه نظارت بر انتخابات را هم برعهده داشته باشند، داعی بر فساد بیشتری داشته باشد. طبیعی است که نهادهای اجرایی علاقه مندند افرادی از طیف و حزب خودشان مسئولیت بعدی را به دوش بگیرند و این موجب سوء استفاده های احتمالی آنان در فرایند انتخابات است. (البته این روحیه مخصوص انسان است و اختصاصی به قشر خاصی یا مردم خاص ندارد) اما در کشور ما وظیفه نظارت بر انتخابات و رسیدگی به شکایات و اعتراضات داوطلبان به شورای نگهبان سپرده شده است که نهادی بی طرف در انتخابات است و ضامن اسلامیت و پاسداری از مرزهای شریعت هستند. لذا حق مردم را حق الناس می دانند و برای احقاق حقوق مردم تلاش می کنند.

آیا نظارت استصوابی موجب کاهش مشارکت است؟

مشارکت سیاسی در نظام های سیاسی دنیا یکی از محک های موجود برای ارزیابی میزان مقبولیت آن نظام است. لذا یک موضوع حیاتی برای سیاستمداران محسوب می شود. شورای نگهبان با نظارت استصوابی به صورت یک عضو فعال در فرایند انتخابات شرکت می کند. وظیفه اش نیز نظارت بر انتخابات در تمام مراحل است. این گزاره که نظارت استصوابی باعث کاهش مشارکت می شود جای تامل دارد و معمولاً نشأت گرفته از چند عامل است. الف) عدم درک صحیح از نظارت استصوابی: برخی ادعا می کنند این نوع نظارت با حق مردم برای انتخاب شدن در تضاد است. همه مردم حق دارند که برای مجلس انتخاب شوند و کسی نمی تواند این حق را از آنها سلب نماید. در جواب باید گفت: اگر پذیرفتیم لازمه اعمال حاکمیت صحیح، وجود افراد توانمند برای قانونگذاری و تصمیم گیری در بحران های خاص اجتماعی

و سیاسی است، بالطبع وجود یک سلسه ویژگی ها، توانایی ها و آگاهی ها از نیازهای جامعه و مصالح مردم را در داوطلبان نمایندگی امری لازم و ضروری خواهیم دانست. مثل اینکه مجوز طبابت و تاسیس مطب فقط به افراد خاصی که از اطلاعات و تعهد کافی در امر طبابت برخوردارند داده می شود و این هرگز به معنای سلب حق مردم در گرفتن جواز مطب نیست؛ بلکه دقیقاً به معنای رعایت حقوق و مصالح سایر شهروندان می باشد. چراکه حق بقیه است که نزد پزشک مطلع و متبحر بروند.

ب) ستیز با اسلامیت نظام: در کشور ما گروهی تحت لوای «جمهوریت» نظام، به سست کردن و منزوی ساختن «اسلامیت» آن می پردازند. اینان با حذف شرایطی که در اثر داشتن ویژگی اسلامی نظام برای داوطلبان انتخاباتی در نظر گرفته شده است، انگیزه های ضد دینی و ضد مردمی خود را عملی گردانند. سابقه عملکرد این افراد نشان می دهد که خود به هنگام تصدی امور، چنین نظارتی را اعمال و شدیداً از آن دفاع می کردند. اما اکنون به انگیزه هایی - غیر از انگیزه دینی - و برای تامین منافع گروهی و جناحی خود با نظارت استصوابی مخالفت می کنند تا بتوانند افرادی که واجد صلاحیت نیستند را وارد مراکز تصمیم گیری و حساس نظام کنند و از این طریق به اهداف حزبی و اغراض سیاسی خود دست یابند. مثلاً به هنگام انتخابات مجلس خبرگان، سعی می کنند افراد غیرمجتهد که از نظر قانونی واجد صلاحیت نیستند را وارد مجلس خبرگان کنند تا از این طریق به مقاصد خود دست یابند؛ و چون شورای نگهبان مطابق قانون با خواست غیرعقلانی و غیر قانونی آنان مخالفت می کند، سعی در حذف نظارت استصوابی دارند و پیشنهاد می کنند شورای نگهبان تنها حق نظارت بر روند انتخابات را دارد و بدون اعمال هیچ گونه برخورد عملی با تخلفات و کارهای خلاف قانون، صرفاً می بایست گزارش کننده ماجرا باشد. اما اینکه به چه کسی باید گزارش داد؟ آیا اساساً قانون مقام دیگری را که شورای نگهبان گزارش خود را تقدیم او کند در نظر گرفته است یا خیر؟ سوال هایی است که هرگز به آن جوابی نمی دهند.

ج) دادن آزادی های دروغین به مردم: گاه چنین گفته می شود که بهتر است گزینش را مستقیماً به خود مردم واگذار کنیم و با کنار گذاشتن مرجع رسمی احراز صلاحیت افراد خود به تحقیق بپردازند و نامزد مورد علاقه خود را با آزادی بیشتری انتخاب کنند. نباید مردم را محدود کرد، آزادی حق مردم است و ما نمی توانیم این حق را از آنها سلب نماییم.

در تبیین باید گفت: این مسئله با بیان جذاب و مردم پسند در میان توده مردم نشر پیدا میکند و باید در هر مسئله ای دلیل را دنبال کنیم. اولاً: تحقیق و جستجوی خود افراد در میان تعداد زیادی داوطلب و احراز شرایط در آنها، نیازمند صرف وقت و نیروی فراوان است که با وجود مشغله ها و گرفتاری های افراد ناممکن و یا حداقل بسیار مشکل است. مثلاً برای احراز اینکه داوطلبان سوء سابقه کیفی ندارند نیاز به مراجعه فراوان و وجود دستگاه پاسخگوی بسیار فعال است که عملی شدن احراز همین یک شرط با توجه

نظارتی کاملاً بی‌طرفانه برخورد می‌کند و بیان همه
 قضاوت‌های خود دلیل دارد، ترغیب می‌شوند
 تا در انتخابات شرکت کنند و با فراغ
 بال میان گزینه‌های موجود
 تصمیم می‌گیرند. اما
 جناح‌های سیاسی
 معمولاً با

به تعداد مراجعین ماهها طول می‌کشد و اگر قرار
 باشد این شرط و برخی شروط دیگر توسط نهاد ثبت
 نام‌کننده از داوطلبان احراز و اعلام شود تا مردم به
 دارندگان آن شرایط رای دهند و خود متحمل زحمت
 نشوند، در این صورت این همان نظارت استصوابی
 یک نهاد رسمی خواهد بود، که شبهه‌کنندگان در
 صد گریز از آن بودند. ثانیاً: تجربه نشان داده است
 که آنها از پول و امکانات و روش‌های تبلیغی بیشتر
 و بهتری برخوردارند، عملاً در چنین وضعیتی موفق
 ترند و توانسته‌اند با تبلیغات جذاب، کار را از مسیر
 آن خارج و خود یا داوطلبان مورد نظر خود را راهی
 مجالس و مناصب تصمیم‌گیری و اجرایی کنند. در
 واقع آزادی‌ئی که از آن دم می‌زنند کاملاً پوشالی
 و توخالی است. مانند آن که کیوتری را در فضای آزاد
 رها کنید اما بال‌های آن را بسته باشید. در زمان
 ما تبلیغات و مدیریت افکار عمومی با فضای مجازی
 و رسانه‌های مختلف، حکم بستن بال‌های کیوتر
 را دارد. زیرا رسانه‌های مغرض تنها از زاویه‌ای که
 خودشان می‌خواهند به موضوعات مختلف نگاه می
 کنند و مردم نیز زاویه دید آنها را تلقی به قبول می
 کنند. ثالثاً: باید آزادی انتخاب مردم را با حفظ حقوق
 آنها همراه کرد. یعنی مردم هر جا که بدانند حقوقشان
 راحت‌تر تامین شده است، آزادی بیشتری دارند و هر
 وقت که دچار تردید و ابهام و نگرانی بیشتری باشند،
 از آزادی کمتری برخوردار خواهند بود. پر واضح است
 که گزینش در میان مجموعه ده نفری که انسان به
 صلاحیت تمامی آنها و در نتیجه تضمین خود خود با
 انتخاب هریک از آنها اطمینان دارد، بسیار راحت‌تر و
 بهتر از گزینش در میان مجموعه هزار نفری است که
 شناخت و تضمینی برای افراد وجود ندارد.

د) بازی‌های جناحی و حزبی: گاهی چنین گفته
 میشود که فلان حزب نمی‌تواند در انتخابات لیست
 بدهد زیرا نفرت آن تایید صلاحیت نشدند. لذا نظارت
 استصوابی شورای نگهبان مشارکت را کاهش می‌دهد
 و طرفداران این حزب در انتخابات شرکت نمی‌کنند و
 تعبیر قهر با صندوق رای را بکار می‌برند.

در تبیین باید گفت: شورای نگهبان موظف به اجرای
 قانون است. قانون نیز شرایطی را برای تصدی
 مسئولیت در نظر گرفته است که باید در فرد احراز
 گردد. هیچ قانونی تکلیف نکرده است که فلان
 لیست یا فلان حزب باید تایید صلاحیت شوند.
 اولویت اصلی برای نهاد نظارت در همه جای دنیا
 عمل صحیح به قانون و وظیفه‌ای است که بر
 عهده‌اش گذاشته شده و این مصلحت نباید فدای
 موضوعات دیگر شود. مردم در جایی که ببینند نهاد

پر و پاگانندای

رسانه‌ای می‌خواهند

چنین جلوه دهند که

نظارت استصوابی موجب

کاهش مشارکت است و عدم شرکت در

انتخابات را بگونه‌ای توجیه کنند. در حالیکه اجرای

قانون را نباید فدای رضایت حزب‌های سیاسی و

باندبازی‌های سیاسیون کرد.

نتیجه آنکه نظارت استصوابی ضامن حق حاکمیت

مردم است و در صورت نبودن آن احتمال خطر نقض

قانون اساسی و حق حاکمیت مردم وجود دارد. در همه

ادوار انتخابات اجرای مَر قانون نصب‌العین شورای

نگهبان بوده است و این اطمینان باعث می‌شود که

مردم با خاطری جمع در انتخابات شرکت کنند.





مردم، خالص‌سازترین عنصر انتخابات

نقش شورای نگهبان در مدیریت انتخابات

باشوند، با افراد سابقه‌دار و باتجربه مسابقه بگذارند؛ این‌ها تلاش کنند، آن‌ها هم تلاش کنند و یک مجلس خوب و قوی آن مجلسی است که هم از این جوان‌ها داخلش باشند، هم از آن مجرب‌ها و باسابقه‌ها داخلش باشند. رقابت؛ یعنی این؛ یکی از مهم‌ترین مسائل در باب انتخابات، این مسابقه گذاشتن است.» (۱۴۰۲/۱۰/۲)

تاکید بر حضور همه‌ی جناح‌های سیاسی، این سوال را در اذهان برخی ایجاد می‌کند که آیا نظارت استصوابی که شورای نگهبان اعمال می‌کند، باعث بی‌معنا شدن حضور همه‌ی تفکرات در روند انتخابات نمی‌شود؟ اینکه شورای نگهبان عده‌ای از داوطلبان نمایندگی مجلس را از حضور در انتخاب منع می‌کند به معنای خالص‌سازی و فراهم کردن شرایط برای روی کار آمدن یک گروه خاص نیست؟ برای پاسخ به این سوال ضروری است که نکاتی را مد نظر قرار دهیم. بدیهی است که حضور همه‌ی جناح‌های سیاسی

انتخابات در نظام جمهوری اسلامی مظهر نقش‌آفرینی مردم در حکومت و اصلی‌ترین نماد مردم‌سالاری دینی است که مردم از طریق آن به صورت مستقیم یا غیرمستقیم تمامی مسئولین نظام را انتخاب می‌کنند. برگزاری انتخابات پرشور و با شرکت همه‌ی جناح‌های سیاسی می‌تواند تاثیر مستقیمی بر روند توسعه و پیشرفت کشور داشته و باعث شود که مسئولینی بر صدر امور قرار بگیرند که نماینده‌ی همه‌ی مردم و انتخاب واقعی همه‌ی آن‌ها باشد.

مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند: «رقابت؛ یعنی جناح‌های سیاسی برای شرکت در انتخابات با هم مسابقه بگذارند؛ گرایش‌های گوناگون سیاسی و اقتصادی در انتخابات با هم مسابقه بگذارند؛ میدان باز باشد برای مسابقه‌ی جناح‌های سیاسی و نگاه‌های سیاسی و نظرات سیاسی، همچنین اقتصادی، همچنین فرهنگی؛ این معنای رقابت است. رقابت؛ یعنی جوان‌هایی که می‌خواهند وارد میدان انتخابات



شورای نگهبان با دریافت
گزارش‌های مختلف امنیتی،
اخلاقی، سیاسی و ... در
خصوص هر داوطلب به
بررسی صلاحیت او می‌پردازد.

اساسی» در ترکیه، «محکمه‌النقد» در مصر، «شورای قانون اساسی» و «دیوان عالی عدالت» در فرانسه، «دادگاه قانون اساسی» در آلمان، «مجلس نمایندگان» و «سنا» در آمریکا، «مجلس عوام» در انگلستان و «دادگاه قانون اساسی» در روسیه، این نقش نظارتی را ایفا می‌نمایند. (۲)

شورای نگهبان با دریافت گزارش‌های مختلف امنیتی، اخلاقی، سیاسی و ... در خصوص هر داوطلب به بررسی صلاحیت او می‌پردازد. آنچه از عملکرد شورای نگهبان از ابتدای انقلاب تاکنون به دست می‌آید نشان می‌دهد که این شورا معیارهای حداقلی را برای تعیین میزان صلاحیت داوطلبان در نظر می‌گیرد و به عبارتی کسی که مورد تایید این شورا قرار نمی‌گیرد از حداقل معیارها نیز برخوردار نبوده است.

سوالی که ممکن است اینجا به وجود بیاید این است که چرا روند بررسی صلاحیت نامزدها بر عهده‌ی خود مردم گذاشته نمی‌شود تا خودشان به عنوان صاحبان واقعی این نظام و کشور، شخص مورد نظرشان را انتخاب کنند؟ در پاسخ به این سوال باید گفت که کشف بسیاری از

نمی‌تواند به صورت مطلق اتفاق افتاده و هر کس با هر تفکر و رویکردی نسبت به موجودیت نظام اسلامی و قانون اساسی کشور اجازه‌ی حضور در روند انتخابات را نداشته باشد؛ به عنوان مثال کسی که اصل نظام جمهوری اسلامی را قبول نداشته و از هیچ تلاشی برای براندازی آن دریغ نمی‌کند، نمی‌تواند در روند انتخابات شرکت داشته باشد. همچنین کسی که حداقل معیارهای اخلاقی و شخصیتی را برای تصدی پست‌های حساس مدیریتی نداشته باشد، صلاحیت حضور در روند انتخابات را ندارد.

نظام جمهوری اسلامی برای جلوگیری از ورود افراد فاقد صلاحیت به عرصه‌ی انتخابات، از ساز و کاری به نام شورای نگهبان کمک گرفته و احراز صلاحیت داوطلبان حضور در انتخابات را بر عهده‌ی آن شورا گذاشته است. (اصل ۹۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران) لازم به ذکر است که ساز و کار احراز صلاحیت داوطلبان، اختصاص به جمهوری اسلامی نداشته و تقریباً در تمامی نظام‌های سیاسی با نام‌های مختلف موجود است؛ به عنوان مثال «دادگاه قانون

مفاسد و ناکارآمدی‌های داوطلبان از عهده‌ی عموم مردم خارج بوده و امکان آن برایشان فراهم نیست؛ به عنوان مثال بسیاری از رد صلاحیت‌ها دلایل امنیتی دارد که جزئیات آن نمی‌تواند در اختیار عموم مردم قرار بگیرد و شورای نگهبان این وظیفه‌ی خطیر را بر عهده دارد که کشور و نظام را از خطر حضور چنین افرادی در مناصب مهم و سرنوشت ساز مصون نگه دارد.

نکته‌ی مهمی که در روند تایید صلاحیت داوطلبان باید بیان شود این است که رویکرد سیاسی و حضور در جناح‌های مختلف سیاسی هیچ تأثیری در احراز یا عدم احراز صلاحیت داوطلبان ندارد. حضور شخصیت‌های مختلف از جناح‌های سیاسی مختلف در مهم‌ترین مناصب سیاسی همچون ریاست جمهوری شاهده‌ی بر این مدعاست. نگاهی به تاریخچه‌ی اقدامات شورای نگهبان نشان می‌دهد که اتهام «خالص سازی» توصیف مناسبی برای عملکرد شورای نگهبان نیست؛ به عنوان مثال حضور شخصیت‌هایی؛ همچون سیدمحمدخامنی (اصلاح طلب)، احمد توکلی (اصولگرا)، مصطفی معین (اصلاح طلب)، حبیب‌الله عسکراولادی (حزب موتلفه‌ی اسلامی)، محسن مهرعلیزاده (اصلاح طلب)، عبدالناصر همتی (اصلاح طلب)، محمود احمدی نژاد (اصولگرا)، مهدی کروبی (اصلاح طلب)، میرحسین موسوی (اصلاح طلب)، حسن روحانی (راست سنتی متمایل به اصلاح طلبان)، سعید جلیلی، ابراهیم رئیسی، اصولگرا) و... نشان می‌دهد که همواره و در همه‌ی انتخابات طیف‌های مختلف سیاسی حضور داشته‌اند و در دوره‌های مختلف توانسته‌اند قدرت را به دست بگیرند. وضعیت در انتخابات مجلس شورای اسلامی نیز به همین منوال بوده است و در هر دوره طیف‌های مختلف سیاسی حضور فعال و اثرگذار داشته‌اند. به عنوان نمونه اکثریت کرسی‌های مجلس شورای اسلامی در دوره‌ی ششم در اختیار اصلاح طلبان قرار داشت و در مجلس هفتم، هشتم و نهم، وضعیت کاملاً برعکس بود و اصولگرایان اکثریت این مجالس را تشکیل می‌دادند. در مجلس دهم دوباره اصلاح طلبان و حامیان دولت حسن روحانی توانستند اکثر کرسی‌های مجلس را به دست بگیرند. توجه به ترکیب داوطلبان مناصب مختلف در دوره‌های متمادی نشان می‌دهد که شورای نگهبان هیچ‌گاه مانعی بر سر راه جناح‌های سیاسی برای حضور در انتخابات نبوده است. اتهام «خالص سازی» در این دوره و پس از اعلام نتایج احراز صلاحیت‌ها را عده‌ای از شخصیت‌های سیاسی در حالی مطرح کردند که در دوازدهمین دوره‌ی انتخابات مجلس بیش از ۲۱ هزار پرونده از واجدین شرایط در هیات‌های نظارت استانی مورد بررسی قرار گرفت که بیش از ۵۲ درصد از این افراد تایید صلاحیت شدند. در واقع صلاحیت بیش از ۱۱

هزار نفر را هیات مرکزی نظارت بر انتخابات و هیات‌های نظارت استانی تایید کردند که این رقم نسبت به دوره‌ی قبل؛ یعنی تعداد افرادی که در هیات‌های نظارت استانی انتخابات مجلس یازدهم تایید صلاحیت شدند، دو برابر است. بنابراین به ازای هر کرسی مجلس ۳۸ نفر تایید صلاحیت شدند که در حوزه‌های انتخابیه‌ی مختلف به رقابت خواهند پرداخت.

مبنا در شورای نگهبان همواره قانون بوده و سعی شورا بر این است تا با بی‌طرفی بر اساس قانون عمل کند و نتیجه‌ی انتخاب مردم همواره به گونه‌ای بوده که گروه‌های سیاسی مختلف و جناح‌ها و جریان‌های سیاسی مختلف در ادوار مختلف با تکیه بر همین قانون در انتخابات حضور داشته و منشا خدماتی در کشور باشند. در مقابل، انتخاب مردم هم نتیجه‌ی عملکرد همین جناح‌های سیاسی بوده است. در دوره‌ای به یک طیف و جریان سیاسی رای داده‌اند و دوره‌ی دیگری به گروه دیگر. به نظر می‌رسد مطرح شدن این اتهامات در جهت پرهزینه‌تر کردن عمل به قانون برای شورای نگهبان است؛ چرا که افراد مختلف به سبب مفاسد و ناکارآمدی‌های خود طبق قانون اجازه‌ی حضور در انتخابات را نداشته و تلاش می‌کنند تا با مطرح کردن این اتهامات، شورا را در برابر افکار عمومی قرار داده و مسیر را برای حضور غیرقانونی خود فراهم کنند.

اینکه یک گروه سیاسی شخصیت مورد اعتنا و موجهی برای حضور در عرصه‌ی انتخابات در اختیار ندارد و تمامی شخصیت‌های برجسته و شناخته شده‌ی آن دارای سوابق اقدامات ضدامنیتی و مفاسد اقتصادی و اخلاقی هستند که مانع حضور قانونی‌شان در عرصه‌ی انتخابات است، دلیلی بر سیاسی کاری شورا و به معنای جلوگیری از حضور جناح‌های مختلف سیاسی در عرصه‌ی انتخابات نیست بلکه رفتار شورا مصداق واقعی «عمل به مر قانون» است.

آنچه اهمیت دارد این است که نهایتاً انتخاب با مردم است و این مردم هستند که تعیین می‌کنند چه کسی بر صندلی‌های مجلس شورای اسلامی تکیه زده و به امر قانونگذاری مشغول شود. اگر خالص سازی هم قرار است اتفاق بیفتد از جانب مردم خواهد بود و آن‌ها هستند که با توجه به عملکرد گروه‌های سیاسی، آن‌ها را خالص سازی کرده و اجازه‌ی تصدی مناصب سیاسی را به آن‌ها نمی‌دهند.

تاکید مقام معظم رهبری بر حضور همه جناح‌های سیاسی به معنای نادیده گرفتن ملاک‌های صلاحیت برای تصدی مناصب سیاسی نیست. بلکه بیشتر به معنای برجسته کردن تاثیر انتخابات پرشور در آینده‌ی کشور و حل مشکلات موجود و ترغیب جناح‌های سیاسی مختلف برای حضور در عرصه‌ی انتخابات است.

اینجا «فرد» «جمع» است

مفهوم‌شناسی مشارکت سیاسی

سیدعبدالمجید پیش‌بین

اشاره:

انسان‌ها در زندگی اهدافی دارند که این اهداف، به دو صورت قابل تحقق است. برخی از اهداف با رفتار فردی قابل تحقق است، برخی دیگر از اهداف، نیاز به رفتار جمعی دارد.

به عنوان مثال من می‌خواهم بدنی سالم داشته باشم. برای تأمین سلامت جسمانی، باید ورزش کنم و اگر من ورزش کنم و دیگران ورزش نکنند، ورزش نکردن اجتماع، تأثیری در سلامتی من ندارد.

اما گاهی اوقات اهدافی را دنبال می‌کنم که تحققش نیازمند رفتار جمعی است مانند نظم در هنگام رانندگی، هنگام

رانندگی همه باید نظم را رعایت کنند

وگرنه منجر به ترافیکی می‌شود. تحقق این

نظم تنها از طریق رفتار جمعی محقق می‌شود

و اگر برخی قوانین راهنمایی و رانندگی را رعایت

نکنند، نظم به هم می‌ریزد، جامعه دچار هرج و مرج

می‌شود و همه حتی کسانی که نظم را رعایت می‌کنند،

دچار مشکل می‌شوند.

نظم اجتماعی در گرو رفتار جمعی

چهار موضوع وجود دارد که تنها با

رفتار جمعی قابل تحقق است و نه فردی.

الف) یکی از آنها «آرمان‌ها و اهداف ملی»

است. از آنجا که آرمان‌های ملی و اهداف ملی ما

همان اهداف امت اسلامی است و بالاتر از آن، همان

آرمان‌های فطری بشری است و با آنها تطابق کامل دارد،

می‌گوییم تحقق اهداف امت اسلامی و یا آرمان‌های ندای

بشری منوط به تحقق رفتار جمعی است یعنی به هر میزانی که

رفتار جمعی صورت نپذیرد، به همان میزان نیز این آرمان‌ها محقق

نمی‌شوند و یا تحقق آنها با موانع روبرو می‌شود دشوار است.

ب) موضوع دوم، حفظ و تحقق «قدرت ملی» است. ما باید قدرت ملی

خود را حفظ و تقویت کنیم و آن را رشد دهیم. این امر، نیازمند به رفتار

جمعی است.

ج) موضوع سوم «امنیت ملی» است که حفظ و تقویت آن منوط به رفتار

جمعی است. اگر همه انسان‌ها به صورت سالم در جامعه زندگی کنند

اما فقط یک نفر اقدام به دزدی کند به همین اندازه همه افراد جامعه



احساس ناامنی می‌کنند.

د) موضوع چهارم، منافع ملی است که تحقق آن نیز منوط به رفتار فردی و جمعی است.

از آنجا که همه این عناصر در جامعه ما تحت عنوان «امت اسلامی» قرار می‌گیرند، بنابراین امنیت، اهداف، منافع و قدرت ملی، در همان چارچوب امت اسلامی تعریف می‌شود؛ یعنی منافع من همان منافع امت اسلامی است و اگر منافع امت اسلامی به هر اندازه تأمین نشود، به همان اندازه منافع ملی ما نیز محقق نمی‌شود.

نکته دیگر آنکه هر موضوع که چنین اهمیتی داشته باشد و تحقق آن منوط به رفتار جمعی باشد، «مسئولیت اجتماعی» می‌آورد یعنی همه آحاد مردم مسئولیت دارند. نمی‌توان گفت دولت مسئولیت دارد و به من ربطی ندارد بلکه تک تک افراد جامعه در مسیر تحقق آن دارای مسئولیت‌اند. پس رفتار خود را باید به گونه‌ای تنظیم کنند که منجر به تقویت اهداف ملی یا امنیت ملی و... شود. از همین‌رو گفته می‌شود ما در این موارد دارای مسئولیت اجتماعی هستیم.

بنابراین باید همگان به این مسئولیت عمل کنند تا به آن اهداف و آرمان‌ها برسند و اگر این احساس مسئولیت، در جامعه شکل‌گیری نشود، جامعه دچار معضلات و مشکلات عدیده‌ای شده و دچار از هم پاشیدگی اجتماعی می‌شود.

رفتار جمعی در قبال انتخابات

جایگاه انتخابات در انقلاب اسلامی دقیقاً همین است که منجر به تحقق اهداف و منافع و قدرت و امنیت ملی می‌شود. البته اگر در جایی انتخاباتی منجر به از دست رفتن این عناصر چهارگانه شود، نباید شرکت کرد.

و اگر بعکس حضور در انتخابات منجر به تقویت و حفظ عناصر فوق شود، شرکت در انتخابات هم واجب سیاسی است و هم واجب شرعی. به همین دلیل مقام معظم رهبری می‌فرمایند: اگر جمهوری اسلامی را هم قبول ندارید باز هم در انتخابات شرکت کنید.

اگر کمی دقت کنیم در می‌یابیم امروز ایران اسلامی محور مقاومت در منطقه، در مقابل استعمار و استبداد و اشغالگری است. یقیناً با تضعیف ام‌القرای مقاومت، محور مقاومت هم دچار ضعف می‌شود. پس ما نسبت به محور مقاومت نیز دارای مسئولیت اجتماعی هستیم. یعنی در برابر رژیم کودک‌کش اشغالگر قدس مسئولیت داریم.

اگر این رفتار من منجر به تضعیف محور مقاومت و متقابلاً امت اسلامی شود و دشمن بتواند اهداف خود را دنبال کند و به جنایات خود و سلطه‌گری ادامه دهد، من در مقابل آن خون‌های مظلومی که بر زمین ریخته می‌شود دارای مسئولیت اجتماعی هستم.

آیت‌الله مصباح می‌فرمودند گاه ما در این دنیا کاری انجام می‌دهیم، در آن دنیا می‌بینیم چقدر عمل صالح در نامه اعمال ما ثبت شده است. می‌پرسیم اینها از کجا آمده؟ می‌گویند یاد است آن روز در انتخابات چنین انتخابی داشتی؟ این کار تو منجر به تقویت امت اسلامی و محور مقاومت شد، این باعث شد رژیم اشغالگر قدس نتواند به اهداف خود برسد و جان بسیاری افراد حفظ شده است. به همین دلیل برای شما چنین اعمال صالحی ثبت شده است.

البته برعکس این امر هم ممکن است، شاید کاری را انجام دهید و در نامه اعمال شما، کلی جنایت ثبت شود، بعد می‌گوییم من این کارها را نکرده‌ام، پاسخ می‌دهند این از آثار فلان رفتار توست لذا در مقابل آن جنایات شریک هستی. ممکن است بگویی من قصد آن کار را نداشتم، اما گفته می‌شود چون وظیفه و مسئولیت خود را انجام ندادی، چنین عوارضی داشته است.

امروز مردم آمریکا باید شبانه‌روز مقابل کاخ سفید اعتراض کنند زیرا دولت آمریکا به کودک‌کشی کمک می‌کند. مردم آمریکا در مقابل این وضعیت مسئولیت دارند و نمی‌توانند بگویند اقدام دولت به ما ارتباطی ندارد. این همان امر به معروف و نهی از منکر است که دارای مراتب و شرایط مختلفی است.

این مسئولیت اجتماعی شامل حوزه مشارکت سیاسی هم می‌شود و ما باید وظیفه خود بدانیم که محور مقاومت و جبهه حق را تقویت نماییم. این مشارکت در معیشت و اقتصاد جامعه و گاه در نسل‌های بعد اثرگذار است، بخاطر همین من در مقابل نسل‌های بعد هم دارای مسئولیت اجتماعی هستم.

از این رو گفته می‌شود به حکم عقل و شرع دارای مسئولیت هستیم. حتی اگر کسی معتقد به آخرت نباشد و به مسئولیت‌های اجتماعی خود عمل نکند، در دادگاه وجدان فردی خود و تاریخ محکوم است. همانگونه که در نظم ترافیکی نمی‌توان به دلخواه رفتار کرد، در دیگر مسائل اجتماعی نیز همین گونه است. من باید به آثار و پیامدهای و تبعات رفتار خود دقت و توجه داشته باشم و امتداد اجتماعی آن را مد نظر داشته



یکی از وظایف مجلس،
قانونگذاری در جهت تأمین
مصالح و دفع مفسد است که
همان امر به معروف و نهی از
منکر محسوب می‌شود.

می‌خواهیم یک منطقه و شهر را اداره کنیم و گاه می‌خواهیم یک کشور و یا یک منطقه و یا جهان را اداره کنیم. باید ساختارها متناسب باشد. امر به معروف و نهی از منکر مسئولیتی اجتماعی است و کسی حق ندارد بر خلاف مصلحت بشر اقدامی انجام دهد.

حال ما اگر بخواهیم در داخل کشور ساختاری ایجاد کنیم می‌تواند اینگونه باشد: یکی از وظایف مجلس، قانونگذاری در جهت تأمین مصالح و دفع مفسد است که همان امر به معروف و نهی از منکر محسوب می‌شود. از وظایف دیگر مجلس، نظارت است. اگر کسی بخواهد وزیر شود، باید رأی مجلس را داشته باشد. یعنی ما افراد جامعه در انتخابات مجلس به انسان‌های شایسته‌ای رأی می‌دهیم برای چنین نظارتی تا انسان‌های ناشایست کرسی‌های قدرت را به دست نگیرند و مجلس می‌تواند با عدم رأی اعتماد و سوال و استیضاح قرار گیرد. انتخابات ریاست جمهوری و شورای خبرگان نیز همین گونه است. بنابراین انتخابات نه تنها حق، بلکه یک وظیفه و مسئولیت اجتماعی است و دارای اثری است.

قرآن می‌فرماید: «وَقِفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ» (۲۴ صافات) این پاسخگو بودن نسبت به فرد، خانواده، جامعه است و اگر من امنیت جامعه را با عدم اجرای قوانین راهنمایی و رانندگی بر هم بزنم، امنیت روانی جامعه را برهم زده‌ام. مثل پارک یک ماشین در محل نامناسب از طرف من، منجر به ناامنی روانی صاحب خانه می‌شود و اگر صاحب‌خانه پزشکی باشد که باید سریع به اتاق عمل برسد تا جانی را نجات دهد و بدلیل این مشکل روانی که من برای او بوجود آورده‌ام، نتواند کار خود را به درستی انجام دهد، من در برابر همه این آثار و عوارض دارای مسئولیت هستیم. این همان چیزی است که علامه مصباح می‌فرمایند در روز قیامت وقتی پرونده اعمال را باز می‌کنند، فرد می‌بیند چقدر عذاب و پاداش برایش ثبت شده است!

باشم. انسان عاقل و به خصوص متشرع به این مسئولیت‌ها توجه دارد.

عدم تعهد به مسئولیت اجتماعی مصادیق متعددی دارد که می‌توان از آنها به‌عنوان تجارب تاریخی یاد کرد. به‌طور مثال یکی از آنها فتنه ۸۸ است. در فتنه ۸۸ رفتار عده‌ای باعث طمع دشمن شد و آسیب‌هایی به کشور وارد شد که عواقبی مانند تحریم دارویی کشور به دنبال داشت و باید گفت همه فتنه‌گران در مقابل همه بیماران پروانه‌ای و دردها و رنج‌هایی که متوجه آنان شد شریکند. اگر هم به قیامت اعتقاد ندارند، با اندکی تأمل در دادگاه وجدان خود و تاریخ و نسل‌های آینده محکوم‌اند. به هر میزانی که نظام استکباری به دلیل فتنه طمع کرد و به امنیت کشور ضربه زد، به همان میزان فتنه‌گران در آن ضربه‌زدن‌ها شریک هستند.

امر به معروف، مبنای مسئولیت اجتماعی

این مسئولیت اجتماعی همانگونه که اشاره شد، مرتبه‌ای از امر به معروف و نهی از منکر است. و اصولاً این دو فریضه مهم، مبنای مردم‌سالاری دینی است. اگر قرار است منکری شکل‌گیری شود، همه مردم وظیفه دارند در مقابل آن منکر بایستند و مسأله‌ای شخصی محسوب نمی‌شود. منکر یعنی هر آنچه برخلاف مصلحت دنیوی و اخروی بشر است. هر منکری انجام شود چون مصلحت بشری در خطر است، همه جامعه اعم از دولت و غیر آن، در مقابل آن مسئول هستند. امر به معروف یعنی به کارگرفتن همه توان‌ها در راستای تحقق مصالح بشر. حال می‌گوییم شما که توان علمی برای تأمین مصالح بشر داری، چرا از این توان خود استفاده نمی‌کنی؟ این اصل پایه مردم‌سالاری دینی است و رأی دادن خود نوعی امر به معروف و نهی از منکر است. وقتی بخواهد این دو فریضه در سطح جامعه شکل‌گیری شود، نیازمند ساختار متناسب با شرایط زمانی و مکانی است. گاه می‌خواهیم یک روستا را اداره کنیم و گاه

انتخاب عقلانی در سایه نشاط سیاسی نگاهی به عوامل رقابتی شدن انتخابات

مجید نجفی

اشاره:

نظام جمهوری اسلامی به واقع یک نظام مردم‌سالار است. از آنجایی که امر به معروف و نهی از منکر بر همه افراد جامعه واجب است، تحقق این امر که مردم به این تکلیف خود عمل کنند، نیازمند ساختارمندی و روشمندی است که یکی از آن مسیرها انتخابات است. از همین‌رو در مردم‌سالاری دینی، مردم پایه اساسی هستند و بر اساس خواست آنان، جامعه اداره شده و شایسته سالاری است. در نظام مردم‌سالار چرخش قدرت و اداره کشور بر اساس آرا و خواست مردم اتفاق می‌افتد و از همین‌رو حضور و مشارکت مردم لازم و ضروری است. انتخابات خود منجر به ایجاد نشاط سیاسی می‌شود یعنی افراد و احزاب و گروه‌هایی که احساس می‌کنند جامعه اینگونه بهتر اداره می‌شود، در یک فضای سیاسی پر نشاط و پرقابلیت، گفتگو کرده و با اعلام برنامه‌های خود، افکار عمومی را به خود جلب می‌کنند تا بتوانند کرسی‌های قدرت را به دست گرفته و بر اساس برنامه مدنظر خود، کشور را اداره کنند. از همین‌رو رقابت انتخاباتی و تضارب آراء اهمیت می‌یابد و منجر به رشد و تعالی جامعه می‌شود.

عوامل رقابتی شدن انتخابات

انتخابات رقابتی و سالم زمانی رخ می‌دهد که افرادی که قصد همراه کردن افکار عمومی با خود برای کسب قدرت و نحوه اداره کشور را دارند، فضایی عقلانی و به دور از فریب را در جامعه ایجاد کنند یعنی قصد فریب جامعه نداشته باشند و از اقدامات پوپولیستی پرهیز کنند؛ کاری نکنند که جامعه، قدرت تشخیص درست از غلط را از دست بدهد. کما اینکه انبیای عظام همواره عقل‌ها را تقویت کردند تا قدرت تشخیص بالا برود. حال اگر بیایم رقابت‌های سیاسی را در ساختار مردم‌سالاری دینی با مردم‌سالاری غربی دارد مقایسه کنیم به سهولت درمی‌یابیم که در غرب، مهم کسب آرا است نه مردم یعنی به دنبال رشد اجتماعی نیستند.

رقابت سالم انتخاباتی، رقابتی است که قدرت انتخاب عقلانی را از مردم نگیرد. یعنی دقیقاً همان اقدامی که انبیاء در مقابل شیطان انجام می‌دادند. شیطان می‌گوید: «قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ» (ص ۸۲) دموکراسی غربی بر همین اساس بنا شده است. در عملیات فریب، که امروزه از آن به عنوان عملیات روانی و یا جنگ شناختی یاد می‌شود فضای رقابتی سالم و قدرت انتخاب صحیح از بین می‌برد. در عملیات فریب امر غیرواقعی، واقعی نشان داده می‌شود. به عنوان مثال حادثه قیامت، یک امر واقعی است. سؤال قبر، امری واقعی است اما شیطان در مقابل استدلال‌های عقلی، می‌گوید: چه کسی آن دنیا را دیده است؟ او خود می‌داند قیامت و بهشت و جهنمی هست، اما فریب می‌دهد.

در عرصه انتخابات، اعلام برنامه‌های غیرعملیاتی نوعی فریب است. مانند اینکه نامزد انتخاباتی به مردم بگوید: اگر به من رأی بدهید، در عرض یکسال هم بیکاری را حل می‌کنم، هم برای شما رشد اقتصادی ایجاد می‌کنم، هم با فساد مقابله می‌کنم، هم تورم را کنترل می‌کنم، هم جاده می‌سازم، هم دانشگاه می‌سازم و... یعنی اگر به من رأی دهید، همه مشکلات سریع حل می‌شود! گذشته از این، همه

اینها را بدون اینکه جامعه بخواهد

زحمتی را متحمل شود و هزینه‌ای پرداخت کند، حل می‌کنم! این یک دروغ بزرگ است چراکه اساساً چنین اقداماتی در عرض یکسال امکان پذیر نیست.

یا برای تخریب رقیب انتخاباتی گفته شود: اگر فلانی بیاید می‌خواهد وسط پیاده‌روها دیوار بکشد! این تخریب و آن فریب، فضای رقابت سالم را که قرار است در مردم‌سالاری دینی اتفاق افتد، از بین می‌برد. قرآن درباره فرعون از تعبیر «فَأَسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَاطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ» (زخرف ۵۴) استفاده می‌کند که او قصد داشت مردم را مستضعف فکری بار آورد. در عملیات روانی گفته می‌شود انسان‌ها جهل، میل و قوه خیال دارند؛ و شیطان می‌گوید تو می‌توانی انسان‌ها را با استفاده از همین سه عنصر، از مسیر اصلی که موجب سعادت آنان است دور کنی. وقتی چنین کاری در حوزه اجتماع اتفاق افتد، نشاط سیاسی تبدیل به رقابت ناسالم می‌شود و قوه انتخاب احسن را از انسان می‌گیرد. در مقابل این فریب، انبیاء انسان‌ها را به امور عقلانی دعوت می‌کنند و از همین رو می‌خواهند عقل‌ها را رشد دهند و به تعبیر امیرالمومنین (ع): «ویشروا لهم دفائن العقول». انبیاء می‌خواهند ایجاد تمایل قلبی کنند به امری واقعی (نه غیرواقعی) از طریق اقتناع عقلی. برخلاف باطل که می‌خواهد در جامعه ایجاد تمایل قلبی کند به امر غیر واقعی، آن هم از طریق توهم و تخیل و جهل و فریب، آنها انسان‌ها را گمراه می‌کنند. از طریق وعده وعیدهای دروغ و رفتارهای نمایشی و مغالطه یعنی عقلی نشان دادن مفاسد.

هدف وسیله را توجیه نمی‌کند. اینگونه کارها منجر به از بین رفتن نشاط انتخاباتی شده و در طول زمان منجر به ضربه زدن به مشارکت حداکثری خواهد شد.

پرهیز از رفتارهای ساختارشکنانه

یکی از دلالتی که مردم نسبت به انتخابات اشتیاق و نشاط نشان نمی‌دهند، رفتارهای ساختارشکنانه و هنجارشکنانه و نیز



یکی از دلالتی که مردم نسبت به انتخابات اشتیاق و نشاط نشان نمی‌دهند، رفتارهای ساختارشکنانه و هنجارشکنانه و نیز فریب کارانه است.



فریب کارانه است مثلاً می‌گویند دیگر از مسائل سیاسی خسته شده‌ایم! چون رفتارهای فریبکارانه، نشاط را از ما گرفته است. شاید وعده‌های دروغ به طور موقت یک هیجانی ایجاد کند اما در دراز مدت آسیب می‌رساند و در نهایت نشاط و انگیزه حضور سیاسی را از جامعه می‌گیرد چراکه وقتی به این وعده‌ها عمل نشود، موجب دلسردی می‌شود.

باید به جای این وعده‌های فریبکارانه، برنامه‌های دقیق کارشناسی داد. گاه برنامه‌ها هم واقعی نیست مانند اینکه در موضوع هسته‌ای بگوییم: اگر در مقابل غربی‌ها کوتاه بیاییم، همه مشکلات ما حل می‌شود! در حالی که این سخن بسیار غیرواقعی است.

آنچه مقام معظم رهبری تحت عنوان انتخابات سالم و رقابتی می‌خواهند و مطرح می‌کنند این است که احاد جامعه، انتخاب کنندگان و انتخاب شونده‌گان، فضای جامعه را با دعوت به موضوعات و برنامه‌های عقلانی که قابلیت اجرا دارند، به یک انتخابات رقابتی همراه با نشاط سیاسی تبدیل نمایند. به‌طور مثال می‌توان گفت مردم، امروز اگر مثلاً نرخ تورم ۵۰ درصد است، اگر رأی بیاورم تلاش می‌کنم از این راه‌ها و با این برنامه، این نرخ را به ۴۰ درصد برسانم. جامعه وقتی این برنامه منطقی را ببیند و بعد هم رای بدهد و طی دو سه سال اجرا شود، نشاط پیدا می‌کند. اما اگر بگوییم من ارزش پول را به روز نخست بازمی‌گردانم! سخن زیبایی است اما شدنی نیست چرا که مثلاً لاقبل به یک برنامه بیست ساله لازم دارد.

در فضای رقابت باید برای فهم و شعور مردم احترام قائل شد. باید برای انتخاب عقلانی مردم احترام قائل شد و اجازه داد تا مردم انتخاب عقلانی داشته باشند. اصولاً فلسفه مردم‌سالاری دینی در حکومت اسلامی مبتنی بر رشد عقلانی مردم است. در واقع با نوع انتخاب خود رشد پیدا می‌کند و کشور هم به درستی اداره شده

و رشد سیاسی و نشاط سیاسی پدید می‌آید. افراد احساس می‌کنند آراشان واقعاً در زندگی آنها مؤثر است و تفاوت انتخاب‌ها را متوجه شده و فهم می‌کنند. این امر مشروط بر این است که رقابت سالم و متدینانه باشد. دین ما را دعوت به تفکر و تعقل و تقوا می‌کند. باید فضایی را ایجاد کرد که جامعه بتواند انتخاب عقلانی داشته باشد. در این صورت است که انتخابات سالم و رقابت سالم رقم می‌خورد. در غیر این صورت انتخابات، آسیب‌پذیر شده و اعتماد مردم از دست می‌رود و از صندوق‌های رأی رویگردان می‌شوند.

از جمله موضوعاتی که در سلامت انتخاباتی بسیار مؤثر است، «شورای نگهبان» است چرا که شورای نگهبان نهاد قانونی است که تا حدودی موظف به حفظ سلامت جو انتخاباتی است. در کجای دنیا مجتهدان و حقوقدانان با شرط علم و عدالت می‌نشینند تا با مشورت یکدیگر گزارش‌های نهادهای امنیتی در مورد افراد کاندیدا را بررسی کنند و ببینند اصولاً چنین افرادی شایسته حدقلی قرار گرفتن در جایگاه نمایندگی را دارند یا خیر و یا اساساً مدارکی که نهادهای امنیتی ارائه می‌کنند قابل اعتنا هستند یا نه؟

این امر موجب اطمینان بیشتر برای رقابت صحیح می‌شود. در واقع برخلاف عملیات روانی دشمن در نشان دادن چهره متفاوت از شورای نگهبان، باید گفت اتفاقاً این نهاد مانع نفوذ و ورود افرادی می‌شود که دچار فساد اخلاقی و مالی هستند. یا از جنبه علمی و رتبه علمی توانمندی دارد یا ندارد. وقتی احراز شد، مردم با خیال راحت انتخاب می‌کنند. عمده این است که این نهاد برای مردم ایجاد فرصت می‌کند برای انتخاب عقلانی و از سوی دیگر نظارت می‌کند بر حفاظت از رأی مردم که مبادا حق کسی در این میان ضایع شود. لذا یکی از عناصری که در نظام سیاسی برای حفظ سلامت انتخاباتی بسیار مؤثر است شورای نگهبان است. که می‌بایست از سوی نخبگان و افکار عمومی مورد حمایت قرار گیرد. شاید به دلیل همین جایگاه مهم باشد که دشمنان اسلام و انقلاب و مردم ایران و محور مقاومت تلاش دارند چهره این نهاد را تخریب کنند.



در فضای رقابت باید برای فهم و شعور مردم احترام قائل شد. باید برای انتخاب عقلانی مردم احترام قائل شد و اجازه داد تا مردم انتخاب عقلانی داشته باشند.



اشاره:

با نگاهی به تاریخ معاصر ایران در می‌یابیم که روحانیت همواره در قبال سیاست، هیچ‌گاه منزوی نبوده و همواره نسبت به این مسأله حساس و فعال بوده است اما فهمیدن نوع فعالیت و کنش روحانیت در هر مقطع، موضوع بسیار مهمی است که باید به آن پرداخت.

در دوره صفویه، روحانیت شأن خود را صرفاً یک شأن علمی دانسته و تلاش می‌کرد سیاست را به حکومت‌داری که داعیه و حرص آن را داشتند واگذار کند.

در جنگ‌های ایران و روس در دوره فتحعلی شاه برای نخستین بار علمایی همچون سیدمحمد مجاهد، ملااحمد نراقی و شیخ جعفر کاشف‌الغطاء کفن‌پوشان وارد عرصه شدند و مردم را برای دفاع از کشور در مقابل دشمن بسیج کردند و در مقابل نیز مردم از دعوت ایشان استقبال کردند.

انتخابات نماد هویت دینی

روحانیت و مشارکت سیاسی و اجتماعی

رضا رمضان نرگسی

روحانیت و اجرای احکام؟!

استعماری علیه ایران شد. در کتب تاریخی آمده است که فتحعلی شاه به آیت‌الله برغانی (شهید ثالث) گفت: دیدید با ورود علماء و روحانیون به عرصه سیاست چه بلایی سر کشور آمد؟! در جواب ایشان می‌فرمایند: تا زمانی که نیت شاه خالص بود در حال پیشروی و پیروزی بودیم و آن زمانی که نیت شما متزلزل شد، شکست خوردیم.

با تبلیغاتی که علیه روحانیت بعد از

با پیروزی‌های بدست‌آمده به واسطه ورود علماء و روحانیت به صحنه بسیج عمومی جنگ، بیم آن رفت که این پیروزی‌ها به نام علماء رقم بخورد و همین امر باعث سست شدن پایه‌های حکومت و در انتها سقوط آن شود لذا خاندان قاجار بر آن شدند که علماء و روحانیون را از اردوگاه جنگ اخراج کنند که همین امر نیز باعث شکست لشکریان و تحمیل قراردادهای



شکست ایران از روس شد، تفکری شکل گرفت مبنی بر اینکه علما نمی‌توانند حکومت‌داری کنند و اگر وارد عرصه سیاست شوند، نتیجه عکس می‌گیرند. در نتیجه روحانیت نیز پذیرفت که تنها جایگاه علمی خود را حفظ کند و وارد سیاست نشود. این تفکر تا زمان جنبش تحریم تنباکو ادامه داشت.

دیدگاه مرحوم نائینی در باب مشارکت

بعد از مشروطه همین بحث در کتاب «تنبيه الامه و تنزيه المله» مرحوم نائینی آمده است که در دوره‌ای که دستمان از دامان عصمت ائمه کوتاه است چه کار باید کرد؟ چرا که وارد شدن به عرصه سیاست نیازمند عصمت بوده که فاقد آن هستیم که در صورت ورود و عدم موفقیت باعث خروج مردم این دین شده و مردم نسبت به دین بدبین می‌شوند. بنابراین بهتر است با کناره‌گیری روحانیت از عرصه سیاست و حکومت، به وظیفه هدایتگری خود بپردازند تا تقدس روحانیت باقی بماند.

بنابراین مسأله مجاز نبودن ورود روحانیون و علماء به عرصه سیاست از دیرباز وجود داشته و تا زمان معاصر حتی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ادامه پیدا کرده است چراکه جریانی معتقد بود که علماء کاری جز راهنمایی و هدایت‌گری مردم ندارند.

البته نخستین بار آیت الله وحید بهبهانی (ره) این بحث را پیش کشید که علماء تنها وظیفه «ابلاغ» ندارند بلکه باید به عرصه «اجرا» نیز ورود کنند. به دنبال نظرات ایشان که مرجعیت شیعه باید بدین صورت پایه‌گذاری شود، نوه دختری ایشان یعنی سید محمد مجاهد نیز وقتی دیدند دولت در حفاظت از مرزها سستی می‌کند و روس‌ها به بهانه اینکه در قرارداد گلستان حدود مرزها مشخص نشده بود در حال پیشروی بودند، به دفاع و مسائل نظام ورود پیدا کردند، چراکه ایشان حفظ ثغور و مرزهای مسلمین را از باب امور حسبه واجب می‌دانستند. مرحوم نائینی در کتاب «تنبيه الامه» برای برون‌رفت از این مشکل و حل این مسأله دو راه حل ارائه می‌دهند؛ یکی بحث مشارکت مردم و روحانیت توأمان و دیگری تفکیک قوا.

اگر مردم تنها باشند، می‌توان آنها را فریب داد اما وجود علما به عنوان حافظان رأی مردم و به تعبیر امام خمینی «پیرو ولایت فقیه باشید تا به مملکت شما آسیبی نرسد»، مانع انحراف مردم و سوء استفاده از آزادی و اختیار آنان می‌شوند. این نظارت همیشگی و مستمر توسط علما بر مردم، باعث تأمین عصمت سیاسی است. چراکه بر اساس قرآن کریم «لَيَقْوَمَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (۲۵) حدید، علی‌رغم ارسال پیامبران و داشتن میزان؛ خود مردم باید به اقامه قسط و برپایی عدل قیام کنند.

از همین یک آیه می‌توان معنای واقعی مردم سالاری را تفسیر کرد. یعنی حکومتی که در آن مردم وظیفه دارند قیام به قسط و عدالت کنند. تفاوت این نوع از مردم سالاری با دموکراسی غربی این است که در دموکراسی غربی مردم هم حق مشارکت دارند و هم می‌توانند مشارکت نکنند. یعنی این حق هیچ ضابطه‌ای ندارد و تابع میل و هوای نفس آنان است. در حالیکه در تفکر اسلامی مردم وظیفه قیام دارند و اگر قیام نکنند نزد خدا مسؤول‌اند. انبیاء نیز وظیفه دارند به مردم بگویند همانگونه که نماز و روزه به عنوان وظیفه دینی و عبادی است، قیام به قسط نیز وظیفه دینی است لذا ورود به انتخابات برای تعیین یک مسؤول از همین نظر واجب می‌شود.

بنابراین تنها فتوای مراجع تقلید نیست که شرکت در انتخابات را واجب شرعی میدانند بلکه رای دادن از باب وظیفه الهی واجب است. فقیه در واقع مستند به آیات قرآن سخنی می‌گوید مانند اینکه نفی سلطه کفار «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء ۱۴۱) از طریق «لَيَقْوَمَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» محقق می‌شود. «الناس» را مرفوع آورده است یعنی مردم نقش فاعلی دارند یعنی خود مردم فاعل و برپاکننده قسط و عدالت می‌باشند. در مسأله حکومت، زمانی که استطاعت و توانایی وجود داشته باشد از حداقل اقامه قسط که همان مشارکت در رأی‌گیری بوده تا حداکثر آن که نظارت و مطالبه‌گری است، واجب می‌شود.

بنابراین آیت‌الله نائینی اولین فردی است که در سال ۱۲۸۵ شمسی این مسأله را برای نخستین بار مطرح



بنابراین دخالت در امور
سیاسی و اجتماعی در زمان
عدم دسترسی به امام
معصوم، وظیفه همگان است.

است که در واقع نوعی مطالبه‌گری از مردم است.

۴- نکته چهارم لزوم بیعت است یعنی زمانی که مردم بیعت کردند، باید خود را در انجام کارها مسئول بدانند. و شاید بتوان این مساله را به همان نظارتی که مرحوم نائینی مطرح کردند، بازگرداند.

مساله ای که مطرح میشود این است: آیا مردم صرفا حق دارند یا تکلیف هم دارند؟ مثلا اگر اوضاع بر وفق مراد نبود، ما حق داریم دیگر رای ندهیم و حکومت را واگذار کنیم؟! اگر چهار فاسد در درون دولت وجود داشت، آیا مردم حق دلسردی و ناامیدی دارند؟ با توجه به الزامی که خداوند در سوره حدید بر اقامه قسط و عدم رخصت در این مساله برای مردم ذکر شده، باید گفت مردم مکلف بر اقامه قسط و عدل هستند. در واقع این لام تعلیل در «لیقوم الناس بالقسط»، برای ارسال رسل و انزال کتب است. از سوی دیگر، وظیفه عالمان صرف ابلاغ حکم نبوده، بلکه باید اجرا هم داشته باشند. اساس مرجعیت برای جلوگیری از انحراف است. اجتهاد یعنی یک مقام صرفا علمی اما مرجعیت یعنی مقام سیاسی و اجتماعی.

بنابراین دخالت در امور سیاسی و اجتماعی در زمان عدم دسترسی به امام معصوم، وظیفه همگان است. حال باید به دنبال راهکارهایی باشیم که جلوی فساد گرفته شود. از جمله مسائلی که در این زمینه اثرگذاری زیادی دارد، مشارکت سیاسی مردم است که شامل رأی دهی یا شرکت در انتخابات، مطالبه‌گری و نظارت بر مسئولین است. البته این امر باید توسط علما و مردم در کنار یکدیگر و با هم صورت پذیرد.

کرده پس با این تفسیر دیگر نیازی نیست تا روحانیت را از عرصه سیاست کنار بگذاریم و راه را برای سلطه کفار باز کنیم چراکه نتیجه آن را در مشروطه دیده‌ایم و با نبودن علماء و نظارت ایشان محیط برای دین‌زدایی و دشمنان دین مساعد شده و ایشان همچون رضاخان اصل دین را نشانه می‌روند.

دیدگاه شهید صدر در باب مشارکت

شخص دیگری که پس از مرحوم نائینی، این نظریه را مطرح کرده، مرحوم شهید صدر است. ایشان در کتاب «خلافت‌الانسان و شهادة الانبیاء»، چهار مساله را برای جانشینی عصمت مطرح می‌کنند:

۱- اینکه افرادی که می‌خواهند کارگزار حکومت شوند، باید شرایطی داشته باشند. این شرایط در حدیث امام حسن عسکری (علیه‌السلام) آمده است: «فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِنًا لِنَفْسِهِ حَافِظًا لِذِينِهِ مُخَالَفًا عَلَيَّ هَوَاهُ مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِّ أَنْ يُقْلِدُوهُ» (اما هر فقیه‌ای که خویش‌تندار و نگاهبان دین خود باشد و با هوای نفسش بستیزد و مطیع فرمان مولایش باشد، بر عوام است که از او تقلید کنند)

۲- دوم اینکه باید نظرات همگانی وجود داشته باشد. «فَلِلْعَوَامِّ أَنْ يُقْلِدُوهُ» نیز به همین معناست. یعنی عوام اجازه دارند چنین شخصی را در رأس کار قرار دهند و از او تقلید کنند که این تقلید فقط در مسائل حلال و حرام نمی‌باشد. بنابراین عوام در صورتی اجازه تقلید از او را دارند که ایشان شرایط نامبرده را داشته باشد وگرنه خود عوام بایستی از او رو برگردانند و با او همراهی نکنند.

۳- نکته سوم، مشورت خواهی مسئولین

۳- برگونه فزین مهر منوط به اتحاد مجوز رسمی از
نخست وزیر و با وزارت بازرگانی میباشد



۱۴

۱۵



۱۸

ریل قانون گذاری اتاق کنترل می خواهد!

نگاهی به جایگاه حقوقی شورای نگهبان

رضا محمدی

مجلس یا ریاست جمهوری است. در سایر کشورها نیز دادگاه قانون اساسی در ترکیه، محکمه التقد در مصر، شورای عالی قانون اساسی در فرانسه، دادگاه قانون اساسی در آلمان، مجلس نمایندگان و سنا در آمریکا و... که همان کارکرد شورای نگهبان را دارد.

شورای نگهبان مجری قانون بوده، واضح آن نیست فلذا شرایطی که شورای نگهبان برای احراز صلاحیت در نظر گرفته قبلاً توسط قانون اساسی یا قانون عادی تعیین شده‌اند. تذکر این نکته ضروری است که مردم دنیا به قانون اساسی به‌طور غیر مستقیم رأی می‌دهند اما در نظام جمهوری

از منظر عقل برای هر منصبی باید شرایط و ویژگی‌هایی تعریف شود که مجموعه‌ای وظیفه‌ی احراز این شرایط را بر عهده گیرد تا فرد یا گروه عهده‌دار منصب باشد. مانند کارخانه‌ای خصوصی که برای بخش‌های مختلف، شرایطی را در نظر می‌گیرد و کسی را قرار می‌دهد تا آن شرایط را احراز کند. این کارگاه توسط مسئول اداره و گاهی توسط دفتر کارگزینی و توسط افراد خاص صورت می‌گیرد. در مسائل کلان کشور نیز همین گونه است. یکی از وظایف شورای نگهبان در قانون، برگزاری و نظارت بر انتخابات است. از جمله دیگر وظایف شورای نگهبان، احراز صلاحیت داوطلبان نمایندگی



عدم احراز لزوماً به معنای کشف فساد اخلاقی یا اقتصادی و ... نمی‌باشد چرا که ممکن است شرایطی که حائز اهمیت بوده به اندازه‌ای که نیاز باشد در فرد مورد نظر احراز نشده باشد. بنابراین این عدم احراز ارتباطی به بدبینی نداشته است. بنابراین شورای نگهبان در حالتی که صلاحیت فرد احراز نشود، نباید به آن فرد اجازه ورود به آن عرصه را بدهد. پس در صورت کوتاهی و اشتباه در مورد آن فرد، شورای نگهبان باید پاسخگو باشد. فلذا وقتی شورای نگهبان اجازه می‌دهد، به معنی تأیید صلاحیت است و مردم به اعتماد شورای نگهبان به آن فرد رای می‌دهند.

از آنجا که در صورت احراز صلاحیت یا عدم احراز

اسلامی، قانون اساسی چهار مرتبه به رای مستقیم مردم گذاشته شده است و در واقع مردم رای داده‌اند که شورای نگهبان چنین کاری انجام دهند. و کسانی که شورای نگهبان و وظایف آن را زیر سؤال می‌برند در واقع خواست و رای مردم را زیر سؤال می‌برند.

یکی از وظایف شورای نگهبان احراز شرایط ثبت نام کنندگان برای نمایندگی از مردم در مجلس قانونگذاری است و چون در این انتخابات عده کمتری تأیید صلاحیت می‌شوند، رد صلاحیت‌ها بیشتر به چشم آمده. بنابراین فضا سازی علیه شورای نگهبان بیشتر است.

از آنجا که بررسی صلاحیت کاندیداها بسیار زیاد می‌باشد که شاید بتوان در هر دوره در حدود ۲۰ هزار نفر تخمین زد، مشخص است که بررسی و احراز توسط افراد محدود و در فرصت اندک امکان‌پذیر نمی‌باشد. بنابراین برای این امر نهادهای استانی همچون بازوهای شورای نگهبان در این امر کمک و یاری می‌رساند.

شورای نگهبان در بررسی صلاحیت‌ها چند حالت دارد. احراز صلاحیت، بدین معنا که تمام شرایط را دارا می‌باشد. احراز عدم صلاحیت، یعنی شورای نگهبان یقین به نداشتن شرایط پیدا می‌کند و قسم سوم که عدم احراز صلاحیت می‌باشد یعنی نه احرازی می‌کند که صلاحیت دارد و نه احرازی می‌شود که صلاحیت ندارد.

از نظر فقهی مرحوم شهید ثانی درباره قضاوت می‌فرمایند اگر امام قاضی را نصب کند در حالی که برای او احراز نشده است، این نصب باطل است ولو بعداً مشخص شود اهلیت و صلاحیت داشته است. یعنی آن لحظه‌ای که امام این قاضی را نصب می‌کند، باید حجت یقین یا ظنی داشته باشد. می‌توان پی برد که امروزه نیز اگر قرار است فردی در منصبی قرار بگیرد، باید حجت شرعی داشت. حتی اگر در تحقیقات قصوری صورت بگیرد، اما بعداً مشخص شود اشتباه کرده است، از آنجا که از روی حجت شرعی بوده است، معذور است.

در روایت آمده است: «نحن معاشر الانبياء انما نقضى

بينكم بالبينه و الايمان» یعنی ما هم با ادله حکم می‌کنیم نه با استفاده از علم غیب. اگر

ادله ای نبود ما حکم نمی‌دهیم.

فرصت تحقیقی درباره هزاران نفر برای هر کس وجود ندارد. بسیاری از موارد سوابق افراد قابل انتشار نیست و آبروی افراد باید محفوظ بماند. اگر شورای نگهبان نباشد، قوه قضاییه باید پرونده اشخاص را به طور رسمی و علنی منتشر کند تا مردم آنها را بشناسند! و این به صلاح فرد و جامعه نیست. در بسیاری موارد ممکن است فرد مناسب پست ریاست جمهوری نباشد، اما برای نمایندگی مناسب باشد، باید احراز شرایط ها نیز بر اساس موازین باشد و معمولاً این امر در توان همه مردم نیست و در نهایت باید کارشناسانی برای احراز شرایط وجود داشته باشند و مردم به آنها مراجعه کنند.

ابعاد فقهی و حقوقی مشارکت حداکثری در انتخابات

امیرالمومنین (ع) می فرماید: «فَقَدْ جَمَلَ اللهُ سُبْحَانَهُ لِي عَلَيْكُمْ حَقًّا بِوَلَايَةِ أَمْرِكُمْ» یعنی در موضوع ولایت، ایشان صاحب حق است و مردم صاحب تکلیف هستند. یعنی همانطور که ایشان حق دارد ولایت را بر عهده بگرد، مردم وظیفه دارند آن را بپذیرند. یعنی موضوع حق و تکلیف یک چیز است. مثل موضوع نفقه که حق زن و تکلیف شوهر است. بنابراین در موضوع ولایت، اثبات حق برای کسی، متقابلاً اثبات تکلیف برای دیگران می کند. بنابر این روایت شریف، اگر در بقای امت اسلامی مشروع، مردم در حدود و ایجاد آن کمک و نقش آفرینی کرده‌اند، نمی‌توان گفت که دیگر تکلیفی نداشته. این حق و تکلیف همچنان باقیست. ولی فقیه نیز حق اعمال ولایت دارد و مردم باید در این اعمال ولایت کمک کنند و هر جا نیاز است در صحنه باشند. یکی از این موضوعات انتخابات است که مردم تکلیف دارند تا بقای نظام را تضمین کنند. از سوی دیگر ولی جامعه نیز وظیفه دارد بستر احقاق این حق را فراهم



صلاحیت و یا احراز عدم صلاحیت قرار است جان و ناموس مردم و بین‌المال به شخص کاندیدا سپرده شود. بنابراین احتیاط مقدم بر برائت می‌باشد چرا که اولاً در تزاخم بین حق انتخاب شدن یک فرد و حق جمعی مردم، این حق جمعی می‌باشد که اولویت داشته و مقدم است. در ثانی بحث معنای برائت در احراز یا عدم احراز و موضوع اتهام و مجازات و مؤاخذه نمی‌باشد.

بنابراین در اینجا جای برائت نیست بلکه جای احتیاط است و در بسیاری مسائل شخصی نیز احتیاط مقدم است و به طریق اولی در مسائل اجتماعی احتیاط ترجیح دارد. در تصمیم‌گیری برای دیگران و محدوده مردم نمی‌توان برائت جاری کرد. شورای نگهبان وظایفی نیز مربوط به حین اجرای انتخابات و بعد از انتخابات دارد که از جمله آنها نظارت و رسیدگی به شکایات است.

اینکه با تأیید یا رد صلاحیت‌ها، انتخابات را مهندسی شده بدانیم، باید گفت در همه دنیا چنین چیزی وجود دارد. اگر برای منصبی شرایطی تعیین کنید و هیچ‌جا آن را کنترل نکنند، دیگر امکان یک انتخاب عاقلانه وجود ندارد؛ چراکه عملاً



عدم شرکت در انتخابات منجر به وارد کردن آسیب به اصل نظام می‌شود و اگر تداوم یابد موجب حذف نظام می‌شود و دیگر اصلاح نظام معنا ندارد.

درآمده است.

عدم شرکت در انتخابات منجر به وارد کردن آسیب به اصل نظام می‌شود و اگر تداوم یابد موجب حذف نظام می‌شود و دیگر اصلاح نظام معنا ندارد. بنابراین برای اصلاح نیز راهی جز شرکت در انتخابات نیست و با عدم شرکت در انتخابات، به صلاح کشور و نظام، قدمی برداشته نمی‌شود.

نکته دیگر آنکه معمولاً امکان پذیر نیست که همه نامزدها مانند یکدیگر باشند و پیروزی هر یک با دیگری مساوی باشد. سلايق و تحصیلات و توان‌های مدیریتی در انتخابات مختلف است، و باید بین صالح و اصلح انتخاب کرد و نباید به پایین‌ترین سطح بسنده کرد.

یکی از شاخص‌های شهروندی شرکت در انتخابات می‌باشد که غیر از حقوق شهروندی است. یعنی حقوق شهروندی بخشی از حقوق بشر است که دولت ملزم به رعایت آن است. هم فرد و هم دولت باید به آن ملتزم باشند. یعنی فرد باید به لوازم شهروندی ملتزم باشد و در مدار جامعه دولت و فرد تعیین می‌شود. یعنی شهروند زمانی شهروند است که وقتی مطالبه می‌کند متقابلاً ملتزم به خواسته‌های دولت نیز باشد.

آورد.

انتخابات از منظری دیگر چون تکلیف است، حق خداوند نیز هست.

حال شرکت در انتخابات یک تکلیف شرعی و ملی و عرفی و اخلاقی است. آیا کسی می‌تواند بگوید شرکت در انتخابات حق من است و من از حقم گذشتم.

بعضی حق‌ها قابل اسقاط نیستند مانند حق حیات یا حق صلاحیت‌هایی که حاکم اسلامی دارد و نمی‌تواند از خودش اسقاط کند. یا صلاحیت‌ها و اختیاراتی که قاضی دارد و حق اوست. حق ولایت نیز همینطور است. حق است ولی قابل اسقاط نیست. امام علی در ادامه همان روایت می‌فرماید: «وَلَكُمْ عَلَيَّ مِنَ الْحَقِّ مِثْلُ الْبُذْبُذِيِّ لِي عَلَيْكُمْ». یعنی شما مردم هم بر من حق دارید و من در قبال شما تکلیف دارم همانطور که شما داشتید. همین ولایت از بعدی دیگر حق شما مردم و تکلیف من است. در هر صورت این‌گونه حقوق قابل اسقاط نیست.

انتخاب فرد و تعیین سرنوشت از جمله آن حقوقی است که قابل اسقاط نیست، چون خداوند تکلیفی مشخص کرده است. بنابراین اسقاط حق، بسته به نوع حق است و باید از موارد اسقاط حق باشد تا بتوان گفت از حق خود گذشتم.

حتی اهل سنت توجه دارند که سلطان و حاکم برای تداوم حکومت نیازهایی دارد که یکی از آنها انتخابات است و در نتیجه لازم است در انتخابات شرکت داشته باشند.

انتخابات در کشورهای اسلامی کاملاً آزاد بوده است. بنابراین تکلیف از منظر حقوقی به معنای اجبار و الزام نمی‌باشد. این بر خلاف برخی از کشورهاست که در آن به صورت اجبار و الزام

اشاره:

جوامع به طور کلی به دو دسته سامان یافته و غیرسامان یافته تقسیم می‌شوند. جوامع سامان یافته بر اساس چند امر سامان می‌یابند که اگر این عناصر از آن جامعه گرفته شود، غیرسامان یافته می‌شود. از جمله آن عناصر به دو عنصر بسیار مهم یعنی «قانون» و «ساختار» اشاره می‌کنیم.

قانون شکن نمی‌تواند قانون گذار باشد!

مفهوم‌شناسی امنیت در عرصه انتخابات

سید مجید حسینی

قانون و قانون‌گرایی، عنصر سامان‌یافتگی

اولین عنصر برای سامان‌یافتگی جامعه، وجود قانون و رعایت آن است. اگر در جامعه‌ای قانون وجود نداشته باشد یا وجود داشته باشد ولی رعایت نشود، جامعه دچار مشکل می‌شود. البته تدوین قانون، نیازمند یکسری مسائل تئوریک است مانند پاسخ به این سؤال که چرا باید از قانون اطاعت کرد؟ چه کسی قانون را بنویسد؟ ملاک خوب بودن قانون و بد بودن آن چیست؟ و مباحثی که در فلسفه حقوق مطرح می‌شود. ولی باید دقت داشت که جامعه نیازمند به قانون است؛ ولو آنکه قانون بد باشد، چرا که قانون بد بهتر از بی‌قانونی است. ما معتقدیم قوانینی که در جمهوری اسلامی نوشته می‌شود اکثراً با پشتوانه‌های «عقلانی» و «وحیانی» محکم

و ساختار را زیر سوال بردند و شعار ابطال انتخابات را سر دادند. حال اگر انتخابات باطل می‌شد و در مرتبه بعد باز هم رأی نمی‌آوردند، باز هم به خیابان‌ها می‌ریختند. اگر بار سوم هم انتخابات برگزار می‌شد ولی این بار رأی می‌آوردند، ولی طرف مقابل نمی‌پذیرفت و به خیابان می‌آمد، آنگاه چه کار می‌کردیم؟ باز هم باطل کنیم؟! مقام معظم رهبری می‌فرمودند اینها موضوعات کف خیابانی نیست که بخواهید کف خیابان حل کنید. چرا که با این رفتارهای این‌چنینی جامعه دچار ایجاد خلاء قدرت می‌شود و هر کسی می‌تواند بر این موج سوار شود و کشور را دچار مشکل کند. مقابله مردم با مردم امر بسیار مهمی است و به همین دلیل می‌توان گفت در طول انقلاب اسلامی جامعه ما فتنه‌های خطرناک‌تر از فتنه ۸۸ نداشته است. این امر حتی از جنگ هشت ساله هم خطرناک‌تر بود چون جامعه اسلامی و ایرانی را به اندازه فتنه ۸۸ دچار مشکل و مخاطره نکرد. به تعبیر رهبر معظم انقلاب کشور را به لب پرتگاه بردند.

لذا فتنه با دشمن بیرونی متفاوت است که مردم متحد مقابل آن دشمن ایستادگی می‌کنند. جنگ داخلی و تقابل و روبروی هم قرار دادن مردم، وضعیت بسیار خطرناکی است.

در حوزه انتخابات همه افراد جامعه موظفاند حضوری فعال اما به صورت قانون‌مدار و ساختارمند داشته باشند تا چرخش قدرت و نحوه اداره جامعه براساس اراده ملی و همراه با امنیت تحقق یابد.

وقتی رفتارهای هنجارشکنانه و قانون شکنانه انجام شود، جامعه دچار خلاء قدرت می‌شود و امنیت جامعه از بین می‌رود و براساس کدورت‌ها و کینه‌هایی که در این فضا شکل می‌گیرد، وحدت اجتماعی و عوامل همبستگی از بین می‌رود.

بنابراین بر همه آحاد مردم چه کسانی که قصد انتخاب دارند و چه کسانی که می‌خواهند انتخاب شوند، و چه کسانی که انتخابات را برگزار می‌کنند، باید به مَر قانون عمل کنند تا انتخابات با نشاط برگزار شود.

اصولاً بحث بر سر قانون خوب و بد یا قبول داشتن و نداشتن آن، کف خیابان نیست. وقتی کسی قانون و ساختار انتخاباتی را قبول ندارد، اساساً نباید در عرصه انتخابات ورود پیدا کند. اما وقتی پذیرفته‌اید که در این چارچوب قانونی می‌خواهیم در رقابت انتخاباتی شرکت کنیم، رفتار آشوبگرانه توجیهی نخواهد داشت.

اگر بگویید قانون را قبول دارم اما رفتار قانون شکنانه انجام دهید، بدون تردید اقدام علیه امنیت ملی محسوب می‌شود. اگر هم گفته شود قانون را قبول نداریم، این موضوع ساده‌ای نیست نیازمند به مباحث تئوریک است مانند اینکه کسی بگوید تابلوهای راهنمایی و رانندگی را قبول ندارم. مثلاً بگویم من قبول ندارم این کوچه از این طرف یک‌طرفه باشد، باید از آن طرف یک‌طرفه باشد پس چون قبول ندارم و آن را رعایت نمی‌کنم، در اینصورت نظم اجتماعی به هم می‌ریزد و جامعه به همان میزان غیر سامان یافته می‌شود.

تعبیر قانونی که من قبول ندارم آن هم فرایندی دارد و نیازمند قانون و ساختار است که در قانون اساسی روش آن ملاحظه شده است.

از همین‌رو بر همه افراد واجب است با انجام رفتارهای قانون‌مند و مطابق ساختار، در عرصه انتخابات شرکت کرده و حافظ امنیت ملی باشند و از رفتارهای غیرقانونی و ساختار شکنانه خودداری کنند تا انتخاباتی همراه با امنیت داشته باشیم.

تدوین می‌شود و از همین‌رو جزو قوانین بسیار مترقی در دنیا محسوب می‌شود که می‌تواند پشتوانه خوبی برای ایجاد قانون و نظم در جامعه باشد و از طریق آن به «سعادت جمعی» رسید.

گذشته از مباحث تئوریک، اگر قوانین موجود رعایت نشود، جامعه غیرسامان یافته می‌شود و جامعه از مسیر سعادت جدا می‌شود. اولین اتفاق در چنین جامعه‌ای، ناامنی اجتماعی است.

ساختارهای اجتماعی، عامل سامان یافتگی

دومین عنصر جامعه سامان‌دهنده به جامعه، ساختارها هستند. در تعریف ساختار گفته می‌شود: «مجموعه‌ای از اجزاء که به صورت منظم و منطقی در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند تا رفتاری در سطح اجتماعی به صورت مکرر و منظم جهت تحقق اهدافی معین به سهولت صورت پذیرد».

مثلاً ما به صورت مکرر به دارو احتیاج داریم و هدفی داریم مبنی بر اینکه افراد جامعه بتوانند به سهولت به داروی مورد نیاز خود دسترسی پیدا کنند. برای دستیابی به این هدف به‌طور مثال ساختاری ایجاد کنیم به اسم داروخانه. وقتی وارد داروخانه می‌شویم، می‌بینیم این داروخانه دارای بجه‌های متفاوتی است. مسئول صندوق، مسئول پذیرش نسخه، مسئول داروهای بدون نسخه، مسئول تحویل دارو و... داروها در داروخانه نیز با دسته‌بندی خاصی در قفسه‌های طبقه‌بندی شده قرار دارند. یعنی ساختار داروخانه رفتار مراجعین را منسجم و منظم می‌کند.

عاقبت رفتارهای غیر قانون و ساختار شکنانه

حال باید دید چه اتفاقی موجب شکل‌گیری فتنه و ناامنی می‌شود؟ رفتارهای قانون شکنانه، هنجارشکنانه و ساختار شکنانه که امنیت جامعه را دچار مخاطره می‌کند.

ما انتخابات را به همین دلیل برگزار می‌کنیم که عده‌ای بر کرسی‌های قدرت بنشینند و یکی از مهمترین اهداف را که حفظ و تقویت امنیت ملی است، تحقق سازند.

اگر چنین کسانی، خود رفتارهای ساختار شکنانه و قانون شکنانه داشته باشند، امنیت محقق نخواهد شد. از همین‌رو گفته می‌شود عرصه انتخابات یک رفتار و حرکت قانونمند و ساختارمند است تا اداره جامعه به صورت روش‌مند و سامان‌یافته توسط خواست و اراده مردم صورت گیرد و صاحبان کرسی‌های قدرت تغییر یابند. اما این اتفاق و جایابی باید ساختارمند باشد و گرنه می‌تواند با کودتا و فتنه این چرخش قدرت صورت بگیرد. اما در جامعه سامان یافته این چرخش به صورت روش‌مند و در قالب ساختاری مشخص اتفاق می‌افتد. بنابراین رفتار انتخاباتی با ملاحظه حفظ امنیت ملی صورت می‌گیرد و گرنه یک کار متناقضی است که بخواهیم با ایجاد ناامنی، امنیت ملی را تحقق سازیم! آنچه در فتنه ۸۸ اتفاق افتاد رفتارهای قانون شکنانه و ساختار شکنانه بود. یعنی عده‌ای به قانون تن ندادند تا ادعای خود را که مبنی بر تقلب در انتخابات بود ثابت و پیگیری کنند. شورای نگهبان مأمور رسیدگی به شکایات انتخاباتی است اما این افراد می‌گفتند ما شورای نگهبان را قبول نداریم. حضرت امام در اینگونه موارد می‌فرمودند: قانون تو را قبول ندارند! و به تعبیر مقام معظم رهبری: قانون فصل الخطاب است؛ و اگر بخواهی آن را تضعیف کنی، جامعه به هرج مرجع دچار می‌شود. ایشان در همان ایام فتنه در خطبه‌های نماز جمعه فرمودند: من اجازه ابطال انتخابات را نمی‌دهم. این مردم رأی دادند و نباید این رأی نادیده گرفته شود. اما فتنه‌گران قانون

این کرسی را باید شناخت

شاخصه‌های انتخاب آگاهانه

مهدی حسن زاده

■ انتخاب بر محور علم و تخصص

انتخابات، بر محور سلامت اعتقادی:

اولین شاخصه‌ی مهم انتخابات آگاهانه،

انتخاب بر محور سلامت اجتماعی است، از آنجا

که اسلام مبتنی بر مبانی عقلانی است و برگزیدن

هر اعتقاد دیگری غیر از اسلام فرد را از حوزه‌ی

عقلانیت خارج کرده و موجبات جهالت و ضلالت «فماذا بعد

الحق الا الضلال» را به وجود می‌آورد و اگر چنین کسانی به

مکنت‌های سیاسی دسترسی پیدا کنند و بر کرسی‌های قدرت قرار

گیرند موجبات نابودی جامعه را فراهم می‌آورند «سعی فی الارض لیفسد

فیها و یهلك الحرث والنسل» بنابراین یکی از شاخصه‌های مهم در جامعه‌ی

اسلامی عدم پذیرفتن ولایت کسانی است که سلامت اعتقادی ندارند. «یا ایها

الذین آمنوا لاتتخذوا آباءکم و اخوانکم اولیاء ان استحبوا الکفر علی الایمان» بنابراین

مهم‌ترین پایه‌ی انتخابات آگاهانه، انتخاب کسانی است که دارای سلامت اعتقادی باشند.

دومین شاخصه‌ی اصلی انتخاب آگاهانه، انتخاب بر محور علم و تخصص است. علم و تخصص

منتخبان بسیار در روند حل مشکلات و پیشرفت کشور تأثیرگذار است. مردم باید کسانی را برای

تصدی امور انتخاب کنند که صلاحیت علمی آن جایگاه را داشته و بتوانند با علم و تخصص خود موجبات

ارتقای مجموعه را فراهم کنند. دشمنان اسلام از طریق علم و سوءاستفاده از آن به ظلم و ستم بر بشریت

می‌پردازند، از این رو ضروری

است که منتخبان ملت نیز در

برابر این هجمه، مسلح به علم

و تخصص در جایگاه خود باشند.

اگر انتخاب مردم براساس علم

و تخصص افراد باشد نه تنها

انتخاب آن‌ها موجب تحول

در جامعه می‌شود بلکه منشأ

اشاره:

انتخابات از مهم‌ترین مؤلفه‌های حیات یک ملت و مظهر قدرت

یک کشور است. حضور اکثریت مردم و مشارکت پرشور

آنان در انتخابات نشانه‌ی اعتماد آن‌ها به کارگزاران نظام

جمهوری اسلامی ایران و مایه‌ی مصونیت، اقتدار نظام

و مسئولیت نیروی جامعه نسبت به مسائل سیاسی

خواهد بود. همگان مسئولیت دارند هرچه می‌توانند

مردم را به حضور در انتخابات دعوت کنند؛ زیرا

این امر موجب رشدیافتن مردم و شکل یافتن

آزادی آن‌ها خواهد بود. در این میان هنگامی

می‌توان مدعی به ثمرنشتن حداکثری

برکات انتخابات شویم که انتخاب

براساس «انتخاب آگاهانه» شکل

گرفته باشد. انتخاب آگاهانه

فرصتی برای علاج دردهای

مزمین کشور و تضمین

آینده‌ی کشور خواهد بود.

حال باید به این مسئله

پرداخت که انتخاب

آگاهانه چگونه

شکل می‌گیرد و

شاخصه‌های

آن چیست؟

نمایند که در رفتارهای خود خداوند را مدنظر داشته و برای رضای خداوند و رفع مشکلات مردم کار کنند. ممکن است افرادی دارای اراده‌های محکم برای انجام مسئولیت‌ها باشند، اما انگیزه‌ی آن‌ها صرفاً رسیدن به اهداف مادی و دنیوی باشد. اهداف مادی بدون در نظر داشتن خداوند و مردم در جمهوری اسلامی ایران می‌تواند خطرناک باشد و افراد را در انجام امور به انحراف بکشاند. از این رو توجه به روحیات نمایندگان، شناخت اهداف و نیز شناخت رفتارها و نوع عملکرد آنان در گذشته و مسئولیت‌های قبل ایشان ضروری است.

انتخابی آگاهانه است که نتیجه‌ی آن، انتخاب افرادی باشد که اراده‌ی نیرومند خود را آمیخته‌ی با خلوص نیت و برخاسته از انگیزه‌های الهی قرار داده و از هرگونه ارباب‌منشی در برابر آحاد جامعه پرهیز نمایند. حتی خداوند متعال در قرآن کریم به هیچ پیامبری اجازه نداده است که خود را ارباب مردم معرفی کند: «برای هیچ بشری سزاوار نیست که خداوند، کتاب آسمانی و حکم و نبوت به او دهد، سپس او به مردم بگوید: غیر از خدا، مرا پرستش کنید! بلکه [سزاوار مقام او، این است که بگوید:] مردمی الهی باشید [و غیر از خدا را پرستش نکنید.]» (۲) پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌فرماید: «هرکاری که انجام می‌دهی، خالصانه و برای رضای خدا باشد؛ زیرا جز عمل خالص در پیشگاه خداوندی پذیرفته نمی‌شود.» (۳) بنابراین انتخاب مردم باید به گونه‌ای باشد که افرادی را متصدی امور کنند که خود را خادمان مردم بدانند و تمام تلاش خود را در جهت رضایت خداوند متعال و رفع مشکلات جامعه‌ی اسلامی مبذول نمایند.

از دیگر نشانه‌های اخلاق‌مداری نمایندگان مردم در عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی آنان ظهور می‌یابد. عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی افراد مظهری از اخلاق‌مداری ایشان است و افرادی باید در مناصب حکومتی گماشته شوند که در درون خود این دو خصوصیت را نهادینه کرده باشند؛ بنابراین مردم در انتخاب آگاهانه‌ی خود باید به عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی افراد بسیار توجه نمایند و از ایشان مطالبه‌ی برقراری عدالت و نفی ظلم را داشته باشند. عدم عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی افراد موجب سوءاستفاده از جایگاه و ظلم‌رسانی و تجاوز به حقوق دیگران خواهد شد. مردم اگر در انتخاب خود آگاهانه عمل نکنند و افراد عدالت‌خواه و ظلم‌ستیز را انتخاب نمایند، نتیجه‌ی آن انتخاب اشتباه خود را در عدم مسئولیت‌پذیری و نیز مسئولیت‌گریزی منتخب خود خواهند دید. اگر نمایندگان عدالت‌خواه انتخاب و به تصدی امور گماشته شوند، جامعه به سمت عدالت‌محوری سوق خواهد یافت و مردم نیز به مقررات، اصول اجتماعی و حقوق همگان احترام می‌گذارند. اگر نمایندگان مردم درصدد برپایی عدالت اجتماعی برآیند به مرور زمان با فراگیر شدن این فرهنگ ارزشمند، جامعه دارای زمینه‌هایی می‌گردد که آحاد جامعه به حق خود رسیده و امور جامعه به تناسب و تعادل در جای بایسته‌ی خویش قرار می‌گیرد. اصلی که می‌تواند تعادل اجتماع را حفظ کند و بر پیکر اجتماع آرامش دهد، عدالت است؛ بنابراین مردم باید ارزش‌های اخلاقی افراد را مورد

پیشرفت‌های مادی بسیاری برای کشور خواهد شد؛ چراکه بین «علم بشری» و «پیشرفت مادی» رابطه‌ی تنگاتنگی وجود دارد. این حقیقتی است که در جهان امروز به وضوح قابل مشاهده است، از آن جهت که دولت‌هایی در پرتوی علوم و صنایع به پیشرفت‌های عظیمی در تمدن مادی نائل گشته‌اند و در طرف مقابل جهل و عدم احاطه‌ی علمی کشورها بر مسائل امروز جهان، موجبات شکست، عقب‌ماندگی و وابستگی را به وجود می‌آورد. احاطه‌ی علمی و تخصصی، نمایندگان مردم، را در ایجاد تحولات و تحرکات عظیم توانا می‌سازد. تحول و تحرک در حوزه‌ی کاری و در حدود و چارچوب اختیارات و جلوگیری از تکرار و روزمرگی و نیز غلبه بر وضعیت‌های متصلب‌شده‌ای که خود مانع کارآمدی و کیفیت‌بخشی به کار است، اموری است که با احاطه‌ی علمی و تخصصی افراد به حوزه‌ی کاری خود، به وقوع می‌پیوندد. امیرمؤمنان علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «در شرافت علم همین بس افرادی که از آن آگاه نیستند آن را ادعا می‌کنند و اگر به آنان نسبت داده شود، خوش حال می‌شوند و در مذمت جهل همین بس که حتی دارندگانش از آن تبری می‌جویند.» (۱) بنابراین مردم در انتخاب خود باید بسیار دقت کنند و انتخاب آگاهانه‌ی آن‌ها در این است که افرادی را در مناصب حکومتی قرار دهند که شایستگی علمی آن جایگاه را داشته باشند.

■ انتخاب بر محور اخلاق

ویژگی‌های اخلاقی منتخبان مردم از جمله مهم‌ترین محورهایی است که مردم بسیار باید در انتخاب آگاهانه‌ی خود توجه کرده و در گزینش‌های خود این بعد را مدنظر قرار دهند. مقصود از اخلاق نمایندگان، ویژگی‌های اخلاق فردی و شخصی ایشان است که در ادامه بیشتر به آن‌ها خواهیم پرداخت.

روشن است افرادی که مسئولیتی را در جمهوری اسلامی به عهده می‌گیرند، می‌بایست از ردایل اخلاقی و آلودگی‌های نفسانی به دور باشند؛ زیرا تمام افعال غیراخلاقی سرچشمه‌ای از صفات ضد ارزشی در درون جان انسان دارد و این اخلاق درونی است که در اخلاق برونی و اجتماعی افراد تأثیرگذار است. از این رو، منشأ اصلی فسادها و تخلفات در میان کارگزاران، صفات و ردایل درونی افراد است و مردم هنگامی می‌توانند انتخابی صحیح و آگاهانه داشته باشند که افراد را از بعد اخلاقی شناخته و مسئولیت‌ها را به کسانی بسپزند که مؤمن و پاکدست باشند، افرادی که عالم را محضر خدا می‌بینند و از تعلقات دنیوی، حرص و طمع به دور هستند. کسانی که فضایل اخلاقی را در وجود خود پرورانده‌اند، بهتر می‌توانند از مسئولیت و امانتی که به ایشان سپرده شده است، پاسداری نمایند. تمبذ و بندگی در برابر خداوند، مسئولیت‌پذیری را به دنبال خواهد داشت و افراد را مسئولیت‌پذیرتر خواهد کرد.

از ویژگی‌های اصلی رشد اخلاقی افراد، اخلاص در رفتار و پرهیز از روحیه‌ی ارباب‌منشی است. منظور از «اخلاص» همان خلوص در نیت است و خلوص در نیت نیز این است که انگیزه‌ی تصمیم‌گیری تنها خداوند باشد. مردم باید افرادی را انتخاب

توجه قرار دهند؛ زیرا انسان عادل است که می‌تواند عدالت را در جامعه برقرار سازد.

یکی از مهم‌ترین خصوصیات اخلاق‌مداری افراد که براساس آن می‌توان میزان اخلاق‌مداری نمایندگان را تشخیص داد، پابندی ایشان به ارزش‌های اسلام و انقلاب است. بستر اصلی تمام فسادها در ایران، عدم تبعیت از فرامین اسلامی و اعتقاد نداشتن افراد به ارزش‌های انقلاب اسلامی است. اگر منتخب مردم، اهتمام ویژه به ارزش‌های اسلام و انقلاب داشته باشد و خود را در برابر بیت‌المال و امانتی که در اختیار او گذاشته شده است، مسئول بداند، هیچ‌گاه دست به خیانت و فساد نخواهد زد. افزون بر آن، در آن جامعه‌ی مفسد و خائن احساس امنیت ندارند و جایی را برای اجرایی‌ساختن اهداف شوم خود نتوانند بیابند. بنابراین مردم در انتخاب آگاهانه‌ی خود باید پابندی افراد به ارزش‌های اسلام و انقلاب را در نظر داشته باشند.

■ انتخاب بر محور کارایی

از دیگر شاخصه‌های مهم در انتخاب آگاهانه، انتخاب بر محور کارایی و توانایی منتخبان است که مردم در این عرصه باید به صورت دقیق کسی را انتخاب کنند که از کارایی مناسب و ویژه‌ای برخوردار باشد؛ زیرا قرار گرفتن در جایگاه نمایندگی مردم مستلزم تلاش، پشتکار و نیز توانایی در انجام امور است و از این جهت منتخب مردم باید توانایی و کارایی انجام اموری را که برعهده‌ی او گذاشته شده است داشته باشد.

تلاش کردن و متعهد بودن از مصادیق بارز و اهم کارایی و توانایی افراد است که نمایندگان مردم باید بدانند که در هر جایگاهی هستند، نتیجه‌ی تلاش و همت آنان، تعالی و پیشرفت کشور و نیز حل مشکلات مردم خواهد بود و از این رو، مجاهدت‌های ایشان در پیشگاه خداوند بی‌پاسخ نخواهد ماند. انتخاب آگاهانه‌ی مردم هنگامی به وقوع می‌پیوندد که از انتخاب افراد تنبل، بی‌تعهد و کسانی که مسئولیت‌های خود را انجام نمی‌دهند، صرف‌نظر کنند. رابطه‌ی تنگاتنگی بین کارآمدی، تلاش و پرکاری وجود دارد. بی‌شک نتیجه‌ی پرکاری و تلاش مضاعف نمایندگان مردم، رفع مشکلات و کارآمدسازی کشور و نیز حرکت در مسیر آبادانی خواهد بود. نقطه‌ی عطف این مسئله این است که مردم باید پرکاری و تلاش افراد را در روحیه‌ی جهادی و انقلابی‌گری افراد جست‌وجو کنند. افرادی که این روحیه را ندارند، محافظه‌کاری، کم‌کاری و نیز وابستگی بر آنان غلبه خواهد کرد.

از مهم‌ترین نشانه‌های اصلی کارایی افراد، مسئولیت‌پذیری آنان است. وظیفه‌شناسی و مسئولیت‌پذیری افراد بسیار در کارآمدسازی و تزریق امید و انگیزه به جامعه تأثیرگذار است و ضرورتاً مردم باید برای چابک‌سازی امور کشور و نیز جلوگیری از تعطیلی بسیاری از فعالیت‌ها، افرادی را انتخاب نمایند که در انجام امور محوله، وظیفه‌شناس و مسئولیت‌پذیر باشند. البته مسئولیت‌پذیری و وظیفه‌شناسی باید به عنوان اصلی بنیادین و یک فرهنگ در جامعه تلقی شود و فقدان این مسئله در میان نمایندگان مردم، فسادها

و آسیب‌های فراوانی را به وجود خواهد آورد که جلوگیری از آن مفسد و آسیب‌ها، هزینه‌های زیادی را بر مردم تحمیل می‌کند. صبر و استقامت منتخبان مردم، مظهری دیگر از کارا بودن افراد است. در مسئولیت‌های مهمی؛ همچون نمایندگی مردم، موانع، فشارها و تهدیدها و نیز دشمنی‌هایی چه از درون و چه از طرف بدخواهان خارجی در انجام امور به وجود می‌آید که عبور از آنان فقط با نیروی صبر و استقامت ممکن است. افراد سست‌اراده، کم‌حوصله و کم‌استقامت، بسیار زود از میدان حوادث می‌گریزند و یا در برابر حجم مشکلات زانو می‌زنند. انتخاب آگاهانه‌ی مردم به این معنا است که فرد منتخب آن‌ها از چنان صبر و استقامتی برخوردار باشد که بتواند در مقابل دشمنانی که هر لحظه در کمین نشسته‌اند، ایستادگی کند. بی‌صبری، بی‌تابی و نیز عدم استقامت منتخبان مردم، دشمنان را مصرت‌تر کرده و شکست در برابر او را حتمی می‌کند.

کارایی افراد هنگامی می‌تواند مؤثر و مفید باشد که بتوانند از امانتی که به آنان داده شده است به درستی نگاه‌داری کنند. به عبارت بهتر اینکه امانت‌داری افراد در مسئولیتی که به آنان داده شده است معیاری است برای توانایی ایشان در اداره‌ی امور مردم جامعه و نیز عدم سوءاستفاده‌ی ایشان از مسئولیت است. مردم باید افراد امانت‌دار را برای سپردن مسئولیت‌های سنگین انتخاب نمایند؛ زیرا در هر جامعه‌ای اگر زمامداران و نمایندگان ملت آلوده به خیانت باشند، فساد در آن جامعه رواج می‌یابد و پیشرفتی برای آن جامعه متصور نیست، اما در مقابل امانت‌داری ایشان موجب جمع‌شدن بساط فساد و مفسد خواهد شد. امانت، سرمایه‌ی اصلی جامعه‌ی انسانی و سبب پیوند مردم با یکدیگر و نظم معاش و معاد آن‌هاست، درحالی‌که خیانت، آتش سوزانی است که همه‌ی پیوندها را از میان می‌برد و سبب هرج و مرج جامعه، فقر، ضعف و بدبختی است. حفظ اموال مردم، رعایت مصرف بیت‌المال، حفظ اسرار نظام، انجام صحیح مسئولیت‌های واگذار شده، مراقبت از عدم تضییع امکانات و نیروها، اجرای درست قوانین و عدم سوءاستفاده از قدرت، همگی از مصادیق امانت‌داری محسوب می‌شوند. ضروری است که مردم در انتخاب آگاهانه‌ی خود به امانت‌دار بودن افراد توجه لازم را داشته باشند. با بررسی سوابق آنان در رفتار و عملکرد ایشان، افرادی را انتخاب نمایند که بتوانند آینده‌ی کشور را ساخته و امور کشور را که متعلق به مردم است به درستی اداره نمایند.

بنابراین در این برهه از زمان که کشور نیاز به افراد کارآمد و متعهد دارد، این حق مردم است که نمایندگان کارآمد و متعهد را براساس شاخصه‌های سه‌گانه‌ی مذکور مشخص کنند و انتخابی آگاهانه داشته باشند.

پی‌نوشت:

۱. محمدی ری‌شهری، محمد، ۱۳۸۹، میزان الحکمه عربی، قم: سازمان چاپ و نشر دارالحديث، چاپ ۱۱، ج ۸، ص ۹.

۲. آل عمران: ۷۹

۳. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ج ۷، ص ۷۷، ص ۱۰۳.

مهار تورم

در دست رأی‌دهندگان

مشارکت در عرصه انتخابات و مهار تورم

محمد بیدار

تورم (Inflation) یکی از موضوعات بسیار مهم در اقتصاد کلان بوده و از سابقه بسیار دیرینه‌ای در ادبیات اقتصادی برخوردار است. اقتصاددانان تورم را به «افزایش سطح عمومی قیمت‌ها به صورت نامتناسب و برگشت‌ناپذیر» تعریف کرده‌اند. بنابراین سه قید مهم در این تعریف وجود دارد. با توجه به این قیود نمی‌توان هر افزایش قیمتی را مصداق تورم دانست. چون تورم یک اصطلاح تخصصی است و راهکارهای مقابله با آن نیز روش‌های خاص خود را دارد. بنابراین باید ابتدا موضوع را دقیق شناخت تا بتوان درباره آن سخن گفت.

می‌کند و زمینه‌های انتقال وضعیت تورمی اقتصاد را به مرحله بعدی (تورم سواره) هموار می‌سازد.

۳. تورم سواره: (Gallop Inflation) تورم سواره به تورمی اطلاق می‌گردد که نرخ آن مابین ۱۰ درصد نرخ سالانه تا ۵۰ درصد نرخ ماهانه باشد. در این زمان، اقتصاد تضعیف شده و ارزش پول نیز تا حدی کاهش پیدا می‌کند. همچنین، نیروهای انسانی کسب و کارها نیز در تأمین نیازهای خود با مشکل مواجه می‌شوند.

۴. ابر تورم (Hyperinflation): ابرتورم به تورمی گفته می‌شود که نرخ ماهیانه آن حداقل ۵۰ درصد باشد. ابرتورم در دنیا در برخی کشورها تجربه شده است. به ویژه بعد از جنگ جهانی اول و دوم، شکست خوردگان جنگ دچار ابرتورم شدند. در آلمان پس از جنگ جهانی اول، نرخ تورم ماهانه ۳۲۳ درصد در یک ماه بوده است. قیمت‌ها در یک ماه بیش از چهار برابر افزایش قیمت داشته. حتی نقل شده در مقطعی، گاه ساعتی تغییر می‌کرده و به دو برابر رسیده بود. نقل شده است: پولی که به اندازه دو قرص نان بوده، با توقف یک ساعت، به اندازه یک قرص نان شده است. در مجارستان تورم ماهانه ۱۹ درصد در روز بوده است. در ونزوئلا نیز همین‌گونه است و به ۱۹۳ درصد در سال رسیده است.

وضعیت تورم در اقتصاد ایران

در ایران از سال ۱۳۵۲ تورم دو رقمی بوده است و قبل از آن تورم رونده بوده است. و به دلیل شوک نفتی، به بالای دو رقم رسیده است. آماری که توسط بانک مرکزی منتشر شده قبل از سال ۵۲ رونده بوده، و از آن زمان تا کنون تورم سواره بوده است. جز در سال ۵۴ که ۹ و ۹ دهم درصد بوده است. در سال ۶۴، ۶ و نه دهم بوده و در سال ۶۹ نیز ۹ درصد بوده است. سالهای ۹۵ و ۹۶ نیز یکی ۹ و ۶ دهم برسد و دیگری ۹ درصد بوده است. بالاترین میزان تورم سال ۱۳۷۴ بوده که ۴۹ و ۴ دهم درصد و آخرین نرخ تورم در ایران سال ۱۴۰۱، ۴۶ و ۵ دهم درصد بوده است.

عوامل تورم

به طور کلی عوامل تورم در اقتصاد به دو بخش ریشه‌ای و میانی تقسیم می‌کنند. عوامل میانی یعنی متأثر از عوامل دیگری است.

عوامل میانی یا روبنایی دو چیز است: افزایش تقاضا و افزایش هزینه تولید؛ که این دو عامل می‌تواند معلول عوامل مختلفی باشد.

از جمله عوامل اصلی که موجب افزایش تقاضا و افزایش هزینه تولید می‌شود، افزایش حجم نقدینگی است. که در ایران به ویژه توسط بانکهای خصوصی بیشتر دامن زده می‌شود. به طور طبیعی وقتی

قید اول سطح عمومی قیمت هاست. گاه یک یا چند کالای محدود و خاص افزایش قیمت پیدا می‌کند. اما سطح عمومی قیمت‌ها بالا نرفته است و قیمت اکثر کالاها ثابت مانده. مثلاً ده درصد از کالا افزایش قیمت داشته اند اما نود درصد دیگر ثابت بوده اند. به این وضعیت، تورم نمی‌گویند. سطح عمومی نیز به معنای صد در صد نیست که هیچ کالایی مستثنی نباشد بلکه غالب کالا مد نظر است.

قید دوم، نامتناسب بودن است. گاه همه کالا و خدمات ممکن است افزایش قیمت داشته باشند، اما به صورت ثابت بوده باشد. مانند اینکه هم دستمزدها و هم کالاها به نسبت ده درصد افزایش داشته باشد. در اینجا افزایش سطح عمومی قیمت‌ها را داریم اما متناسب هستند و تاثیری در قدرت خرید مردم ایجاد نمی‌کند. این نیز مصداق تورم نیست. البته چنین حالتی تقریباً امکان پذیر نیست که تمامی کالاها و خدمات با نسبت ثابت افزایش قیمت داشته باشند.

قید سوم برگشت ناپذیری تورم است. یعنی در مواردی که سطح عمومی قیمت‌ها افزایش داشته باشد اما حالت موقتی داشته باشد و دوباره به جای خود برگردد، تورم نمی‌گویند. بنابراین صرف افزایش قیمت را تورم نمی‌گویند و با توجه به تعریف مزبور، تورم بر موارد زیر صدق نمی‌کند.

۱. افزایش قیمت‌ها تنها مربوط به چند کالا یا خدمت مخصوص، محدود گشته و حالت عمومی نداشته باشد.
۲. افزایش قیمت کالاها و خدمات به صورت متناسب باشد
۳. افزایش قیمت کالاها و خدمات، موقتی بوده و به حالت اولیه خود بازگشت داشته باشد.

انواع تورم

اقتصاددانان، تورم‌ها را از جهت سرعت و نرخ آن به انواع مختلفی تقسیم می‌کنند که عبارتند از:

۱. تورم خزنده (Creeping Inflation): تورم خزنده به تورمی گفته می‌شود که افزایش قیمت سالانه کالاها و خدمات، حداکثر ۳ درصد باشد. اقتصاددانان وجود چنین تورمی را نه تنها معضل اقتصادی نمی‌دانند بلکه آن را به عنوان یکی از لوازم رشد اقتصادی نیز به شمار می‌آورند.

۲. تورم رونده (Walking Inflation): تورم رونده تورمی است که نرخ سالانه آن بین ۳ تا ۱۰ درصد می‌باشد. چنین تورمی آثار تخریبی بر اقتصاد کشور می‌گذارد. در شرایط تورم رونده، مصرف‌کنندگان برای اینکه در آینده پول بیشتری برای تهیه کالاهای موردنیاز خویش نپردازند، به خرید کالاهایی بیش از نیاز فعلی خود اقدام می‌کنند. معمولاً عرضه‌کنندگان قدرت بر پاسخ‌گویی به افزایش تقاضای مزبور را ندارند. همچنین اگر شرایط حاکم بر تولید وضعیت غیررقابتی باشد - که وضعیت غالب نیز می‌باشد - تولیدکنندگان انگیزه‌ای برای تولید بیشتر در سطح قیمت‌های فعلی نخواهند داشت و همین امر بالا رفتن قیمت‌ها را به دلیل فشار تقاضا و شکاف کمبود عرضه تشدید



طرح‌های اقتصادی مجلس یا دولت که به مجلس می‌دهد، حتما باید پیوست تورمی داشته باشد و ارتباط آن با تورم روشن باشد و اگر تورم زاست تا چه اندازه است؟ همچنین پیوست اقتصاد مقاومتی داشته باشد. اقتصادی منکی بر خودکفایی، رشد تولید داخلی، درون زایی، دانش بنیانی و... همگی منجر به افزایش تولید می‌شود و مانع تورم آزردهنده می‌شود.

ها افزایش نیابد این قشر که تسهیلات را گرفته تصمیم بر افزایش قیمت گرفته است. رقابت هم کامل نیست و لذا تبانی‌هایی بر افزایش قیمت صورت می‌گیرد که منجر به تورم می‌شود. مگر آنکه سیاست‌های دولت دقیق بوده و نظارت‌ها تشدید یابد.

عامل دیگر شوک‌های ارزی است. هرگاه نرخ ارز دستگیری شده و بالا رفته شاهد تورم بوده ایم. مثلا در حذف نرخ ترجیحی این اتفاق افتاد. آزاد سازی قیمت‌ها و... موجب تورم می‌شود و از طریق افزایش تولید وارد می‌شود.

وقتی تولید کننده از انرژی رایگان استفاده می‌کند، وقتی قیمتش آزاد شود، طبیعتا قیمت محصول تولید شده نیز افزایش می‌یابد. بنابراین در میان انواع تورم‌ها، در اقتصاد ایران از نوع تورم سواره است و برای مقابله با آن راهکارهای مناسبی سیاست‌های پولی و مالی باید داشت.

در شوک‌های ارزی با توجه به اینکه ۸۵ درصد از کالاهای وارداتی برای جمهوری اسلامی ایران واسطه‌ای می‌باشند و تجهیزات تکنولوژیکی اند و کالاهای مصرفی نبوده اند. در واقع حلقه‌ای از تولید را تکمیل می‌کنند. طبیعی است وقتی نرخ ارز افزایش پیدا می‌کند، این کالا با قیمت سابق به دست تولید کننده نمی‌رسد. البته فرض این است که در کشور مبدا تغییری نکرده باشد. اما اگر تورم

حجم زیادی از پول و غیر متناسب با اقتصاد در اختیار جامعه قرار می‌گیرد تعداد متقاضیان زیاد می‌شود چون نقدینگی دارند. در اینجا با کمبود کالا مواجه می‌شود.

البته حجم نقدینگی می‌تواند در دست مردم یا طبقه خاصی باشد و بر اثر شرایط زمان و مکان متفاوت است اما اثر تورمی آن قطعی است. مثلا بانک‌های خصوصی با عموم مردم ارتباط ندارند و بلکه بنگاه داری اقتصادی می‌کنند یا سرمایه‌گذاران بزرگی دارند که به آنها وام‌های کلان می‌دهند. بانک سود خود را از همین طریق به دست می‌آورد و تسهیلات به صورت عادلانه در اختیار همه قرار نمی‌گیرد. اما در نهایت تورمی که ایجاد می‌شود متوجه همه جامعه به ویژه قشر ضعیف جامعه می‌شود. در هر صورت اگر عادلانه هم این حجم نقدینگی توزیع شود منجر به تورم می‌شود.

عامل دیگر انتظارات تورمی است. انتظارات عقلایی یکی از مقولات بسیار مهم در اقتصاد به شمار می‌رود. انتظارات عقلایی به معنای پیش بینی آینده اقتصاد است. اگر پیش بینی مردم نسبت آینده، افزایش قیمت‌ها باشد و سیاست‌های مناسبی از طرف دولت به منظور خنثی سازی چنین انتظاراتی اتخاذ نشود، از چند جهت موجب تورم می‌شود. در شرایط فعلی چنین انتظاری در میان فعالان اقتصاد و بازارهای مختلف وجود دارد. برخی بانکها می‌گویند عده‌ای از ما درخواست تسهیلات برای خرید نهاده‌های تولید می‌کنند وقتی بررسی می‌شود انبارهای پر از نهاده‌ها را می‌بینیم.

اما چون بعد از انتخابات افزایش قیمت پیدا می‌کند، از امروز آن‌ها را ذخیره می‌کنند. یعنی نیاز ندارد اما افزایش تقاضا صورت می‌گیرد. اگر قیمت



بر اثر تورم
وارداتی باشد،
بالتبع منجر به تورم
داخلی می شود.

حتی نسبت به کالاهای وارداتی که واسطه ای هم نباشند نیز باز افزایش نرخ ارز می تواند منجر به تورم شود. یعنی وقتی کالا نهایی باشد و وارداتی باشد و قیمتش به خاطر افزایش نرخ ارز افزایش یابد، کالاهای مشابه تولید داخل هم به دلیل جانشینی بودن کالا افزایش می یابد. مثلاً وقتی قیمت یخچالهای وارداتی افزایش یابد یخچالهای تولید داخل نیز افزایش می یابد.

اما عمدتاً در اقتصاد ایران اکثر کالاهای وارداتی واسطه ای اند، شوک های ارزش از طریق افزایش هزینه های تولید منجر به ایجاد تورم می شود. از همین رو توصیه می شود سیاست تثبیت نرخ ارز دنبال شود. تجربه نیز نشان داده این سیاست موجب تثبیت تورم است.

البته قطعی است که منافع برخی افراد در افزایش نرخ ارز باشد. چون ارز خود از منظر فقهی و واقعی نیز یک کالا است اما این افزایش در نهایت به ضرر اقتصاد کشور است. اینکه این ارز مربوط به کدام کشور باشد، اگر آن کشور تورمی باشد، نرخ ارزشان بالاتر نمی رود. نرخ ارزهای دو گانه که ترجیحی و آزاد است حالت یارانه ای دارد. گاه دولت ها برای جبران کسری بودجه نیز بار ارز ترجیحی نمی رود. گاه در شوک ارزی اخیر دولت و حذف ارز ترجیحی، نه به منظور کسری بودجه بلکه برای جلوگیری از فسادهای اقتصادی و قاچاق بود. هر چند می توانست راهکار دیگری نیز اتخاذ شود. اما به هر حال این کار صدمات زیادی به کشور وارد کرد.

مورد دیگر نیز بانکهای خصوصی بودند. در شش ماه اول ۱۴۰۲ بانکهای خصوصی ۹۲ همت اضافه برداشت از بانک مرکزی داشته اند و همه موجب افزایش تورم می شود. سهم این بانکها در نهضت ملی مسکن صفر بوده است. اگر تسهیلات به سمت مسکن بیاید، قیمتها کنترل می شود. یعنی از دو جهت اضافه برداشت و عدم تسهیلات تورم زایی می شود. سفته بازی و فعالیت های غیر مولد اقتصادی موجب تورم می شود. نظارت جدی بانک مرکزی و مجلس برای جلوگیری از آن می تواند موثر باشد.

نقش مجلس در مهار تورم

همه واقفند که تورم امروز جمهوری اسلامی ایران از نوع سواره است. اینکه مقام معظم رهبری امسال را به عنوان مهار تورم و رشد تولید نامیده اند از اهمیت آن خبر می دهد. علاوه بر آنکه سالهای متوالی شعارهای سال اقتصادی بوده

اند. یعنی اولویت اول اقتصادی است. خصوصاً جنگ دشمن از نوع اقتصادی است. مقام معظم رهبری در پیام نوروزی بحث تورم را از جمله تلخی های سال ۱۴۰۱ می دانند و می فرمایند «تلخی ها عمدتاً تورم بود. گرانی بود که حقیقتاً تلخ است. به خصوص گرانی در خوراکی و مواد اصلی زندگی... بیشترین سنگینی اش به دهک های پایین جامعه است چون در سید خانواده بیشترین سهم را خوراکی و موارد ضروری زندگی دارد.» مجلس به عنوان نهاد قانونی و نظارتی، از ظرفیت ها و ابزارهای قانونی بالایی برخوردار است. مردم نیز توجه به این اولویت داشته باشند که نمایندگانی که دغدغه حل اقتصاد کشور و ثنایا معتقد به اقتصاد مقاومتی و در نهایت دارای تخصص های اقتصادی هستند، انتخاب کنند. در طول تاریخ ادوار مجلس، نسبت نمایندگانی که دارای تخصص اقتصادی هستند به کل نمایندگان، نسبت مطلوبی نبوده است. در حالی که بخش قابل توجهی از مباحث و طرح ها و لوایح مجلس بعد اقتصادی دارد. همچنین در عضویت کمیسیون های تخصصی مجلس مانند اقتصاد و انرژی و عمران و کشاورزی، افزایش عضویت داشته اند که تخصص لازم را نداشتند. وقتی نماینده متخصص اقتصادی داشتیم، می توانیم شاهد تصویب قوانین خوب اقتصادی نیز باشیم.

نکته دیگر آنکه طرح های اقتصادی مجلس یا دولت که به مجلس می دهد، حتماً باید پیوست تومی داشته باشد و ارتباط آن با تورم روشن باشد و اگر تورم زاست تا چه اندازه است؟ همچنین پیوست اقتصاد مقاومتی داشته باشد. اقتصادی متکی بر خودکفایی، رشد تولید داخلی، درون زایی، دانش بنیانی و... همگی منجر به افزایش تولید می شود و مانع تورم آزاردهنده می شود.

همچنین اقدام دیگر استفاده از اندیشکده و نظریه پردازان اقتصادی است. البته در دفتر پژوهشهای مجلس و مرکز تحقیقات آن، چنین رویه ای دارد. اما در عین حال باید حساسیت ها بیشتر باشد. نظر همه اندیشمندان شنیده شود تا به نتیجه بهتری بدست بیاید.

راهکار دیگر بازنگری قوانین قبل با نگاه مهار تورم است. ممکن است قانونی در زمانی که مشکل تومی نداشتیم قانونی اقتصادی تصویب شده اما امروز در شرایط فعلی تورم زاست. نقش دیگر مجلس، رای اعتماد به وزیر اقتصاد و صنعت معدن و... حتماً برنامه های ضد تومی مطالبه کند و عملیاتی بودن آنها را بررسی کند. وقتی به وزیر نیز رای اعتماد داد، عملکرد آن وزیر را نیز نظارت کند. حق سوال و استیضاح برای خود قائل باشد و از مسئولین توضیح بخواهند.

بنابراین مجلس در مهار تورم و رشد تولید از دو بعد قانونگذاری و نظارتی نقش بی بدیلی دارد اگر دغدغه اصلی تحقق اقتصاد مقاومتی و تحقق منویات مقام معظم رهبری باشد، باید قوانین در این راستا بوده باشند. از این منظر باید گفت در راس امور است.



اشاره:

نظریه اجتماعی یعنی ایده کلانی که بتوان بر پایه آن جامعه ایرانی را تحلیل و تبیین کرد، آینده آن را پیش‌بینی نمود و برای رشد آن، برنامه ارائه داد. نظریات اجتماعی درباره ایران متعدد بوده و هر کدام به‌طور جداگانه قابل بحث است که ورود تفصیلی به تکتک نظریات، امکان‌پذیر نبوده و طبعاً باید اشاره و عبور کرد. همین نظریات متعدد موجود، دلیل بر اهمیت ایران است، به بیان دیگر فاعلیتی در ایران مشاهده می‌شود که موجب ارائه نظریات متعدد شده است. اهمیت ایران مربوط به جمهوری اسلامی نبوده بلکه قبل از آن هم درباره ایران (ذیل عنوان ایران یا آسیا) نظریه‌پردازی شده است مانند نظریه استبداد شرقی، شیوه تولید آسیایی، دولت رانتیه، جامعه کوتاه‌مدت، زوال اندیشه و... همه اینها مربوط به ایران تاریخی و قبل از پیروزی انقلاب اسلامی است.

نظریه اجتماعی ایران و نسبت آن با انتخابات

علیرضا شجاعی زند

نکاتی درباره نظریات موجود

نکته اول؛ با وجود تعدد در مورد نظریات اجتماعی ممکن است برخی از نظریات از جامعه‌شناسان نباشد اما توجه و تمرکز این بحث بر روی نظریات اجتماعی از منظر جامعه‌شناسی است. دوم؛ گاه نظریات از واقعیات برمی‌خیزند و قرار است برای شناخت واقعیات به ما کمک کنند اما گاه نیز به منظور تأثیرگذاری بر ادراک ما از واقعیات است یعنی نظریه‌پردازی نبوده بلکه روایت‌سازی است. مثلاً اغراض مختلف سیاسی و استعماری مانند شرق‌شناسی می‌توانند

چنین باشد.

سوم؛ اصولاً تحلیل‌ها و نظریات دست‌خوش مفروضات پیشینی هستند و می‌توانند تئوریک و یا ایدئولوژیک باشند که هر دو آسیب رسانند. اشاره شد که نظریه می‌تواند ما را به شناخت واقعیت کمک کند اما همیشه اینگونه نیست. یک نظریه پیشینی می‌تواند ذهن ما را محدود کند و بخشی از واقعیت را بزرگتر و پررنگ‌تر ببیند و بخشی دیگر را اصلاً نبیند. البته مفروضات ایدئولوژیک آسیب‌رسانی بیشتری دارند اما اینگونه هم نیست که در کشف واقعیت بی‌اثر باشند.

نه نظریه. دسته دیگر از نظریات به شدت ساده‌سازی شده و مبتنی بر تشبیه است. یعنی شرایط امروز را با بخشی از تاریخ گذشته ایران تطبیق می‌دهند مانند مسیحیت قرون وسطی که دین، همه کاره بوده که آن هم مربوط به دوره مسیحیت چهار قرن پیش است که در شرایط خاص کنونی قابل تکرار نیست. یا ایران را به

چهارم؛ در دوره‌ای هستیم که مرز میان واقعیت و حقیقت کم شده است. اصولاً نظریات کمتر تلاش می‌کنند نسبت محکمی با واقعیت برقرار کنند. بعضاً درباره هر ایده، نظری ابراز و تصریح می‌کنند که بر ساختی هستند و اصلاً معتقدند چیزی جز بر ساخت وجود ندارد. این مسأله اعتبار، با اینکه کمک‌کننده نیز می‌باشد اما نظریات را مخدوش کرده و تبدیل به روایت کرده است. گویا فقط صورت و ظاهر نظریه مهم است نه ماده و محتوا و نسبت آن با واقعیت، همین که بشود آن را در محافل علمی مطرح کرد کافی می‌دانند. نوعی نظریه برای نظریه است، نه برای شناخت واقعیت.

این مجموع نکاتی است که می‌توان درباره نظریات جامعه‌شناختی درباره ایران بیان کرد. حال بعضی از این نظریات مطرح که عمدتاً مربوط به دوره اخیر و ایران پس از انقلاب هستند را نام می‌بریم، این نظریات که برجسته‌ترین نظریات هستند چندان گویای واقعیت پیچیده ایران نیستند!

دسته‌ای از نظریات، ذیل نظریات عرفی شدن است. اساس این مباحث در آستانه انقلاب بیشتر مطرح می‌شوند. عرفی شدن با عرفی‌سازی این تفاوت را دارد که در عرفی‌سازی نوعی فاعلیت وجود دارد اما در عرفی شدن فاعلیتی وجود نداشته و فقط فرآیند است. این نظریات یک نظریات محتوم فرض می‌شوند.

دسته‌ای دیگر از نظریات، نظریات گذار هستند که تلاش می‌کنند برای توضیح تلاطمات و التهاجات فراوان، جامعه ایران را توضیح دهند. این نظریات متکی بر رهیافت نوسازی و مدرنیزاسیون هستند و امروز از سکه افتاده و اعتباری مانند اوائل انقلاب ندارد. این نظریات پیوندی میان توسعه و نوزایی و از آن سو با مدرن شدن و عرفی شدن است و همه می‌توانند به یک منزل برسانند؛ گذار از جامعه سنتی به جامعه مدرن که نوعاً این دو جامعه را در مقابل هم قرار می‌دهند.

دسته‌ای دیگری از نظریات، نظریات طبقاتی‌اند که قبل از انقلاب به‌طور جدی در ایران مطرح بود. دو دسته از نظریه‌پردازان این نظریه را تعقیب می‌کردند. بعضی معتقد به شیوه تولید آسیایی و بعضی دیگر معتقد به نظریه کلاسیک مارکس بودند. اخیراً نیز ذیل بحث نظریات طبقاتی نظریه سرکوب طبقه متوسط بدون توجه به لوازم این نظریه مطرح شده است که از زبان افراد متفاوت شنیده می‌شود. طبقه متوسط عنوانی است که ارتباطی با نظریه طبقاتی ندارد. ایران نه به لحاظ ساختار قدرت و نه به لحاظ

دولت، نه جامعه ایران و نه مسائل و منازعات ماهیت طبقاتی ندارد. چگونه می‌توان از این تعبیر که مربوط به نظریات طبقاتی است، برای توجیه اتفاقات جامعه ایران استفاده کنیم؟ طبقه متوسطه مورد ادعا اصلاً ماهیت طبقاتی ندارد و غالباً اشاره به کسانی است که گرایش‌های مدرنیستی و غربی بیشتری دارند و نسبتی با مناسبات تولید ندارد.

دسته‌ای دیگر از نظریات، شبه نظریاتی هستند که بر پایه یک مفهوم بزرگ‌نمایی شده بنا شده‌اند. بدین صورت که مفهومی اخذ شده، پیرامون آن سخن گفته و آن را منتسب به ایران کرده‌اند. مانند نظریات زوال سرمایه اجتماعی، شکاف‌های اجتماعی، بحران‌های عمیق مزمین مانند بحران مشروعیت، جامعه از هم گسیخته، جامعه جنبشی، جامعه مطالبه‌گر، فروپاشی اجتماعی و... که همگی مفهوم‌اند

نظام‌های ایدئولوژیک مارکسیستی تشبیه کرده‌اند. یا تشبیه ایران به دولت‌های انقلابی بی‌سرانجام. یا تشبیه ایران کنونی مخصوصاً پس از اغتشاشات ۱۴۰۱ به دوره شاه. از این جهت که انقلاب نتیجه اصلاحات دیر هنگام شاه بود فلذا عدم توجه به خواست معترضین نیز نتیجه‌ای مشابه خواهد داشت. برخی نیز ساختار سیاسی ولایت مطلقه فقیه را به دوره حاکمیت شاهنشاهی تشبیه کرده‌اند.

ادعای شکاف نمی‌توان به هر چیزی متوسل شد. چراکه این میزان شواهد در هر جامعه‌ای یافت می‌شود. پس آیا می‌توان گفت همه جوامع دچار شکاف دولت ملت‌اند؟ دیگر اشکال اینگونه نظریات این می‌باشد که از جای دیگر گرفته شده‌اند چراکه هم واقعیت موجود متحول شده، هم نسبتی با واقعیت کشور ما ندارند.

اشکال دیگر این نظریه، ویژه‌سازی درباره ایران است. یعنی خیلی از مشترکاتی که در جوامع دیگر مشاهده می‌شود در جامعه ایران چند برابر است.

شکاف دولت ملت در ایران!

همین ویژه‌سازی و بزرگ‌نمایی در جامعه ایرانی نسبت به تکثر و تنوع رخ داده است. چون هم مبین واقعیت است هم باید به رسمیت شناخته و پذیرفته شود. اما ما تکثر را به شکاف تعبیر کرده و در گامی دیگر تعبیر به تقابل می‌کنیم و بعد تقابل را به مناسبات دوقطبی تعبیر می‌کنیم. گویی ما جامعه‌ای U شکل داریم. همه جامعه بین این دو قطب توزیع شده و حد وسطی وجود ندارد. یا بزرگ‌نمایی در بدعملی کارگزاران را تعمیم می‌دهیم. عوامل همگرایی در جامعه ما به مراتب قوی‌تر از عوامل واگرایی است. بدعملی یک کارگزار را تبدیل به ناکارآمدی نظام و بعد به مشروعیت تبدیل می‌کنیم! ضعف‌های عملکردی را بلافاصله به نقض و خطای رویکردی تبدیل می‌کنیم. در حالی که این دو با یکدیگر تفاوت دارد. این مسایل است که نظریات را شبهه‌ناک و سست می‌کند.

این نوع مسائل در ساخت نظریه‌پردازی جامعه ایران وجود دارد.

اگر حقیقتی در مورد شکاف اجتماعی وجود داشته باشد، مربوط به شکاف اسلام و مدرنیته است که شکاف اصلی بوده و فعال‌کننده دیگر شکاف‌هاست. آن عنصری که در دانشگاه و حوزه و بین این دو شکاف ایجاد کرده، دعوای اسلام و مدرنیته است. ناپایداری‌های توسعه و عدم توازن‌ها ریشه در همین شکاف دارد. امروز نه تنها از این شکاف عبور کرده بلکه تشدید شده است.

حتی می‌توان ادعا کرد که دعوای امروز بین اقتصاد چپ و راست کشور نشأت گرفته و متأثر از منازعه بین اسلام و مدرنیته می‌باشد که ممکن است در برخی دوره‌ها برجستگی پیدا کند.

برخی تلاش دارند شکاف‌های دیگر مانند شکاف دولت ملت را در مقابل این شکاف اصلی مطرح و برجسته کنند. گویا ما با دو جریان یکدست در ساختار



اگر شکاف، مبنایی باشد با فراز و فرودهای انتخاباتی نباید با این شدت جابه‌جا شود. بنابراین می‌توان مطرح کرد حساسیت کاهش و افزایش مشارکت، بی‌جهت بوده و به لحاظ جامعه‌شناختی نسبتی با مشروعیت ندارد. با این توضیح مشخص می‌شود که نباید دولت را به معنای نظام بدانیم که با پایین آمدن میزان مشارکت، بحث عدم مشروعیت نظام به وجود بیاید.

نقد نظریات ناظر به انقلاب اسلامی

نظریاتی نیز مطرح شده که مربوط به دوره بعد از انقلاب اسلامی است که در مورد برخی از آنان مقالات و کتاب‌هایی نیز نگاشته شده است.

پوپر با آن مبنای ابطالی معتقد است: نظریه خوب نظریه‌ای است که شکندگی داشته باشد. یعنی نظریه‌ای که در همه موقعیت‌ها در همه ادوار با همه تغییرات و تحولات سازگار باشد.

منظور آن است که نظریه باید آن قدر تیزی و روشنی داشته باشد که به راحتی بتوان آن را شکست یا اصلاح و تکمیل کرد.

امروزه مؤلفه‌هایی وجود دارد که با شاخص‌های متعدد می‌توان نشان داد کوچک‌ترین قرابتی با زمان شاه ندارد. حتی با فرض قرابت، جامعه امروز ویژگی‌هایی دارد که اصلاً قابل تطبیق با زمان شاه نیست. خب این چه نظریه‌ای است که قابل تطبیق بر هر دو جامعه است؟! غالب نظریه‌ها دچار بزرگ‌نمایی می‌باشند. برای اثبات

دولت مواجهه‌ایم؛ در حالی که ما دولت‌های مختلف و سوبه‌های مختلف داریم. بنابراین اگر شکاف، مبنایی باشد با فراز و فرودهای انتخاباتی نباید با این شدت جابه‌جا شود. بنابراین می‌توان مطرح کرد حساسیت کاهش و افزایش مشارکت، بی‌جهت بوده و به لحاظ جامعه‌شناختی نسبتی با مشروعیت ندارد.

با این توضیح مشخص می‌شود که نباید دولت را به معنای نظام بدانیم که با پایین آمدن میزان مشارکت، بحث عدم مشروعیت نظام به وجود بیاید. در انتخابات اخیر آمریکا حدود ۵۰ درصد شرکت کردند، اما کسی شکاف نظام و ملت در آمریکا را مطرح نکرد. غالب کشورهای پیشرفته دموکراتیک نیز همین‌گونه‌اند. اما اینگونه نیست که همه آنها ۸۰ یا ۹۰ درصد شرکت کنند. بنابراین اگر امروز سخن از کاهش مشارکت است، ناشی از عملکرد دولت قبلی در ایران بوده و ارتباطی به شکاف نظام و ملت ندارد.

نکته دیگر آنکه تنها راه سنجش مناسبات ملت و دولت نظرسنجی‌ها نیست. انواع واقعیت‌های بیرونی همانند شرکت جمعیتی میلیونی در تمام مراسمات و جشن‌های ملی و جمعیتی که در مقابله با اغتشاشات به پشتوانه نظام درآمده‌اند وجود دارد که می‌توان با استناد به این واقعیت‌ها شکاف دولت و ملت را توهمی بیش ندانست.

چرا نظریات درباره ایران تماماً وجه آسیب‌شناختی دارد؟ غالباً نداشته‌ها و ضعف‌ها و نقصان‌ها را مبنای تحلیل قرار ایران می‌گیرد در حالی که جامعه ایران نقاط بسط و قوت زیادی دارد. با وجود محدودیت‌ها و فشارهای مختلف، باز هم سرپاست. چرا داشته‌ها و امکانات آن را نمی‌بینیم؟ چرا داشته‌های ایران مبنای تئوری‌پردازی در جامعه ایران نمی‌شود؟

بخش دیگری از نظریاتی هست که فقط روی نقاط آسیب می‌ایستند، اینها مردمی‌ترین نظام سیاسی ایران در طول تاریخ را به بحران مشروعیت متهم می‌کنند. بنیان‌های مردمی و قانونی این نظام مستحکم‌تر از بسیاری از نظام‌های سیاسی مدعی در جهان است اما متهم به بحران مشروعیت می‌کنند. چرا کشورهای دیگر درگیر بحث مشروعیت نیستند؟ چون حساسیتی نسبت به آن نداریم و چه‌بسا هیچ شناختی نسبت به آن وجود نداشته فلذا مطرح نمی‌شود. می‌توان اینچنین مطرح کرد که امروزه کارآمدی و اقتدار جای مفهوم مشروعیت را در ادبیات ژورنالیستی گرفته است. برای بحث مشروعیت نظام اسلامی هر روز بحران و دغدغه‌سازی کرده‌ایم. بحران‌های

عمیق و مزمن و مستمر که به دنبال آن خواستار تئوری‌سازی این بحران شده‌ایم. این در حالی است که برای بسیاری از کشورها این

مسائل اصلاً دغدغه نبوده و به پای مشروعیت نظام نمی‌زنند. از دیگر تعابیر در مورد جامعه ایران، جامعه از هم گسیخته می‌باشد. البته عوامل واگرایی در جامعه ایرانی وجود دارد مثل قومیت، زبان، دین و مذهب، فرهنگ و... منکر آنها نیستیم. برخی دیگر مانند مسایل نژادی یا سرزمینی که اصلاً وجود ندارد. جدی‌ترین عوامل، قومیت و دین و مذهب است که می‌تواند باعث از هم‌گسیختگی جامعه از هم شود. قبلاً هم مطرح بوده و دیگران نیز روی آن سرمایه زیادی گذاشته‌اند. اما در جامعه ایرانی قومیت هیچ‌گاه مسأله حادی نبوده

است و اقوام ایرانی با ایرانیت و ملیت تقابل نمی‌کنند. بی‌مسأله‌ترین و کم‌مسأله‌ترین کشور در جهان در باب دین و مذهب، جامعه ایرانی است در حالی ظرفیت آن بالاست. چراکه جامعه ایران به شدت دینی و ایدئولوژیک می‌باشد و با رویکردهای آرمانی خاص تشکیل شده است. عوامل همگرا آن قدر در جامعه ما به قدری قوی است که بعضی از عناصر آن بحران‌ها را با سیاست و عقلانیت هضم و رفع می‌کند. یعنی نمی‌توان واقعیت‌های جامعه را پایه تئوری قرار داد. آن قدری که همه نسبت به ایران، درباره هر یک از مسایل ریز و درشت تئوری می‌سازند و سرمایه‌گذاری می‌کنند، قابل مقایسه با دیگر کشورها نیست.

تئوری جنبشی

در نشستی از هشت جنبش اقصاری نام برده‌اند: جنبش‌های حسب اقصار که عبارتند از: جوانان، زنان، دانشجویان، ایرانیان خارج از کشور و جنبش‌های حسب موضوع که عبارتند از: دموکراسی‌خواهی، عدالت‌خواهی، هویت‌خواهی، محیط زیست. البته جنبش‌های دیگری مانند جنبش کارگری و جنبش تهری‌دستان را نیز باید به این لیست اضافه کرد.

نکته این است که جنبش، عنوان معناداری در ادبیات جامعه‌شناسی است و نیاز به داشتن مؤلفه‌هایی همچون رهبری، داشتن سازمان‌نخبگی، وجود ایجابی، زمان، هویت‌یابی و... دارد. برای هر چیز که آن را دوست داریم برجسته

آگاهی است. بنابراین این گزاره که «شرکت نکردن در انتخابات خودش یک رأی است»؛ درباره بخشی که هیچ‌گاه رأی نمی‌دهند صادق نیست، اما نسبت به بخشی از جامعه صادق بوده و نشان‌دهنده یک موضع خاصی است و نشان از درگیری عمومی بالا و آگاهی آنهاست و یک امتیاز محسوب می‌شود. وجود التهاجات و اعتراضات یا حضور در خیابان در سال ۱۴۰۱، با وجود داشتن آسیب‌هایی، اما این چهره دیگری هم دارد و آن نشان از سطح آگاهی جامعه است.

بنابراین عنوان جامعه از هم گسیخته در مورد کشور ایران صحیح نبوده و باید آن را جامعه متکثر بنامیم که به واقع نزدیک‌تر است.

پس عنوان دادن شکاف رسمی و غیررسمی با رخ دادن هر کار غیرقانونی صحیح نمی‌باشد و حال اینکه همین کارهای غیرقانونی در دیگر کشورها هم رخ داده و چه بسا با سرکوب شدید با آن برخورد کنند. اما با این وجود عنوان شکاف در مورد آن استفاده نمی‌کنند. اگر این اتفاق صد بار تکرار شد و ده نفر آن را احاطه کردند، می‌توان تعبیر شکاف را در مورد آن به کار برد. حال باید دید از تعبیر «جامعه جنبشی» و «جامعه زنده»، کدام درباره جامعه ایرانی به واقعیت نزدیک‌تر است؟

کنیم، نمی‌توان نام جنبش گذاشت و بعد هم بیان شود این گزارش واقعیت دارد! مانند سال گذشته که نامش را جنبش مهسا و بلکه انقلاب مهسا گذاشته بودند! اولاً تعبیر جنبش، جوهره اپوزیسیونی دارد و از این جهت خوشایند برخی است. اینان همه جا بر نقاط آسیب می‌ایستند یا نقاطی را مطرح می‌کنند که می‌توان علیه نظام سیاسی استفاده کرد.

ویژگی جامعه ایرانی

جامعه ایرانی یک جامعه جوان می‌باشد. به جای آنکه بگوییم دچار آشوب و ناهنجار است عنوان زنده بودن را در مورد آن مطرح می‌کنیم. جامعه‌ای زنده است که مشروعیت برایش مساله است. قصه ۹۹ درصد وال استریت در آمریکا و نیز جلیقه زردهای فرانسه نتوانست جامعه را با خود همراه کند. در جامعه ایرانی به دلایل تاریخی و ایدئولوژیک و سیاسی با نوع انسان متفاوتی مواجه‌ایم پس نمی‌توانیم تئوری‌های جوامع دیگر را درباره آن استفاده کنیم.

جامعه ایران علاوه بر جوان، زنده و پویا بودن، باز و دارای



بنابراین عنوان جامعه از هم گسیخته در مورد کشور ایران صحیح نبوده و باید آن را جامعه متکثر بنامیم که به واقع نزدیک‌تر است.





حرکت جمعی به سوی قله مؤلفه‌های انتخاب خوب

محمد رضا باقرزاده

یک انتخاب خوب و درست مؤلفه‌هایی دارد.

مؤلفه اول «امنیت» انتخابات است، انتخاباتی ایده‌آل است که قبل و حین انتخابات و حتی بعد از برگزاری انتخابات در یک فضای امن و آرام صورت گیرد. دومین مؤلفه انتخاب خوب، «مشارکت» است. اساساً نظام‌های مردم‌سالار نظام‌هایی هستند که اداره امور کشور به دست مردم صورت می‌گیرد. برای اداره کشور مدل‌هایی مانند دیکتاتوری، فردمحور یا مردم‌مدار وجود دارد. در نظام‌های مردم‌سالار دینی یا غیر دینی، اداره کشور بر اساس اراده مردم است. انتخابات یکی از جلوه‌های مهم مشارکت مردم در اداره امور کشور است. مردم پای صندوق رأی سکان‌دار اجرایی کشور را تعیین می‌کنند و به فکر و حزب یا فرد مورد نظر رأی می‌دهند. با رأی خود، انتخاب یا ابقاء نخبگان را انجام می‌دهند. برخی معتقدند شخص رهبری عزل و نصب‌ها را انجام دهند تا اشتباهات گذشته که ناشی از جهل

با دفاع مقدس و دیگر فتنه‌ها به این مقطع کنونی رسیده‌اند. یک زمانی شعار فتنه‌گرها «نه غزه نه لبنان» بود اما امروز همه دنیا به این نتیجه رسیدند که این جنای‌ها قابل دفاع نیست و نمی‌توان نسبت به آن بی‌تفاوت بود. بنابراین اسلام به دنبال رشد اجتماعی بوده و برقراری عدالت توسط پیامبران و رهبران دینی برای رسیدن به هدف اصلی یعنی اقامه قسط و عدل، فقط با خواست و رضایت همگان محقق می‌شود. در واقع مزیت نسبی نظام اسلامی ایران با دیگر نظام‌ها همین مشارکت و بُعد مردم‌سالاری دینی است.

عدم همراهی مردم با دشمن، در سطح بین‌الملل

اینکه اسرائیل در مقابل غزه هنوز توانسته به موفقیتی دست یابد، تنها مسأله نظامی نیست بلکه پشتوانه مردمی غزه است که از حماس دفاع می‌کنند. دشمن برای مهاجرت اجباری جمعیت از غزه تلاش می‌کند که به موفقیتی دست یابد اما مردم و کودکان می‌گویند از اینجا نمی‌رویم. اگر دشمن بتواند بین حماس و مردم جدایی ایجاد کند، بر غزه پیروز می‌شود. دلیل فروپاشی نه‌چندان دور اسرائیل همین عدم حمایت و مشارکت مردمی خواهد بود.

چرا امام بر «جمهوری اسلامی» تأکید داشتند؟ با توجه به اینکه در دنیا شعار مردم و جمهوریت فراوان داده می‌شود اما امام خمینی آن را در کنار اسلام جا دادند؛ زیرا در دنیا برای انجام کارها به دست مردم تأکید میشود، اما امام خمینی هدفشان این بود که مردم با استفاده از این خصوصیت، کمال خود را انتخاب کنند. حال این مسأله تا جایی ادامه دارد که مردم خدای نکرده برخلاف مصالح خویش عمل نکنند.

از همین‌رو رهبری معظم انقلاب، مانع مذاکره بر سر مسائل نظامی و دانشمندان هسته‌ای شدند و آن را قابل معامله و مذاکره نمی‌دانند. مصالح عامه مانند امنیت از قواعد آمره است و با از دست دادن امنیت، مملکتی باقی نمی‌ماند که بخواهد ارزش‌ها را محافظت کند. در صورت مذاکره بر مصالح مهم کشور، تاریخ قضاوت خواهد کرد و مقصر را رهبری می‌داند نه مردم. آیندگان می‌گویند پس رهبری چه کاره بود و نظام برای چه ایجاد شد؟ نظام برای حفظ استقلال و جان و امنیت مردم آمد؛ چگونه رهبری اجازه داد که این مسائل از دست برود؟

و برخورد سلیقه‌ای می‌باشد، دیگر تکرار نشود و در واقع آنچه صلاح کشور است را خود رهبری تعیین کنند. اما امامین انقلاب معتقدند نظام اسلامی فقط برای صلاح مسئولین نیست بلکه باید در سایه نظام اسلامی، تمام ملت ایران به صلاح و رستگاری و رشد و هدایت اجتماعی و کمال حداکثری برسند.

این نظریه دقیقاً مقابل نظریه طالبانیسم می‌باشد که معتقد است ما مجری حدود الهی هستیم برای اینکه مردم به بهشت بروند، پس کسی حق دخالت یا اعتراض ندارد.

برای اینکه تفاوت این رویکردها بایکدیگر مشخص شود، مثالی را مطرح می‌کنیم. در یک کوهپیمایی، اعضای گروه کوهنوردی حدس می‌زنند که این قله را چهار ساعته فتح می‌کنند اما اگر تصمیم بر آن باشد که این کوهپیمایی به همراه خانواده صورت گیرد، فتح این قله ممکن است دو برابر زمان عادی، به طول بینجامد؛ چراکه مواضع توقف متفاوت می‌شود و ملاحظه دیگران از جمله کودکان را هم باید داشته باشیم.

نظام اسلامی یک حرکت جمعی به سوی «کمال» است. مدارای امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) و یاران با وفای او به همین دلیل است. مالک اشتر به پشت خیمه معاویه رسیده است ولی وقتی مردم همراهی نمی‌کنند باید توقف کرد و با مردم راه آمد. پیامبر در جنگ احد نظری داشتند برخلاف نظر جوانان اما نظری آنها را ترجیح دادند در حالیکه نظر پیامبر قطعاً بهتر بود و منجر به کمال میشد. امیرالمؤمنین از آنجایی که هادی امت می‌باشند فلذا در جریان سقیفه، صبر می‌کنند تا قدم به قدم و آرام آرام، امت اسلامی را به هدایت و کمال برسانند.

اینکه رهبر معظم انقلاب می‌فرمایند من به هر کسی مردم رأی دهند، از او حمایت می‌کنم، نشان از اهتمام ایشان به مشارکت است. انتخاب آزادانه مردم که از دغدغه‌های رهبری است، دقیقاً به همین معناست. با اینکه مقام معظم رهبری بارها بیان کردند نسبت به مذاکره با آمریکا خوشبین نیستیم اما جوانان و نسل جدید شاهد مذاکره و همین‌طور نتیجه آن بودند.

این میراثی که در ایران وجود دارد و مردم به این مرحله از پختگی رسیده‌اند، در عراق و سایر کشورها وجود ندارد. نتیجه مشروطه و تحریم تنباکو به انقلاب اسلامی منجر شد و مردم



از همین‌رو رهبری معظم انقلاب، مانع مذاکره بر سر مسائل نظامی و دانشمندان هسته‌ای شدند و آن را قابل معامله و مذاکره نمی‌دانند. مصالح عامه مانند امنیت از قواعد آمره است و با از دست دادن امنیت، مملکتی باقی نمی‌ماند که بخواهد ارزش‌ها را محافظت کند.

آنجا که فرد غیراصلاح توسط مرم انتخاب می‌شود، رهبری تا اندازه‌ای که به اصل و اساس انقلاب و نظام لطمه نزنند، مدارا می‌کنند. این مدارا از خصوصیات یک نظام صالح اسلامی است که در روایات نیز آمده است: ابزار مدیریت شرح صدر حاکم است. حاکم به همه فرصت می‌دهد تا بازیگران از هر جناحی با رعایت خطوط قرمز، به میدان آمده و بازی کنند. اما اگر مانند فتنه ۸۸ وارد خطوط قرمز شوند، نظام در برابر آنها می‌ایستد.

سلامت انتخابات

سومین عنصر انتخاب مطلوب، «سلامت» انتخابات است. یعنی مردم احساس کنند اخلاق و فرهنگ سالمی حاکم است. از فساد به دور بوده و رانت‌بازی در آن راه ندارد. مانند اینکه برخی مسئولان حق ورود به انتخابات را ندارد. مثلاً امام جمعه و فرماندهان و استانداران نمی‌توانند نامزد شوند، چون فضای تبلیغاتی به صورت مساوی نخواهد بود و امکان سوء استفاده وجود دارد. بخشی از سلامت انتخابات به کاندیداها مرتبط است. کاندیداها نباید وعده‌های دروغین به مردم داده و آنان را فریب دهند. مردم می‌توانند به راحتی این وعده را ارزیابی کنند. بخشی دیگر از سلامت انتخاباتی مربوط به رأی مردم است که از نظر شرعی حق الناس بوده و نباید در آن خیانت شود و هر آنچه در صندوق وارد شده باید بیرون بیاید. به عنوان مثال در فتنه ۸۸ معاون سیاسی وزیر کشور گفت در انتخابات جمهوری اسلامی تقلب امکان پذیر نیست. چون از طرفی نمایندگان کاندیداها، نمایندگان دولت، نمایندگان مجلس، ناظرین شورای نگهبان و... ناظر هستند به طوری که تقلب به حداقل ممکن و بالاترین مرتبه سلامت رسیده است.

رقابت در انتخابات

چهارمین عنصر نیز رقابت انتخاباتی است. رقابت قوی و واقعی نه صوری و نمایشی. رقابت ناسالم یعنی قصد تخریب رقیب داشته و علیه او بدگویی شود. اگر جایی از مرز اخلاق و عقل خارج شد و به تخریب رسید، باید توسط مردم نقد شود. نامزدها باید تلاش کنند خود را با برهان و دلیل بالا بیاورند و اگر نقدی صورت می‌گیرد، باید منطقی و خدایسندانه باشد. بنابراین جنبه ایجابی و تبیینی در رقابت بسیار مهم است.

فوائد مشارکت مردم

۱. علاوه بر اینکه حاکمیت مردم را با انتخابات عینیت می‌بخشیم، خاصیت کارکردی در نظام و جامعه ایران نیز دارد. اساساً انتخابات در نظام‌های دموکراسی به منظور مشارکت مسالمت‌آمیز است. مشارکت مسالمت‌آمیز در مقابل جنگ خیابانی و شورش و کودتاست. در واقع انتخابات کم هزینه‌ترین مدل جابه‌جایی قدرت است. ۲. دلیل دیگر اهمیت انتخابات، عقلانی کردن رفتار جمعی است.

فضای انتخاباتی، موجب می‌شود افراد در ورود نخبگان به عرصه حاکمیت تأمل داشته و به بحث و گفتگو و مشورت و حتی نقد و بررسی دیدگاه‌ها بپردازند.

افرادی از درون جامعه با اختیار خود داوطلب شده و کاندید نمایندگی مجلس یا خبرگان یا ریاست جمهوری می‌شوند. به عنوان مثال برای مجلس به ازای هر کرسی حدود ۴۰ نفر به رقابت می‌پردازند و این عدد قابل توجهی است.

البته این واقعیت قابل انکار نیست که از این تعداد در نهایت تنها پنج نفر جدید داشته و رقیب جدی یکدیگر می‌شوند. جالب آنکه در مجالس مختلف، توسط رأی مردم، صاحبان نظریات مختلف به مجلس راه یافته‌اند. همان‌ها که احمدی نژاد را آوردند، روحانی را نیز آوردند. همان‌ها که مجلس ششم را آوردند، مجلس هفتم را آوردند در حالیکه به لحاظ گرایش سیاسی، مجلس ششم و هفتم کاملاً با یکدیگر متفاوت بودند. در واقع مردم بر اساس تجربه و تعقل خویش به افراد رأی می‌دهند.

انتخابات فرصتی است برای اینکه رفتار اجتماعی عقلانی شود و مانع رفتار هیجانی می‌شود. مصداق رفتار هیجانی این است که تنها شعار بدهیم و فقط مطالبه کنیم. اما روز انتخابات روز مردم است. در واقع نظام اسلامی فرصتی را به مردم می‌دهد تا آنها بیابند برای مدت زمان مشخصی نظر خود را حاکم کنند.

۳. در انتخابات، هیچگاه سخن ساکتان و رأی‌نهندگان شنیده نمی‌شود. امروز مردم افغانستان پای صندوق نمی‌آیند و هیچگاه سخن مردم آن کشور شنیده نمی‌شود. در برخی کشورها اصلاً رأی‌گیری وجود نداشته بنابراین اگر مردم خواستار عینیت پیدا کردن نظرشان هستند، باید در انتخابات شرکت کنند.

۴. انتخابات قاعده‌مند بودن قدرت را می‌رساند چراکه در صورت انتخاب غیر اصلاح بعد از مدتی جامعه توانایی تغییر دادن فرد غیر اصلاح را دارد.

۵. گروه‌های سیاسی در انتخابات نهادینه می‌شوند. مثلاً می‌گویند نه اصول‌گرا نه اصلاح‌طلب. در واقع احزاب و گروه‌های سیاسی فرصت نهادسازی و نهادینه‌سازی خود را می‌یابند.

۶. انتخابات باعث پرورش و تغییر نخبگان می‌شود. چه کسی گفته نخبگان همین چند نفر فعلی هستند؟ مردم آنها را می‌برند و عده دیگری را می‌آورند. ده‌ها هزار نخبه داریم که باید فرصت فعالیت پیدا کنند. مردم باید از کسانی که کارآمدی و توانمندی دارند دعوت کنند تا گردنش نخبگانی اتفاق بیفتد. کسانی که وارد میدان می‌شوند نیز سخنان متفاوتی دارند. برخی روی موضوعات خاص تأکید دارند مانند موضوعات اقتصادی، سیاسی، سیاست خارجی، اجتماعی و... این سخنان در این گردش نخبگانی شنیده می‌شود.

۷. انتخابات باعث تقویت احساس مسئولیت حاکمان می‌شود. وقتی یک مسئول با پشتوانه مردمی به قدرت می‌رسد، احساس مسئولیت می‌کند و میزان مشارکت مردم در تقویت این حس بسیار تأثیرگذار است. مشارکت بالا از طرفی دیگر قدرت چانه‌زنی مسئولین در داخل و سطح بین‌الملل را افزایش می‌دهد. اگر فردی

نماینده ملت ایران است، باید از پشتوانه قوی و با رأی خوب آن شهر بالا آمده باشد تا قدرت چانه‌زنی و بیان مخالف داشته باشد.

۸. خشونت با انتخابات از بین می‌رود. انتخابات یعنی مهر بطلان بر پیشانی خشونت. کسانی که بر طبل خشونت می‌کوبند با انتخابات میانه خوبی ندارند. آنها که با انتخابات مشکل دارند، ذاتاً انسان‌های خشن هستند. فتنه ۸۸ نمونه‌ای از آن است. به همان دلیل که انتخابات رفتار عقلانی است، به همان میزان مخالفت با انتخابات نوعی خشونت است و منجر به کودتا و استبداد و زورگویی و لشکرکشی خیابانی می‌شود.

انتخابات زینت نظام است!

بنابراین انتخابات زینتی نیست. انتخابات در نظام اسلامی، هم زینت نظام است و هم زینت نظام نیست! هر نظام سیاسی به مشارکت مردمی افتخار می‌کند و این همان زینت نظام است. در برخی کشورها قانونی برای تنبیه کسانی که در انتخابات شرکت نمی‌کنند، قرار داده‌اند. یعنی نظام سیاسی بدون مشارکت نمی‌تواند کاری انجام دهند. اما این غیر از زینتی بودن است یعنی مردم تأثیری ندارند! انتخاب مردم، روابط خارجی را متحول می‌کند. گاه دو مجلس صد و هشتاد درجه با یکدیگر مخالفند و هر دو با رأی مردم هم سر کار آمده‌اند. در همین مجلس یازدهم قوانین مختلفی مانند قانون خانواده و جمعیت، اشتغال، درگاه صدور مجوزها، افزایش حقوق سربازان، کنترل روند برجام و استیفای حقوق ملت ایران و... به تصویب رسید که ناشی از انتخاب مردم بوده است. این یعنی انتخابات زینتی نبوده و نقش حقیقی دارد. ما تفاوت و ثمرات انتخابات را به خوبی در مجلس شورای اسلامی و به ویژه ریاست جمهوری شاهد هستیم.

در تکاپوی مردم سالاری

نگاهی به جایگاه مجلس در تاریخ معاصر ایران

ابوذر مظاهری

مجلس، از مشروطه تا انتهای دوره رضاخان

با نگاهی به عملکرد مجلس از نهضت مشروطه تا انقلاب اسلامی، می‌توان به خوبی به آثار و پیامدهای تصمیمات مجلس پی برد. اگر این دوره را به چهار مقطع دسته بندی کنیم و قله‌های تاریخی آن را در نظر داشته باشیم، بهتر می‌توانیم به نقش مجلس و نمایندگان مردم پی ببریم و پیامدهای مثبت و منفی آن را برای کشور درک کنیم. البته دشمن همواره یکی از اهداف خود را تضعیف این نهاد مردمی می‌داند. گاه نیز مردم را نسبت به انتخاب نمایندگان بی‌میل می‌کردند و از طرف دیگر با حضور مردم و تشکیل مجلس، نمایندگان منافع ملی را صیانت نکردند و در ایفای مسئولیت دچار مشکل شده و درگیر مسائل شخصی و جناحی بودند و توجهی به منافع ملی نکردند. در همه این موارد، مجلس ضعیف بوده و ضربه‌های شدیدی به منافع ملی وارد شد.

اولین تجربه مجلس، یک نوع مجلس صنفی بوده و نمایندگان اصناف در آن حضور داشتند، از آنجا که این افراد آگاهی‌های لازم را برای قانونگذاری نداشتند، کشور عملاً بر اساس نظرات آنها اداره نمی‌شد. اصولاً قرار بود این مجلس نظارتی بر دوائر دولتی داشته باشد و رویه‌ها و آئین نامه‌ها و عملکرد دولت را بررسی کند و اصولاً برای قانونگذاری تشکیل نشده بود، و همین دلیل اعتراض آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری بود. چون مجلس یک مجلس واقعی نبود و نمایندگان اصناف، گاه خارج از صنف آنان به نمایندگی برگزیده می‌شدند. نخبگان آن زمان که از مسائل سیاسی و اجتماعی مطلع بودند، عمدتاً کسانی بودند که دارای تحصیلات اروپایی بودند. از همین رو

اشاره:

از سال ۱۳۳۴ ق (۱۲۸۵ ش) نظام سیاسی استبدادی به نظام مشروطه تبدیل شد، نظامی که مجلس در آن، رکن اصلی محسوب می‌شود که همین امر تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی نیز ادامه پیدا کرد. بعد از پیروزی انقلاب نیز، مجلس همچنان یکی از ارکان نظام محسوب می‌شود. تجربه تاریخی عملکرد مجلس نشان از اهمیت آن در سرنوشت کشور دارد. مجلس محل حضور نمایندگان مردم بوده و در سده اخیر و حتی پیش از آن در کشورهای اسلامی، جایگاه مردم و نهادهای مردمی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. در تعاملات فرد با نظام و کشور، توجه به این نهاد از اهمیت بالایی برخوردار است. جایگاه نمایندگی مردم جایگاه صیانت از منافع ملی است. علاوه بر قانونگذاری، پشتیبان اصلی یک نظام محسوب می‌شود. تجربه تاریخی نشان داده تضعیف یا تقویت مجلس، منجر به تقویت و تضعیف آن نظام خواهد شد. خنثی بودن یا عملکرد بد مجلس موجب ورود و دخالت دشمن و تأمین خواست‌های او می‌شود. بنابراین مهم‌ترین پشتیبان نهاد تصمیم‌گیری برای کشور، مجلس است.

نمایندگان در این مجلس، نمایندگان واقعی مردم نبودند. بلکه به تعبیر شیخ فضل‌الله می‌خواستند کشور را یک شبه پاریس کنند! تقلید کورکورانه از غرب و تندروی و عدم توجه به منافع ملی موجب سقوط مجلس از جایگاه واقعی خود شد. از همین رو محمدعلی‌شاه با این مجلس نمی‌توانست کشور را اداره کند و وجود آن را برای کشور و موقعیت خود دارای خطر می‌دانست و لذا آن را به توپ بست.

همچنین مردم مسلمان نماینده‌ای می‌خواستند که از احکام شرع پیروی کند و احکام الهی را بر کشور حاکم سازد. رفتاری که نمایندگان مجلس اول آن را رویه خود قرار داده بودند، اهانت به مقدسات بود. از این جهت، مردم این نمایندگان را نمی‌پذیرفتند. البته در اطلاعیه‌ها و شب‌نامه‌ها و انجمن‌های خود و تهدیداتی که نسبت به افراد و رجال انجام می‌دادند، به نام ملت شروع می‌کردند. احتشام السلطنه با اینکه خود، رویکرد روشنفکری داشت، در خاطرات خود می‌نویسد: وقتی به رفتار نمایندگان اعتراض کردم، در منزل من شب‌نامه انداختند که به نام ملت با تو برخورد می‌کنیم!

در واقع تعریف نادرستی که از منافع ملی داشتند و منفعت کشور را بر اساس منافع غربی‌ها پیش می‌بردند، موجب شد تا روشی که برای رسیدن به آن دنبال می‌کردند، اشتباه باشد. هرچند برخی از آنان دارای روحیه ملی بودند و در جنگ جهانی اول از آلمان و عثمانی در مقابل انگلیس و روسیه حمایت می‌کردند، اما در همان‌جا نیز با تفسیر غلطی از منافع ملی و موضع‌گیری‌های اشتباه، کشور را دچار آشفتگی کردند. علی‌رغم اینکه ایران رسماً اعلام بی‌طرفی کرد، اما روس‌ها و انگلیس‌ها متوجه شدند که ایران بی‌طرف نیست. چون تقی‌زاده در انجمنی که در آلمان تشکیل داده بود، کاملاً از آلمان حمایت می‌کرد و این یعنی قرار گرفتن در مقابل انگلیس و روس. از همین رو روس‌ها و انگلیس‌ها به ایران حمله کردند.

مجلس دوم که پس از فتح تهران تشکیل شد و درگیر کشمکش دموکرات‌ها و اجتماع عامیون و... بود، کشور را تماماً درگیر مسائلی کرد که دولت نتوانست دوام بیاورد. مجلس دوم در اولتیماتوم روس‌ها نتوانست موضع درستی اتخاذ کند بلکه تصمیماتی گرفته می‌شد که از موضع آشفتگی و تذبذب نشأت می‌گرفت و کشور را آرام آرام به ورطه جنگ جهانی اول می‌انداخت درحالی‌که واقعاً ارتباطی با ایران نداشت. در بین تمام نمایندگان فقط شهید مدرس بود که با شجاعت خود ایستادگی کرد و می‌گفت اگر قرار است بمیریم پس چرا مقاومت نمی‌کنید؟!

بعد از آن دولت مهاجرت تشکیل شد، حرفشان هم این بود که قدرت مرکزی را دو بخش کنیم که اگر ضربه‌ای وارد شد، به کانون تصمیم‌گیری و مدیریت کشور ضربه‌ای وارد نشود تا از این طریق قدرت مانور داشته باشد. سرنوشت دولت مهاجرت هم سرنوشت خوبی نبود، دولت مهاجرت از قم به اصفهان سپس به کرمانشاه و بعد هم به عثمانی منتقل شد و تبدیل به شیر بی‌یال و کوبالی شد که هیچ کاری نمی‌توانست انجام دهد؛ چرا؟ چون نمایندگان مجلس در جای خود حضور نداشتند و به وظیفه خود عمل نکردند.



تقلید کورکورانه از غرب و تندروی و عدم توجه به منافع ملی موجب سقوط مجلس از جایگاه واقعی خود شد. از همین رو محمدعلی‌شاه با این مجلس نمی‌توانست کشور را اداره کند و وجود آن را برای کشور و موقعیت خود دارای خطر می‌دانست و لذا آن را به توپ بست.

اتفاق تلخ دیگر، قرارداد ۱۹۱۹ و توثق الدوله است، این قرارداد که میان دولت‌های انگلیس و ایران پس از هفت ماه مذاکرات پنهانی و پرداخت ۴۰۰ هزار تومان رشوه منعقد شد، تقریباً تمام امور کشوری و لشکری ایران را زیر نظر مستشاران انگلیسی قرار می‌داد. این قرارداد با اینکه هرگز احراز نشد اما زمانی اتفاق افتاد که مجلس وجود نداشت و اساساً قرارداد ۱۹۱۹ بدون تصویب مجلس و در خلأ قوه مقننه پدید آمده بود! بعد از آن انگلیسی‌ها بین دو گزینه قرارداد ۱۹۱۹ و کودتای ۱۲۹۹ در رفت و برگشت بودند و خواستار رسیدن به یکی از این دو مورد بودند که منافع بیشتری از آنان تأمین کند. مجلس باید نقشی ایفا میکرد که مانع دستیابی انگلیس به منافع خود شود. اما فضایی در کشور ایجاد شد که مورد پسند انگلیسی‌ها بود و مجلس چهارم، نه در قرارداد ۱۹۱۹ و نه در کودتای ۱۲۹۹ و روی کار آمدن رضاخان هیچ نقشی نداشت، انگار وجود نداشت!

زمانی که قرارداد ۱۹۱۹ به همت مرحوم مدرس و آزادی خواهان با شکست روبرو شد، انگلیسی‌ها سراغ گزینه دیگری که همان روی کار آوردن قلدری همچون رضاخان بود، رفتند تا با این کار بتوانند منافع خود را تأمین کنند. مرحوم مدرس در نوشته‌های خود تصریح می‌کند مجلس جایگاه صیانتی خود را از دست داده است. با وجود این فضا و فشار رضاخان و تهدیدهای او و نیز نمایندگان دست‌نشانده از سمت او، مجلس پنجم شکل گرفت که تصمیم تاریخی عجیبی اتخاذ کرد!

با تصویب مجلس، استبداد قدیمی سنتی از رمق افتاده دوره قاجار، جای خود را به استبداد تازه‌نفس دیکتاتورمنش و با شدت و حدت بیشتری یعنی استبداد منور رضاخانی داد!

در دوره رضاخان، تصمیمات و اقدامات و کج‌روی‌های متعددی پایه‌گذاری شد، طوری که گویا اصلاً مجلسی وجود ندارد. مجلس پنجم در واقع با تأیید رضاخان، خود را از گردونه صیانت از منافع ملی و نمایندگی مردم خارج کرد و تبدیل به نهاد دست‌نشانده و ماشین امضای دستورات رضاخانی شد و این روند تا انتهای دوره رضاخان ادامه داشت.

مجلس در دوره محمد رضا پهلوی

دوره تاریخی بعد، دوره محمد رضا شاه پهلوی است که مشابه مجالس قبل را در این دوره نیز به نحو دیگری شاهد هستیم. پس از دوره‌های متعدد فرمایشی بودن مجلس، در ماجرای نهضت ملی صنعت نفت، فضایی ایجاد شد که برخی از نمایندگان وظیفه اصلی خویش که صیانت از ملت و نمایندگی مردم بود را انجام دادند و با برخی با ترفندهایی وارد مجلس شدند تا این سرمایه ملی یعنی نفت را از چنگ استعمار و انگلیس خارج کنند.

زمانی که بین دولت مصدق و مجلس درگیری ایجاد شد و دچار حواشی شدند، آیت‌الله کاشانی نیز متوجه شکل‌گیری کودتا شد و آن را به مصدق نیز گوش زد کرد اما عدم توجه به منافع ملی توسط مصدق موجب برگزاری فراندوم و انحلال مجلس هفدهم شد و در واقع بزرگ‌ترین ضربه را به خود زد و پشتوانه خود را نابود کرد. می‌توان بیان کرد اهمیت مجلس حتی در دوره دیکتاتوری پهلوی به

اندازه‌ای است که تضعیف آن، دولتی مانند دولت مصدق را نیز از ادامه حیات باز نگه می‌دارد.

از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ نیز شاهد ادوار دیگری از شکل‌گیری مجالس هستیم که یکی از مهمترین آنها مجلس بیست و یکم در مرداد ۱۳۴۳ و تصویب لایحه «کاپیتولاسیون» بود. در واقع می‌توان گفت مجلس پنجم که رضاخان را روی کار آورد، محصول مجلس اول، و مجلس بیست و یکم محصول مجلس هفدهم بود. مجلسی که باید منافع ملی را دنبال کند، لایحه ای را دنبال می‌کند که از اساس تحقیر ملت است. اصلی‌ترین خطابه‌های امام نیز در آغاز حرکت متوجه نمایندگان مجلس است.

نگاهی به مجلس در دوره جمهوری اسلامی

جایگاه نمایندگی مجلس در کشور ما فوق‌العاده دارای اهمیت هست، به طوری که هم دشمنان و هم دوستان روی آن حساب باز می‌کنند. دشمن تمام تلاش خود را به کار می‌گیرد تا مجلس ضعیفی شکل گیرد. این تضعیف یا از طریق نفوذ و یا از طریق ایجاد حواشی است. تمام تلاش شهید شیخ فضل‌الله نوری در عصر مشروطه این بود که مجلس اول به شکل صحیح ایجاد شود و حافظ منافع ملی باشد.

البته پرداختن به حواشی توسط مجالس مختلف و نیز تهدیدها و نفوذهای همیشه وجود داشته است. این مجلس همواره از سوی قدرتمندان و زورمندان داخلی و خارجی و نیز کسانی که می‌خواهند این نهاد را به استخدام منافع خود درآورند، همواره مورد تهدید بوده است. یکی از نمونه‌های آن مجلس ششم در دوره جمهوری اسلامی است. این مجلس از همان ابتدا دعوای سیاسی را بر منافع و مصالح ملی ترجیح داد. هم‌زمان با مجلس ششم، زلزله بزم را شاهد هستیم. مردم زیر آوار بودند اما مجلس درگیر مسائل جناحی خودش بود! همچنین کشور در آستانه خیزش به سمت غنی‌سازی اورانیوم و رشد در صنعت هسته‌ای بود اما در مجلس ششم طرح دو فوریتی مبنی بر توقف صنعت هسته‌ای و پذیرفتن فشار غرب و قطعنامه اژانس مطرح می‌شود.

مجلس بین تعلیق و توقف، به دنبال توقف بود و اروپایی‌ها متوجه این مسأله شدند بنابراین از خواسته خود که توقف و تعطیلی صنعت هسته‌ای بود، کوتاه نیامدند.

تحریم‌ها و قطعنامه‌های صادر شده در این بحث تا امروز علاوه بر اینکه رفع نشده‌اند، ما را دچار مشکل کرده است.

بنابراین اگر یک مجلس به راستی دغدغه منافع ملی و اهداف ملی را داشته باشد، در راهبرد کشور به سمت قله‌های موفقیت و پیروزی بسیار مؤثر است و مردم نیز این مسأله را امروز متوجه شده‌اند؛ لذا مشاهده می‌کنید که بعد از مجلس ششم، مردم مجلسی را روی کار آوردند که کاملاً از نظر سیاسی مخالف مجلس ششم بود.

به هر حال مجلس ضعیف می‌تواند آثار و پیامدهایی منفی داشته باشد که علاوه بر تحدید و تهدید منافع ملی، کشور را تا سال‌های سال دچار مشکل کند.



اشاره:

به یقین یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های «ایران قوی»، برخورداری از یک «مجلس قوی» است. مقام معظم رهبری علی‌الذم تأکید دارند که «ملت ایران باید خود را قوی کنند» در همین راستا برای مجلس قوی راهبردهای متنوع و متنکثری بیان کردند که می‌توان به بهانه نزدیک شدن به ایام انتخابات آن‌ها را مورد بازبینی قرار دهیم.

قوه مقننه یکی از مهم‌ترین ساختارهای هر حاکمیتی محسوب می‌شود که به تبع در جمهوری اسلامی هم حائز اهمیت است. به تعبیر مقام معظم رهبری «قوه مقننه تهیه‌کننده نرم‌افزار حرکت عظیم نظام اسلامی است» (۱) و لذا با نگاه تمدنی «یکی از مصادیق قوی شدن همین است که یک مجلس قوی داشته باشیم» (۲) در پاسخ به این سؤال که «چرا مجلس قوی مهم است؟» باید بیان داشت: «چون انتخابات نمایندگان مجلس شورای اسلامی، نماد مردم‌سالاری دینی و مظهر اقتدار ملی و حاکمیت سیاسی نظام دینی در مقابل تحركات و تهاجمات نظام سلطه استکباری است» (۳)

بر همین اساس برخی از راهبردهای کلان برای ایصال به مجلس قوی را بر می‌شماریم.

رنگ‌هایی متفاوت در صندوق یک رنگ نگاهی به راهبردهای کلان در شکل‌گیری مجلسی قوی

محسن افروغ

راهبردهای کلان مجلس قوی

۱. مشارکت مردم

هویت جمهوری اسلامی به دو عنصر «اسلامیت» و «جمهوریت» گره خورده است لذا مجلس قوی، مجلسی است که با حضور مردم محقق می‌شود. مگر می‌توان تصور کرد که وکلای مردم بدون پشتوانه حداکثری بتوانند حضور قدرتمند داشته باشند؟! پس باید معتقد باشیم که به هر میزان مشارکت مردم افزایش یابد، بر همان میزان به ایجاد یک مجلس قوی کمک کردیم.

البته زمانی که قائل به مشارکت حداکثری باشیم باید حضور همه سلائیق در ذیل گفتمان انقلاب اسلامی را هم قبول کنیم. رهبر معظم انقلاب در دیدارهای امسال به مفاهیم چهارگانه اشاره دارند: «مشارکت پرشور و قوی، امنیت کامل، سلامت حقیقی و رقابت همه گروه‌ها و جریان‌ها و سلائیق» (۴) در واقع لازمه مشارکت حداکثری، حضور همه جریان‌های فکری و سلائیق در ذیل گفتمان و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. مخاطب این سخن را می‌توان دست اندرکاران مختلف حوزه انتخابات دانست که باید هیأت‌های اجرایی با قوت این نظر را ادامه دهند. این دغدغه رهبری که «رقابت» است زمانی محقق می‌شود که با مشارکت پیوند داده شود، به تعبیری رقابت اگر در انتخابات جدی باشد و همه «سلائیق» حضور داشته باشد میزان مشارکت افزایش خواهد یافت. سید ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور محترم در تقویت این دیدگاه بیان داشته است که: «دولت نه تنها از حضور سلائیق مختلف در مجلس نگران نیست، بلکه آن را بستری برای شکل‌گیری مجلس قوی می‌داند که می‌تواند تقویت دولت و در نتیجه افزایش قدرت و اقتدار ایران را به دنبال داشته باشد» (۵)

در نهایت، مشارکت مردم ضمانت ایران و مجلس قوی خواهد بود. مردم ایران در یک نگاه کلان باید توجه داشته باشند که رأی آن‌ها صرفاً برای یک نماینده، آن هم برای ۴ سال نیست. رهبری می‌فرماید: «تأثیرات مجلس فقط محدود به چهار سال نیست بلکه مجلس قوی و یا مجلس ضعیف و خود باخته با تصمیمات خود می‌تواند تأثیرات بلندمدتی بر کشور بگذارد».

۲. هدایت دولت‌ها

در مراحل پنج‌گانه تمدن اسلامی که عبارت‌اند از «شکل

گیری انقلاب اسلامی، تشکیل نظام اسلامی، تشکیل دولت اسلامی، تشکیل جامعه اسلامی و در نهایت تحقق تمدن اسلامی» اکنون جمهوری اسلامی ایران در مرحله ایجاد یک دولت اسلامی است که همگان موظف هستند به تحقق این عنصر کمک کنند. برای یاری دولت و همراهی آن در گذر از وضع موجود به وضع مطلوب، بدون تلاش و نظارت یک مجلس قوی میسر نخواهد بود. «مجلسی که با وضع قوانین لازم، با هدایت دولت‌ها به سمت مطلوب، بتواند کشور را در مقابل توطئه‌های دشمن مصونیت ببخشد؛ یک مجلس قوی این جوری است» (۶) در همین راستا آیت‌الله رئیسی، رئیس‌جمهور دولت سیزدهم در نشست هیأت رئیسه و اعضای کمیسیون‌های مجلس خبرگان فرمودند که: «مجلس قوی ضامن شکل‌گیری دولت قوی است و جایگاه اثربخشی در ساختار نظام دارد» (۷) البته هرگز نقش مجلس، دخالت در امور اجرایی دولت نیست بلکه «مجلس تعیین‌کننده مسیر» (۸) است و باید ریل را قرار دهد تا قطار پیشرفت توسط دولت بر روی این ریل حرکت کند. در واقع دو مطالبه «ریل‌گذاری حرکت دولت» و «نظارت در چارچوب اختیارات» از سوی رهبری مطرح شده‌است. البته لازم به تذکر است که، هدایت و همکاری دولت هرگز به معنای فراموشی و گذر از قانون خود نیست: «...اعتقاد بنده این است و همیشه عقیده‌ام در همه دولت‌ها این بوده که مجلس باید با دولت همکاری کند؛ اما این همکاری به معنای گذشت از حقوق مجلس نیست. بایستی حق‌تان را استیفاء کنید. باید تحقیق، تفحص و مؤاخذه کنید که چرا نشد؟ چرا کم شد؟ چرا جور دیگر شد؟ این فرصت

بسیار مهمی است. این را قدر بدانید» (۹) پس در نهایت مجلس قوی، مجلس زنده‌ای است که «به وقت، به هنگام و درست قانون می‌گذارد، نظارت می‌کند و در مسائل کشور و در مسائل منطقه حضور دارد» (۱۰) رهبری می‌فرمایند: «مجلس دولتی و مجلس ضد دولتی یعنی چه! اینها دوقطبی‌های کاذب است. شما با یکایک ملت ایران تماس بگیرید و بگویید آیا شما مجلسی می‌خواهید که دردهای کشور را، مشکلات کشور را، مشکلات مردم را بشناسد و بخواهد آن را حل کند یا مجلسی که طرفدار زید یا عمرو باشد. جواب چیست از طرف مردم؟ معلوم است که مردم آن اولی را می‌خواهند؛ برای مردم این مهم است؛ مجلس متدین، مجلس متعهد، مجلس شجاع، مجلس فریب‌نخور که فریب ترفند دشمن را نخورد؛ مجلسی که به عزت ملی و استقلال ملی اهمیّت بدهد و عزت ملی را پایمال نکند، استقلال ملی را پایمال نکند؛ پایستد در مقابل طمع‌ورزی و زیاده‌خواهی استکیار، در مقابل طمع‌ورزی قدرت‌هایی که دستشان از ایران کوتاه شده و دارند تلاش می‌کنند که دوباره برگردند و زمام قدرت را در این کشور در دست بگیرند؛ این جور مجلسی. مسئله‌ی اقتصاد درون‌زا را ما مطرح کردیم؛ مردم مجلسی می‌خواهند که برای اقتصاد درون‌زا، به معنای واقعی کلمه وقت‌گذاری کند، ریل‌گذاری کند و دولت موظف بشود بر اساس این حرکت بکند؛ آنچه مردم می‌خواهند اینها است» (۱۱)

۳. انتخاب خوب و قوی

مردم با انتخاب خوب، مجلس قوی برای ایران قوی بسازند. رکن دیگری برای مجلس قوی «کیفیت انتخاب» است. در



از معیارهای اسلامی را دارا باشد قطعا به قدرت آن هم افزوده خواهد شد. امید است که با حضور پرشور مردم و انتخاب صحیح و کلای مردم شاهد دور جدیدی از مجلس قوی در پیشران ایران قوی باشیم.

واقع ماهیت واحد مجلس قوی متشکل از صدها نماینده‌ای است که توسط مردم انتخاب می‌شوند. در نسبت‌سنجی این دو متوجه می‌شویم که اگر افراد برگزیده از صلاحیت و اقتدار لازمی برخوردار نباشند آرزوی مجلس قوی از محالات خواهد بود. بر این اساس، با بررسی نگاه امام خمینی رحمه الله علیه و مقام معظم رهبری به کلید واژه‌های بسیاری برای انتخاب اصلح مواجه می‌شویم که به جهت دوری از اطاله کلام تنها به برخی از کلیدواژه‌ها اشاره می‌کنیم. «برای مجلس شورای اسلامی، افراد «با ایمان»، «شجاع»، «کارآمد»، «وظیفه‌شناس»، «پرانگیزه»، «وفادار به اسلام، مردم، انقلاب و کشور»، «سرسخت در مقابل دشمنان» و «دل‌نیسته به دنیا و مطامع مالی» برگزیده شوند». باید مراقب بود زیرا «زیرا ما در همین دوره انقلاب، نمایندگانی در مجلس داشتیم که اکنون نوکر و کلفت امریکا و دشمنان ایران هستند» (۱۲) البته لازم است در مسیر انتخاب به «روحیه جوانی» و «کنشگری فعال» توجه داشت. «مجلس باید یک ترکیب متناسبی از جوانان و افراد مجرب، دانا و راه بلد باشد. جوان‌گرایی یک ضرورت قطعی برای کشور است و کنشگر اصلی و پیشران حرکت رو به جلو جوانان هستند اما تکیه بر جوانان به معنای چشم پوشی از افراد با تجربه نیست» (۱۳)

مجلس قوی، از مفاهیم نسبی است که به هر میزان

پی نوشت:

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با نمایندگان مجلس هشتم؛ ۱۳۸۷/۳/۲۱
۲. بیانات در دیدار مردم تبریز ۱۳۹۸/۱۱/۲۹
۳. مقاله اهمیت انتخابات مجلس شورای اسلامی (از نگاه امام خمینی ره و مقام معظم رهبری) حسین شیدائیان
۴. بیانات در دیدار مردم «کرمان» و «خوزستان» ۱۴۰۲/۱۰/۲
۵. ۱۴۰۲/۱۰/۱۱
۶. بیانات در دیدار مردم تبریز ۱۳۹۸/۱۱/۲۹
۷. در نشست هیأت رئیسه و اعضای کمیسیون های مجلس خبرگان ۱۴۰۲/۱۰/۲
۸. بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی ۱۳۹۴/۱۱/۲۸
۹. بیانات در دیدار با مردم نجف آباد ۱۳۹۴/۱۲/۵
۱۰. بیانات در دیدار با نمایندگان مجلس نهم ۱۳۹۱/۳/۲۲
۱۱. بیانات در دیدار مردم نجف‌آباد ۱۳۹۴/۱۲/۵
۱۲. دیدار هزاران نفر از مردم آذربایجان شرقی ۱۳۹۸/۱۱/۲۹
۱۳. همان



«مجلس باید یک ترکیب متناسبی از جوانان و افراد مجرب، دانا و راه بلد باشد. جوان‌گرایی یک ضرورت قطعی برای کشور است و کنشگر اصلی و پیشران حرکت رو به جلو جوانان هستند اما تکیه بر جوانان به معنای چشم پوشی از افراد با تجربه نیست»





محور مقاومت پیروز میدان انتخابات

جواد کاوندی

کرده است. بر همین اساس به دولت فرانسه پیشنهاد کرد از میان ایران و اعراب، ایران را برای همکاری انتخاب کند. لوموند به این نتیجه رسیده است که آینده منطقه بیش از هر چیزی تحت اراده جمهوری اسلامی خواهد بود. این جمله نیز در زبان بسیاری از تحلیل‌گران غربی جاری شده است که بدون اراده ایران هیچ تصمیمی در منطقه غرب آسیا به نتیجه نخواهد رسید.

البته این واقعیت حتی برای اسرائیل نیز روشن است، اما از آنجا که چنین واقعیتی برای آنها ناخوشایند می‌باشد با تعبیری منفی بیان می‌دارند که سر مار در ایران است و چنین نتیجه می‌گیرد که اگر می‌خواهیم امنیت را برای اسرائیل تامین کنیم باید ایران را ناامن کنیم!

اگر بخواهیم سررشته‌ی تاریخی مساله را بیشتر مورد بررسی قرار بدهیم ناگزیر باید به هدف آمریکا از حمله‌ی نظامی به افغانستان و سپس به عراق توجه کرد. فارغ از بهانه‌هایی که آمریکا برای حمله به این منطقه بیان می‌کرد، اما هدفش همانی بود که خود به صراحت بیان می‌نمود؛ یعنی ایجاد خاورمیانه جدید. اگرچه خاورمیانه، ساخته و پرداخته‌ی دولت‌های استکباری

شبی که رژیم صهیونیستی بیمارستان المعمدانی را هدف قرار داد و بیش از ۱۰۰۰ نفر را در کسری از دقیقه به شهادت رساند، احساس مسئولیت را در دل ملت ایران نیز شعله‌ور کرد. هم‌همی ما به دنبال روزنه‌ای بودیم تا بتوانیم به نحوی به ملت دربند فلسطین کمک نماییم. اما آیا برای همه‌ی کسانی که چنین احساس مسئولیتی داشتند، امکان آن وجود داشت تا به میدان نبرد بروند و داد مظلوم را از بیدادگران باز پس بگیرند؟ این بود که عده‌ای نیز سرخورده از اینکه نمی‌توانند کاری از پیش ببرند، آرام آرام شعله‌ی احساس مسئولیتشان فروکش کرد. پراستی احاد مردم ایران چگونه و چه کمکی می‌توانند به آرمان فلسطین داشته باشند؟ آیا برای ما ایرانیان راهی غیر از حضور در جبهه‌های نبرد نظامی نیز وجود دارد تا بتوان از آن طریق به فلسطین و مردمانش کمک کرد؟ برای پاسخ به این سوال، نخست بایستی نقش ایران در تحولات منطقه‌ای را مورد بررسی قرار داد تا در پرتو آن نقش مردم ایران در این رخدادها نیز مشخص گردد.

نشریه لوموند فرانسه به تاریخ ۸ ژانویه ۲۰۱۹ در مقاله‌ای با عنوان «ایران ابر قدرت منطقه» بیان داشت که ایران با درایت و هوشمندی، خود را به قدرت نخست منطقه تبدیل

اما بر اساس الگویی منظم به رفتاری معنادار و برای یک هدف مشخص، دست به اقدامات مشترکی می‌زنند.

پس از آنکه موازنه قدرت به نفع محور مقاومت تغییر یافت و کار داعش نیز پیش از اتمام، تمام شده تلقی شد؛ دیگر برای مخالفان جمهوری اسلامی ایران این امید که داعش بتواند بعد از عراق و سوریه ایران را نیز به آشوب بکشد به کلی از میان رفت. حالا دیگر ایران به عنوان قلب تپنده و مغز متفکر محور مقاومت تبدیل به قدرتی غیر قابل انکار شده بود. در این مقطع

است اما اشتباهی بالای آمریکا برای تامین منافع خود تنها از طریق خاورمیانه‌ی جدید ارضاء می‌گشت. وجه تمایز خاورمیانه جدید با خاورمیانه موجود، در آن است که دولت اسرائیل بتواند به عنوان بازیگر برتر و مولفه‌ی تعیین کننده این منطقه میدل شود.

آمریکا پس از آنی که نتوانست ایده‌ی خود، یعنی خاورمیانه جدید را پایه گذاری کند و منافع خود را در قالب نظم مطلوب خود پی گیری نماید، حالا راهی ندارد جز اینکه به مقدار اندکی از آن منافع اما این بار در سایه ناامنی ناشی از بی نظمی در این منطقه برسد. اراده‌ی آمریکا در آن است که اگر آرامش این منطقه در راستای سیاست‌های او و تامین کننده‌ی منافع او نباشد، بهتر است که اساسا هیچ گونه‌ی دیگری از نظم نیز سامان نیابد، تا شاید در سایه‌ی ناامنی به خواسته‌های خود برسد. فتنه‌ی داعش و شروع جنگ‌های نیابتی مانند جنگ عربستان با یمن را نیز باید با این دید تحلیل نمود.

اما باید گفت معادلات چند مجهولی منطقه غرب آسیا در حال تبدیل شدن به نظمی است درست در نقطه مقابل منافع آمریکا. این نظم ناشی از اراده جمهوری اسلامی ایران و نقش آفرینی بازیگران جدید این منطقه ذیل محور مقاومت می‌باشد. اگرچه محور مقاومت و گروه‌های مقاوم از ایران دستور نمی‌گیرند



بود که بن سلمان به صراحت بیان کرد که ما جنگ را به داخل ایران خواهیم کشاند. دشمن در صدد آن بود که با ایجاد آشوب در داخل ایران، از قدرت محور مقاومت بکاهد و در این میان هرچه ایران به مسائل درونی خود درگیرتر باشد، محور مقاومت بیشتر آسیب خواهد دید. شلوغی‌های سال ۹۶، ۹۸ و بلوای «زن، زندگی، آزادی» با همین انگیزه برپا شد. موفقیت فزاینده محور مقاومت از سویی و ایجاد آشوب در ایران از دیگر سو، بسیار شبیه به شرایط جنگ صفین می‌باشد که درست در همان لحظه‌ای که شمشیر مالک اشتر اندکی با گردن معاویه فاصله نداشت، اما شمشیر خوارچ نیز جان امیرالمومنین علی (علیه السلام) را نشانه رفته و نجات ایشان را در گروی بازگشت مالک از میدان مبارزه می‌دید. آری مالک تنها با چند ضربه شمشیر می‌توانست کانون فتنه اموی را به کلی نابود سازد، اما عناد خوارچ چنین اجازه‌ای را به مالک نداد و او حفظ جان امیرالمومنین علی (علیه السلام) را در اولویت قرار داد.

بلوای «زن، زندگی، آزادی» دقیقا برای این هدف تنظیم شده بود که سلسله مراتب شکل‌گیری اراده جمهوری اسلامی ایران را دچار اختلال کند. به تعبیر فلاسفه یک اراده پیش از آنکه به اراده تبدیل گردد، نخست چیزی از جنس شناخت می‌باشد. نظام ارزشی هر شناختی موجب می‌گردد تا فرد به امر مطلوب از نظر آن نظام ارزشی میل و گرایش پیدا کند. این میل در ادامه تبدیل به شوق گشته و با تشدید چنین شوقی اراده بوجود می‌آید. ازین رو فلاسفه اراده را همان شوق اکید معرفی نموده‌اند.

بازدهی علمیتانی دشمن از جنگ شناختی شروع می‌شد و از بستر جنگ امیال عبور کرده و در نهایت به جنگ اراده‌ها ختم می‌شد. دشمن در اولین گام برای غلبه در جنگ شناختی، هویت ملی ایرانیان را مورد هدف قرار داد. میوه این نزاع، تفکیک میان حکومت و مردم بود که نماد عریان خواسته‌ی دشمن جایی بود که تیم ملی فوتبال ایران را نه تیم مردم ایران، بلکه تیم جمهوری اسلامی معرفی می‌کردند! بخشی از جامعه که تحت تاثیر تبلیغات دشمن مرعوب شده و خودآگاهی خود را از دست داده بودند، از پیروزی تیم ملی فوتبال در جام جهانی احساس ناراحتی می‌کردند و بازکنان تیم ملی را هم مورد شماتت قرار می‌دادند که چرا بعد از گل زنی به شادی پس از گل پرداختید؟! اما نسخه‌ی نهایی دشمن برای ایران و ایرانی

تجزیه کشور به تکه‌های از هم گسیخته بود که این را نیز به صراحت بر زبان جاری ساخت. دشمن به این نتیجه رسیده بود که تنها در صورت تجزیه ایران و فروپاشی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند اراده ایران را از بین ببرد.

اندکی از ختم غائله «زن، زندگی، آزادی» نگذشته بود که واقعه‌ای غیر قابل پیش بینی رخ داد. اتفاقی که تمام برنامه‌های دشمن را به کلی در هم ریخت و معادلات به گونه‌ای بسیار شگفت‌انگیز تغییر پیدا کرد. حماس دست به عملیات طوفان الاقصی زد! این واقعه از زوایای مختلف قابل بررسی است اما در این نوشتار تنها به بعد شناختی مساله می‌پردازیم.

غرب با در اختیار داشتن همه‌ی ابزارهای رسانه‌ای اما نتوانست مانع همراهی افکار عمومی با ملت مظلوم فلسطین گردد و امروزه شاهد تظاهرات میلیون‌ها انسان آزاده در سرتاسر جهان علیه اسرائیل و در حمایت از ملت قهرمان فلسطین برپا می‌گردد. در غزه حقیقتی خلق شد که بر رسانه غلبه کرد و رسانه را از دست دشمن گرفته و به ابزاری برای خود تبدیل کرد. به تعبیر رهبری معظم انقلاب، غزه میدان مبارزه حق و باطل است و ازینرو حقیقت در آشکارترین حالت خود نمود یافت، این است که هیچ رسانه‌ای نمی‌تواند امری به این شفافیت را وارونه جلوه بدهد.

حال دشمنان جمهوری اسلامی که هر چه در توان داشتند هزینه کردند تا مقدمات فروپاشی نظام را فراهم سازند، امروز شاهد فروپاشی اسرائیل می‌باشند. محور مقاومت به پشت‌گرمی جمهوری اسلامی ایران در حال پیشتازی است و دشمن را در حلقه‌ی مقاومت خود محاصره نموده است. در این شرایط یک چیز بیش از همه تعیین کننده است و آن اینکه اگر ایران به عنوان کانون محور مقاومت از استحکام درونی لازم برخوردار نباشد، شالوده‌ی محور مقاومت نیز متزلزل خواهد شد.

انتخابات همواره به عنوان مهمترین عامل میثاق ملی مطرح بوده است. اراده جمهوری اسلامی ایران تنها از طریق انتخابات است که شکل می‌گیرد و سررشته‌ی این اراده ملی، اراده آحاد ملت است. امروز این اراده توسط دشمن و برخی دوستان نارقیق مورد هجمه قرار گرفته است و موجب دلسردی مردم را فراهم می‌سازند. ایشان در صدد هستند انتخابات را نمایشی و حضور مردم را زینتی جلوه بدهند. دشمن در صدد است ابتدا در جنگ شناختی آنچه موجب تقویت ایران می‌شود را وارونه نشان داده و اجازه شکل‌گیری اراده‌ی ملی قدرتمند را ندهد. حال در این شرایط آنچه بیش از همه ضرورت دارد پیروزی در جنگ شناختی می‌باشد. جنگی که رهبری ماموریت آن را به مجاهدان عرصه تبیین سپرده‌اند.



اشاره:

از جمله مسائلی که رهبر معظم انقلاب درباره انتخابات مطرح کرده‌اند، افزایش مشارکت سیاسی است. برخی مینا را بر این قرار داده‌اند که با توجه به فرمایش مقام معظم رهبری مبنی بر افزایش مشارکت در انتخابات، فقاقت و نظارت را زیر سؤال ببرند و از شورای نگهبان بخواهند که در احراز صلاحیت‌ها قدری کوتاه بیاید تا از این طریق، مشارکت افزایش یابد! معنی دیگر این حرف این است که حضور افراد ناباب و فاسد هم می‌تواند مشارکت ایجاد کند! اما برای فهم بهتر مسأله لازم است تا قدری بیشتر بر روی موضوع مشارکت تمرکز کنیم. مشارکت در سه سطح مطرح می‌شود: سطح حکومتی، مردمی و نخبگان و احزاب. سطح حکومت نقش زمینه سازی داشته، سطح مردم نقش رأی دهنده‌گی و سطح نخبگان و احزاب، نقش پذیرش مسؤلیت و رسیدن به قدرت را دارد. بنابراین باید سهم هر یک از این سه دسته، در افزایش یا کاهش مشارکت سیاسی بررسی شود. کسانی که عموماً با در دست داشتن رسانه، حکومت یا مردم را محکوم می‌کنند و اینها را عامل کاهش مشارکت معرفی می‌کنند، بی‌بصیرت هستند.

چه کسانی می‌خواهند مردم نباشند؟!

تحلیلی کوتاه بر عوامل کاهش مشارکت سیاسی

علی خضریان

روابط خود با حکومت» است؛ این مسأله یک ویژگی عمومی برای تمامی احزاب دنیاست چراکه خواستار باقی ماندن در رأس قدرت هستند. کار ویژه دیگر نخبگان و احزاب، «میانجی‌گری بین مردم و حکومت» است. متأسفانه احزاب و نخبگان داخل ایران، همیشه حکومت را متهم می‌کنند و خوانشی رادیکال از مردم نسبت به حکومت، و از حکومت نسبت به مردم ارائه می‌دهند. یعنی بدگویی حکومت نزد مردم، و بدگویی مردم را نزد حکومت می‌کنند! در نتیجه مشارکت کاهش پیدا می‌کند. این همه هیئات، مساجد، نماز جمعه، اربعین، عید غدیر و... را نادیده گرفته و از مردم نزد حاکمان بدگویی می‌کنند. در نتیجه اعتماد حکومت را از مردم سلب می‌کنند. وظیفه ویژه مسئولین در ازای قدرتی که از حکومت دریافت می‌کنند،

مسئولیت پذیری و مشارکت سیاسی

از مهمترین شاخصه‌های مشارکت، مسؤلیت‌پذیری است. هم برای کسانی که خودشان مسؤلیتی را عهده‌دار هستند و یا افرادی را برای مسؤلیت‌پذیری معرفی می‌کنند، که ما در این بخش با وضعیت بدکار کردی، کج کار کردی، کم کار کردی یا بی‌کار کردی مواجه هستیم. از عوامل افت مشارکت مردمی می‌توان به کم کارکرد بودن یا بی‌کارکرد بودن مسئولین اشاره کرد. کلید مشارکت، اعتماد عمومی است. عدم مسؤلیت‌پذیری این اعتماد را از بین برده و زیر سؤال می‌برد.

وظایف احزاب و نخبگان

از جمله وظایف نخبگان و احزاب که باید مورد توجه قرار گیرد، «بازسازی

بازسازی اعتماد مردم و حکومت نسبت به یکدیگر است؛ نمی‌شود در قدرت بود و بر علیه قدرت عمل کرد! نمی‌شود در چارچوب قانون نماینده مجلس شد و بر علیه قانون عمل کرد و شورای نگهبان را متهم به کاهش مشارکت کرد.

اصلاً مشارکت به این موضوع ارتباط مستقیم ندارد، شاهد مثال این موضوع، مشارکت پایین مردم در انتخابات شورای شهر در زمان دولت اصلاحات بود با توجه به اینکه احراز صلاحیت‌ها با مجلس ششم و سردمداران دولت اصلاحات بود و آن طور که مطابق میلشان بود، مدیریت و چینش کردند و حتی افرادی از نهضت آزادی با رادیکال‌ترین شعارها نیز در آن دوره شرکت کردند اما با این حال، پایین‌ترین رقم مشارکت سیاسی در تاریخ انقلاب رقم خورد! بنابراین احراز صلاحیت نامزدها ارتباط مستقیمی با مشارکت سیاسی ندارد. مردم به عملکردها نگاه می‌کنند نه شعارها.

نفی سیاست ورزی رفاقتی

از جمله دیگر مواردی که مشارکت را افزایش می‌دهد و متأسفانه گروه‌های پر مدعا به آن توجه نمی‌کنند، تلاش جمعی برای نفی سیاست ورزی رفاقتی و فامیلی است. متأسفانه نخبگان و احزاب به این بیماری دچار شده‌اند و پاسخگوی مردم نمی‌باشند که فرایند گزینش نخبگان در احزاب به چه صورت است؟ مردم نمی‌دانند این لیست قم و تهران و اصفهان و... چطور و بر چه مبنایی گزینش شده‌است؟ وقتی مردم نمی‌دانند مرامنامه شایستگی چیست و شاخص‌ها کدام است، چرا باید مشارکت کنند و اینها را انتخاب کنند؟

حتی در مرتبه بالاتر و در کابینه و بدنه دولت، مردم نمی‌دانند این فرد چگونه وزیر یا معاون وزیر شده است؟ چرا مردم نباید بدانند؟ این توزیع مناصب و منافع را می‌بینند در حالی که انقلاب، انقلاب پابرهنگان بوده ولی پابرهنگان هیچگاه نقشی در مناصب نداشته‌اند. حال چرا باید پای صندوق رای بروند؟ آیا این مشکل حکومت است یا مشکل نخبگان که قدرت را در اختیار داشته‌اند؟ چرا باید فردی که کارشناس یک وزارتخانه است، به دلیل خویشاوندی با وزیر دیگری، به وزارت برسد؟

روش رهبری معظم انقلاب نسبت به خویشاوندان و نزدیکان خود در پذیرش مسئولیت‌ها در چهار دهه گذشته چگونه بوده است؟ آیا آنها را نهی نکردند که در امور سیاسی و اقتصادی ورود نکنند؟ آنها که داعیه انقلابی‌گری دارند چرا این مشی را در پیش نمی‌گیرند؟ بنابراین راهکار، اصلاح چرخه گردش نخبگان است. اگر طرفین در لیبیک به امام جامعه در مشارکت سیاسی صادق هستند، باید چرخه نخبگانی را اصلاح کنند. به جای اینکه به حکومت و مردم اتهام بزنند، باید سر خود را پایین گرفته و به نخبگانی و احزاب خود نگریده و ببینند آیا نزد مردم خریداری دارد؟

فعال شدن روندهای غیر مردم‌سالار علیه مردم‌سالار

فعال شدن روندهای غیر مردم‌سالار علیه مردم‌سالار از جمله مواردی است که به مشارکت سیاسی آسیب می‌زند. برخی سیاست‌پدرخواندگی را به جای سیاست حزبی و تشکیلاتی دنبال می‌کنند. ما از سال ۱۳۸۴

به بعد از منظر جامعه‌شناسی سیاسی ایران از دوگانه‌های چپ و راست و یا اصلاح طلب و اصولگرا در جامعه گذر کردیم یعنی اگر در آغاز انقلاب منازعات سیاسی بین خط امامی و مقابل آن شکل می‌گرفت، محور آن بحث قانون اساسی و نحوه مدیریت کشور و... بود و بعد از آن با حذف نیروهای مقابل خط امام از قدرت که به سمت کارهای تروریستی رفتند و مقابل شریعت ایستادند، دیگر با دوگانه چپ و راست رو به رو نبودیم و دهه هشتاد از آن عبور کردیم. در انتخابات سال ۸۴ هر دو گروه سیاسی اصولگرا و اصلاح طلبی، به نامزدهای نزدیک خود، تلاش کردند به یک نامزد واحد برسند.

اما امروزه الان سیاست‌پدرخواندگی به جای کار حزبی و تشکیلاتی همچنان گروه‌های سیاسی دچار بیماری مانند در گذشته هستند و در دوگانگی اصلاح طلب و اصولگرا بازی می‌کنند. وقتی نمی‌توانیم جامعه متکثر را با احزاب و تشکیلات متعدد نمایندگی کنیم تا پای صندوق رأی بیایند، درواقع داریم شریاطی را فراهم می‌کنیم که اصلاً عده‌ای در انتخابات شرکت نکنند! می‌توان اینگونه مثال زد، بازی آبی و قرمز راه انداخته‌اید در حالیکه اصلاً این دو تیم طرفدار ندارند.

آیا امروز گروه سیاسی پیروز انتخابات مجلس یازدهم، درباره عملکرد نامزدها پاسخگوست؟ آیا بررسی شده است که از میان این نمایندگان مجلس چه کسانی چه عملکردی داشته‌اند. بنابراین مسأله مشارکت منحصر در شورای نگهبان و احراز صلاحیت نبوده و یکی از مهم‌ترین وظایف، پاسخگو بودن در قبال کارها و مسئولیت خود می‌باشد که یکی از ویژگی‌ها و اصول مردم‌سالاری است. با این وجود چرا نخبگان و احزاب پاسخگو نمی‌باشند و همه مشکلات را بر سر حکومت می‌شکنند!

لزوم آگاهی بخشی سیاسی به جامعه

از عوامل دیگر در کاهش مشارکت سیاسی می‌توان به وجود آگاهی کاذب در جامعه سیاسی اشاره کرد. یعنی احزاب و نخبگان، عین سوت زن رفتار می‌کنند. آنجا که بخواهند ولو به دروغ برجسته می‌کنند و آنجا که بخواهند نادیده می‌گیرند. آگاهی بخشی سیاسی را در طول سال انجام نمی‌دهند و بعد انتظار دارند شب انتخابات، مشارکت سیاسی بالا برود! آگاهی بخشی سیاسی بدین معناست که احزاب باید اهداف و شیوه عمل خود را به جامعه نشان دهند اما متأسفانه به‌جای ایفای وظیفه خود و آگاهی‌بخشی درصد تخریب دیگران برمی‌آیند.

می‌توان گفت که احزاب به دو گونه رفتار می‌کنند؛ یا مصالح عمومی را مدنظر قرار داده و در مقابل عده قلیل دیکتاتور می‌ایستند و مصالح حزبی آنان را کنار می‌زنند و یا اینکه به دنبال رضایت طبقه خاصی، منافع عمومی را نادیده گرفته و فدا می‌کنند که نمونه‌های بسیاری از این پایمال کردن حقوق و منافع عمومی مردم را داشته‌ایم. بنابراین چندی از عوامل کاهش شرکت در انتخابات را ذکر کردیم و بیان شد وظیفه شورای نگهبان مبنی بر احراز صلاحیت ارتباط مستقیم به مشارکت و میزان آن نداشته و ادعای مشارکت بالا با کوتاه آمدن شورای نگهبان و عدم در نظر گرفتن مصلحت جامعه، توهمی بیش نبوده و استناد این ادعا به حرف رهبری معظم انقلاب، کاملاً اشتباه است.



اشاره:

پذیرش مسولیت‌های اجتماعی از سوی مردم در جامعه، نیاز به مقدماتی دارد. شاید قبل از هر چیز لازم باشد تا مردم، بر روی نقش و جایگاه خود بیش از پیش دقت کنند.

حضور مردم در عرصه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی، مبتنی بر علل و عوامل متعددی است که جا دارد به هر یک از آن عوامل به طور مجزا پرداخت اما به نظر میرسد مهمترین عاملی که نشان میدهد مردم تا چه میزان خود را در جامعه، مسئول می‌دانند، «فرهنگ» حاکم بر آن جامعه است.

این سخن بدین معناست که در عرصه‌هایی همچون انتخابات و سایر مسائل جاری در کشور، یک فرد چه مقدار فرهنگ مسولیت پذیری داشته باشد و خود را در قبال کشور و جامعه مسئول بداند و در مسائل متعدد جامعه، مشارکت داشته باشد.

به عنوان مثال ممکن است در جامعه‌ای، فردی به مشکلی برخورد کند و همه به او کمک کنند؛ گاهی هم برعکس، ممکن است در جامعه‌ای، فردی به مشکلی برخورد کند و سایرین بی‌اعتنا از کنار او عبور کنند.

در شکل‌گیری چنین فرهنگی بر جامعه، قطعاً عوامل متعددی همچون عوامل احساسی، عاطفی، سیاسی، شناختی و... موثر هستند. بنابراین مسولیت پذیری در جامعه عوامل متعددی دارد که میتوان به مهمترین آنها اینگونه اشاره کرد.

با «کم» شدن فاصله‌ها رأی‌ها «زیاد» می‌شود

مشارکت حداکثری در انتخابات از منظر جامعه‌شناسی

قاسم ابراهیمی پور

محبت و مهربانی، عامل انسجام اجتماعی

در آیه ۱۵۹ سوره آل عمران خداوند متعال می‌فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ»

در این آیه به رحمت و مهربانی پیامبر اکرم اشاره شده است. حاصل این محبت و رحمت چیست؟ همان طور که در متن آیه نیز بیان شده، حاصل این محبت و رحمت، «انسجام اجتماعی» است، به طوری که اگر غیر این

باشد، مردم و به تعبیر دقیق‌تر، امت اسلامی از اطراف پیامبر پراکنده می‌شوند. آیه چنین بیان می‌کند که پیامبر اسلام به گونه‌ای با دیگران برخورد می‌کردند که همواره مورد علاقه مردم بودند و محور تمام تحولات به شمار می‌رفتند.

محبت، مشارکت می‌آورد!

محبت و دلسوزی کارگزاران حکومت نسبت به مردم، موجب عمیق شدن پیوند بین آنها می‌شود. آنچه امروز تحت عنوان پیوند بین

دولت و ملت یا به تعبیر صحیح اسلامی آن، پیوند میان امام و امت از آن یاد میشود، از مهم‌ترین عوامل مشارکت مردمی است، به عبارت دیگر احساس تعلق امام و امت یا مسئولین با مردم عامل تعیین کننده مشارکت مردمی است. محبت هم دو دسته است: محبت پایدار و محبت ناپایدار.

محبتی پایدار است که فراتر از مسائل شخصی و حزبی و جنایی باشد. محبتی که پایدار باشد، ثمراتی همچون ایثار و گذشت و فداکاری و... را به دنبال خواهد داشت. اینکه مشاهده می‌کنید در جامعه‌ای مردم حاضر هستند دست به فداکاری بزنند و از جان و مال خود بگذرند، دلیلش این است که چون بین خود و جامعه فاصله‌ای نمی‌بینند و در واقع فاصله‌های اجتماعی بواسطه محبت، مودت و دلسوزی برطرف شده است. به عنوان مثال شخصیتی همچون شهید حاج قاسم سلیمانی بواسطه محبت و دلسوزی که بین او و مردم جامعه بوجود آمده، شهادتش نیز موجب باعث انسجام اجتماعی بیشتر میشود چراکه مردم بین خود و حاج قاسم، فاصله‌ای نمی‌بینند. مقام معظم رهبری که فرمودند «مکتب شهید سلیمانی»، یکی از ویژگی‌های این مکتب، همین نکته است که البته لازم است تا سایر مسئولین نیز از آن الگو بگیرند.

انتخاب درست در گرو شناخت درست

مسئله دیگری که از آیه ۵۹ سوره نساء به دست می‌آید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» اشاره به بُعد شناختی مسأله دارد یعنی مردم از روی شناخت، ایمان بیاورند به پیامبر و اطاعت کنند. اطاعت چه زمانی رخ می‌دهد؟ زمانی که فرد، با شناخت و آگاهی کامل کاری را انجام دهد؛ به تعبیر دقیق‌تر عمل صالح ریشه در معرفت و شناخت جامعه دارد، هنگامی جامعه می‌تواند عمل صالح انجام دهد و افراد صالح را به عنوان کارگزار انتخاب کند که فهم و شناخت خود را بالا ببرد. بنابراین انتخاب درست ما ریشه در شناخت صحیح ما دارد.

فاصله‌ها را کم کنیم...

در بحث همدلی بین مسئولین و مردم همان طور که در آیه ۱۵۹ آل عمران نیز بیان شد، این آیه دقیقا انگشت روی عواطف و احساسات جامعه گذاشته است، یعنی آیا بین مردم و مسئولین همدلی وجود دارد؟ و اگر وجود ندارد، دلیل آن چیست و عامل این تعلق چه می‌باشد؟

اگر مسئولین طبقه جدایی از مردم باشند و جامعه مبتلا به اختلاف طبقاتی شود، این همدلی و محبت از بین میرود. پس نکته اصلی این است که شناخت کافی به علاوه انگیزه، در کنار هم، یک مشارکت خوب را رقم می‌زنند.

منظورمان از انگیزه، همدلی و همراهی است که این مسأله، خود مهم‌ترین عامل در انسجام اجتماعی محسوب می‌شود. دلیلش هم روشن است، چراکه همدلی بسیاری از مشکلات جامعه را حل می‌کند؛ درست است که جامعه قانون و حقوق و تکالیف و غیره دارد و به کمک این موارد، مشکلات جامعه تا حدی مرتفع می‌شود اما این امر به تنهایی، ایده‌آل و مطلوب نیست، ما به دنبال سطح بالاتری از جامعه هستیم که عبارت است از جامعه اخلاق مدار.

خوف و رجاء و تکلیف

از آیات مطرح شده، سه مولفه اساسی نسبت به حضور حداکثری و مشارکت در جامعه به دست می‌آید که این سه مولفه عبارت است از: خوف و رجاء و تکلیف، ترس از مشارکت و با ترس از عدم مشارکت، با همدلی و همراهی، خیلی بهتر خود را نشان میدهد.

یعنی گاهی اوقات فردی دوست دارد در انتخابات شرکت کند تا فرد مورد نظرش انتخاب شود و یا اینکه می‌ترسد فرد مورد نظرش انتخاب نشود و یا گاهی بر خود تکلیف می‌داند که شرکت کند، اگر آن همدلی در اینجا باشد، مشارکت خیلی بهتر اتفاق می‌افتد و مردم صرف اینکه یک منفعتی و لذتی برای آنها دارد، مشارکت نمی‌کنند و تحت هر شرایطی حتی اگر در مواقعی شرایط اقتصادی هم مطلوب نباشد، باز شرکت می‌کنند و این همدلی نیازمند پر شدن فاصله بین مردم و مسئولین و پرهیز از اشرافی‌گری مسئولین است.

بنابراین آنچه در درجه اهمیت بالا قرار دارد، انسجام اجتماعی است؛ انسجام اجتماعی با همدلی، محبت، دلسوزی و ارتقای شناخت و فهم نسبی اجتماعی رخ می‌دهد؛ در نتیجه شاهد حضور و مشارکت بالای مردم نیز خواهیم بود.





مجلس یازدهم و گلوگاه‌های فساد و تورم

نگاهی گذرا به عملکرد
مجلس یازدهم از
منظر نماینده‌ای انقلابی

سید محمود نبویان

بخشی از قوانین اقتصادی:

مجلس یازدهم در قوانین اقتصادی دو نکته را مورد توجه قرار داده است: نخست آنکه در کوتاه مدت بتواند مشکل اقتصادی مردم را حل کند. دوم اینکه در بلند مدت بتواند ریل‌گذاری کند. در اقدامات بلند مدت، آثار آن پس از چند ماه ظاهر می‌شود مانند کنترل نقدینگی که یکی از عوامل اصلی تورم است. در دولت آقای روحانی این تورم، افسارگسیخته بود اما در دولت فعلی از ۴۵ درصد به ۲۵ درصد کاهش یافته اما ثمره آن در کوتاه مدت در سفره مردم ظاهر نشده است. این از قوانین بلند مدت است.

قوانین کوتاه مدت

اما قوانین کوتاه مدت، شامل این عناوین کلی است: مشکل مسکن، خودرو، ارز، معیشت و سلامت مردم.

فواید قانون‌گذاری

قانون‌گذاری نوعی ریل‌گذاری و دادن مجوز برای فعالیت‌های گوناگون دولت در مرحله اجراست. لذا قانون از این جهت اهمیت می‌یابد. توجه کنیم که هر سال اول فرودین دولت باید حقوق کارمندان را بدهد. اگر در انتهای سال قبل، لایحه بودجه تصویب نشود، دولت حق ندارد به جایی یک ریال پرداخت کند.

آیا مجلس یازدهم به عنوان مجلس انقلابی، فعالیتی در حوزه قانون‌گذاری داشته یا خیر؟ سؤال مهمی است که پاسخ آن در ادامه می‌آید.

مجلس یازدهم و قانون‌گذاری

در یک تقسیم‌بندی قوانین مجلس یازدهم را به دو دسته می‌توان تقسیم کرد: اقتصادی و غیر اقتصادی.

خودرو

امروز در مساله خودرو دو موضوع کیفیت و قیمت مطرح است. یکی از علل گرانی خودرو، انحصار تولید خودرو در کشور است. مجلس قانونی وضع کرده که واردات خودرو صورت بگیرد تا این انحصار شکسته شود. همچنین قانون واردات خودروهای کارکرده زیر پنج سال تصویب شده است. هرچه خودرو بیشتر عرضه شود، قیمت‌ها کاهش می‌یابد. البته شاید یک ماه اخیر مقداری افزایش قیمت داشتیم، اما در شش ماه اول ۱۴۰۲ تقریباً ثبات و بلکه در مواردی کاهش قیمت داشتیم.

ارز و معیشت

در حوزه معیشت، یکی از مشکلات، مربوط به قیمت ارز است. امروز ارز چند قیمتی وجود دارد. قبلاً ارز ۴۲۰۰ داشتیم، امروز ارز ۲۸۵۰۰ و ۳۴۰۰۰ تومان داریم و ارز بازار آزاد که حدود ۵۵۰۰۰ تومان است.

اگر چند قیمت داشته باشیم، خود عامل فساد است. همیشه اینگونه بوده است. فرد از مراکز دولتی ارز ۴۲۰۰ یا ۲۸۵۰۰ دریافت می‌کند اما واردات انجام نمی‌دهد بلکه بخشی از آن را در بازار آزاد بالاتر از ۵۰ هزار تومان می‌فروشد. از طرف دیگر صادرکنندگان بخش خصوصی مانند پتروشیمی‌ها و فولاد، ارز آوری دارند. خوب هرچه قیمت بیشتر باشد، به نفع اینان است تا ارز خود را بفروشند. این موجب آثار و تبعاتی می‌شود و فشار نهایی آن به مردم وارد می‌شود. ما باید قیمت ارز را تک نرخی کنیم تا جلوی این فساد را بگیریم. مجلس یازدهم قانونی را مصوب کرد که به چند مورد آن اشاره می‌کنم:

۱: الزام دولت به ارائه کالا برگ الکترونیکی بر مبنای قیمت‌های شهریور ۱۴۰۰. امروز چند ده میلیون نفر از این خدمت استفاده می‌کنند. این امر البته شامل کالاهای اساسی است: گوشت و برنج و روغن و... به قیمت افزایش حقوقی که دولت برای کارمندان دارد، به همان میزان کالا برگ هم افزایش می‌یابد.

۲: دولت موظف به ثبت نام جدید متقاضیان یارانه شده است.

۳: دولت باید سهام عدالت را برای تمامی جاماندگان عرضه کند.

۴: معافیت کالاهای پرمصرف سبد تغذیه خانوار از مالیات بر ارزش افزوده. کالاهای اساسی که وارد می‌شود، مالیاتی از این کالاهای اساسی می‌گیرد. هرچه مالیات بیشتر باشد، قیمت بازار افزایش می‌یابد. دولت موظف شده مالیات این کالاهای اساسی را کاهش دهد.



مسکن

مجلس یازدهم در زمینه مسکن سه قانون مهم را تصویب کرد. یکی از آنها هر ساله و بلکه چند سال آینده را پوشش می‌دهد، قانون جهش تولید مسکن. ساخت یک میلیون مسکن که دولت موظف شده انجام دهد، به دلیل مصوبه مجلس است. دوم اینکه مسکن زیادی وجود دارد که عرضه نشده‌اند. بانک‌ها مسکن‌هایی تولید کرده‌اند که به بازار عرضه نکرده‌اند. مجلس قانون مالیات بر خانه‌های خالی را مصوب کرد. اگر دولت این قانون را درست اجرا کند، سه میلیون مسکن وارد بازار خواهد شد و این امر، قیمت مسکن و اجاره‌بها را کاهش می‌دهد. نکته سوم مسأله اجاره‌بهای مسکن است. مجلس قانون کنترل اجاره‌بهای مسکن را تصویب کرد. دولت نیز ورود کرد و ثمرات آن کم‌کم ظاهر می‌شود.





با توجه به پیروی جمعیت کشور و هشدارهای سازمان‌های جهانی و داخلی و... باید برای ازدواج و مشوق‌های آن زمینه سازی کرد تا تشکیل خانواده و فرزند آوری بهتر صورت پذیرد. بخشی از این اقدامات عبارتند از: افزایش وام ازدواج به ۴۰۰ درصد، فروش بدون قرعه کشی خودرو پس از تولد فرزند دوم به مادر، کاهش یکسال سن بازنشستگی مادر به ازای تولد هر فرزند و...

ناظر به همین است و مقام معظم رهبری فرمودند این قانون کشور را از سرگردانی نجات داد.

دو: قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت. با توجه به پیروی جمعیت کشور و هشدارهای سازمان‌های جهانی و داخلی و... باید برای ازدواج و مشوق‌های آن زمینه سازی کرد تا تشکیل خانواده و فرزند آوری بهتر صورت پذیرد. بخشی از این اقدامات عبارتند از: افزایش وام ازدواج به ۴۰۰ درصد، فروش بدون قرعه کشی خودرو پس از تولد فرزند دوم به مادر، کاهش یکسال سن بازنشستگی مادر به ازای تولد هر فرزند. بیمه شدن درمان ناباروری تا نود درصد هزینه‌ها، ارائه رایگان سید تغذیه و بسته بهداشتی به مادران باردار و دارای فرزند، بیمه رایگان مادران خانه‌دار روستایی و عشایری دارای سه فرزند و بیشتر، پوشش بیمه‌ای خدمات سلامت زنان، دورکاری و اختیاری بودن شیفت شب برای مادران باردار یا دارای فرزند شیرخوار شاغل. بخشی از این مصوبات در حال اجراست.

سه: تصویب لایحه عفاف و حجاب. این لایحه در مجلس مصوب شده و در مرحله نهایی شورای نگهبان است و اشکالات آن برطرف شده است.

سلامت

دولت در بخش سلامت اقدامات بسیار خوبی انجام داده است. از هفتصد فوتی کرونا در روز، ظرف اندک زمانی به صفر رسید. مجلس در راستای سلامت جامعه قوانینی نیز وضع کرد:

یک: تمام افراد فاقد بیمه کشور که سه دهک پایین جامعه هستند، دولت موظف است آنها را رایگان بیمه کند. برخی افراد خودشان حق بیمه ۵۰۰ و ۷۰۰ هزار تومان پرداخت می‌کنند. دولت بر اساس قانون مجلس، سه تا پنج میلیون نفر را رایگان بیمه کرده است.

دو: صندوق حمایت از بیماران خاص و صعب‌العلاج.

سه: پرداخت نود درصد هزینه‌های درمان برای ناباروری.

چهار: اختصاص یک درصد برای سلامت، از ۹ درصد مالیات بر ارزش افزوده.

قوانین بلند مدت

بخشی از این قوانین سیاسی، فرهنگی و اقتصادی است.

یک: قانون اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها. ایران تعهدات خود را در زمینه هسته‌ای به طور کامل انجام داده است اما آنها هیچ تحریمی را برنداشتند بلکه تحریم‌ها را افزایش نیز دادند. مجلس، دولت را موظف کرد این جاده یک‌طرفه را تعطیل کند و متناسب با انجام تعهدات، ایران به تعهدات خود عمل کند. قانون اقدام راهبردی





باید انجام می‌شد و این مجلس آن را مصوب کرد. مالیات‌ها و راهکارهایی در نظر گرفته شده تا نتوانند سراغ سفته بازی روند.

هفت: اصلاح ساختار بانکها. یکی دیگر از مشکلات اساسی ما بانکها هستند. اولاً بانکها بنگاهداری می‌کنند. بانک چرا باید سراغ مسکن‌سازی برود؟ بانک‌هایی داریم که پنج هزار مسکن به اسم آنهاست. بانک چرا باید هلدینگ سیمان یا پتروشیمی داشته باشد؟ می‌گوییم چرا وام نمی‌دهید؟ می‌گویند داریم وام می‌دهیم. به کجا؟ به همان کارخانه‌ای که زیر نظر خود اوست! وقتی با کسری بودجه مواجه شوند هم خلق پول می‌کنند! لذا قانون اصلاح ساختار بانک مرکزی مصوب شده تا نظارت بر بانکها را قوی کند. در برنامه هفتم که امسال مصوب شده، بانکها به سه دسته سالم، غیرسالم قابل احیا و غیر سالم غیر قابل احیا تقسیم شده‌اند و دولت موظف شده بخش سوم را حذف کند.

هشت: مبارزه با قاچاق کالا و ارز. درباره قاچاق در مجلس قبل اقداماتی انجام شده بود، اما در این مجلس به تصویب نهایی رسید.

نه: قانون مانع زدایی از صنعت برق. یکی از مشکلات اساسی کشور، کمبود تولید برق بود. بیشتر برق توسط بخش خصوصی تولید می‌شود و دولت آنها را موظف می‌کند که کمتر عرضه کنند. مابه‌التفاوت را باید دولت بپردازد اما دولت متأسفانه پرداخت نمی‌کرد. در دولت فعلی بدهی صفر شده اما کافی نیست، باید در تولید برق مشوق‌هایی داشته باشیم که خود البته ابعاد مختلفی دارد.

چهار: قانون تشکیل سازمان پدافند غیر عامل. به عنوان نمونه اخیراً طی یک حمله سایبری به پمپ بنزین‌ها، مشکل ارائه بنزین پیدا کردیم. بنابراین وجود سازمان پدافند غیر عامل ضروری است تا تمام نهادها را در این زمینه، مصونیت‌سازی کند.

پنج: اصلاح ساختار بودجه. اشکالاتی که در بودجه‌ریزی دولت‌ها وجود دارد، و دولت فعلی نیز دچار آن است، و بخشی از تورم اقتصادی ناشی از آن است، بخاطر ناترازی منابع و مصارف است که منوط به رفع آن و اصلاح بودجه است. مثلاً هزینه‌ها و مخارج یک پدر خانواده، باید متناسب با درآمد باشد. اگر کسری داشته باشد باید قرض کند. دولت در اینگونه موارد، خلق پول می‌کند یعنی تورم. هرچه پول بدون پشتوانه از بانک مرکزی می‌گیرد، هشت برابر نقدینگی و تورم ایجاد می‌کند. اینکه چرا هشت برابر است خود دلیل دیگری دارد لذا باید ساختار بودجه به گونه‌ای تنظیم شود که از ناترازی خارج شود. مجلس قوانینی را در این راستا وضع کرده است.

شش: جلوگیری از سوداگری و سفته بازی بوسیله دلال‌ها؛ آنچه بر ۹۹ درصد جامعه ما تأثیرگذار است و ناگهان قیمت مسکن، ارز، خودرو و طلا را افزایش می‌دهد، همین مسأله است. بنگاه‌ها نقش ایفا می‌کنند، نقدینگی در دست عده‌ای خاص است و ناگهان آن را وارد بازار مسکن و خورد و ارز و طلا می‌کنند بنابراین قیمت‌ها افزایش پیدا می‌کند. قوانینی برای جلوگیری از این سوداگری باید وضع شود. تصویب این قوانین چهارده سال پیش



می‌شوند. درآمدها محدود می‌شود و... اما مجلس مقاومت کرد و این قانون را مصوب کرد و دولت نیز در اجرا کوتاهی نکرد و یک میلیون و چهارصد مجوز تابلحال صادر کرده است.

اگر بتوانیم همه مجوزها را به این صورت صادر کنیم خیلی مسائل دیگر نیز رفع می‌شود. از طرفی دیگر برای اشتغال استان‌ها، در سال ۱۴۰۰، مبلغ ۲۰ هزار میلیارد تومان در نظر گرفته شده است. در بودجه ۱۴۰۱ صد هزار میلیارد اختصاص داده شده است. در ۱۴۰۲ صد و هشتاد هزار میلیارد دلار مصوب شده است.

سیزده: قانون نقل و انتقال سوابق بیمه.

چهارده: بیمه کارگران ساختمانی.

پانزده: خرید تضمینی محصولات کشاورزی به ویژه گندم.

شانزده: اصلاح قانون مالیات ارزش افزوده در کالاهای اساسی و کاهش آن به یک درصد برای حمایت از تولید ملی.

هفده: کارکنان شرکتی که کمتر از کارمندان دولت حقوق می‌گیرند.

هجده: افزایش حقوق سربازان به میزان دوازده برابر.

قوانین دیگری نیز وجود داشت که به تفصیل می‌انجامد.

هفده: از جمله مواردی که به طور جدی در داخل کشور مشکل داشتیم، مربوط به جامعه نخبگانی بود. نخبگان نباید مهاجرت کنند. وقتی نخبگان داخل کشور باشند، صنعت و کشاورزی و بهداشت و... همگی رشد می‌کند. مانند صنعت موشکی که با فکر نخبگانی رشد کرده است. این مهاجرت نخبگان نیازمند قانونی بود که در این مجلس مصوب شد و بسیار مهم بود، قانون تولید دانش بنیابین. این قانون جلو فرار نخبگانی را می‌گیرد و اهداف این قانون حمایت از نخبگان، کمک به توسعه فعالیت‌های شرکت‌های دانش بنیان، مقابله با آثار سوء تحریم‌های کالاهای مرتبط و حمایت مالی دولت از تولید است.

یازده: رتبه بندی معلمان. بعد از یازده سال این قانون به تصویب رسید.

دوازده: تسهیل در صدور مجوزهای کسب و کار. یکی از مسائل مهم در بخش کسب و کار و اشتغال، مربوط به صدور مجوزهاست. یکی از ابعاد این است که اگر کسی بخواهد مجوز کارگاه بگیرد، باید صدها امضا بگیرد و بعضی موارد نیاز به امضای طلایی و دادن رشوه دارد. وقتی این کار به صورت الکترونیک انجام شود، دیگر این موانع از سر راه برداشته می‌شود. ابتدا خیلی مخالفت شد. در بررسی‌های کمیسیون، مسؤل آن صنف اجازه نمی‌داد و در سامانه اطلاعات مورد نیاز را نمی‌داد. می‌گفتند ما به کاغذ عادت کرده‌ایم. کارمندان بیکار



وقتی نخبگان داخل کشور باشند، صنعت و کشاورزی و بهداشت و... همگی رشد می‌کند. مانند صنعت موشکی که با فکر نخبگانی رشد کرده است.





دولت سیزدهم در مسیر تعالی

- تولید ۶۳۲ هزار تن آلومینیوم در سال ۱۴۰۱ با رشد بیش از ۱۲ درصدی نسبت به سال ۱۴۰۰

- تولید سیمان با حدود ۶۳.۲ میلیون تن سیمان در سال ۱۴۰۱
- تولید یک میلیون و ۲۴۲ هزار دستگاه انواع خودرو در سال ۱۴۰۱ و تکمیل ۱۰۵ هزار خودروی ناقص اول دوره سال ۱۴۰۱ با نرخ رشد ۳۹ درصدی نسبت به سال قبل از آن
- علی رغم وجود تحریم‌های ظالمانه، ایران رتبه ۱۴ تولید خودرو در دنیا را در سال ۲۰۲۲ میلادی کسب کرده و در بین ۲۰ کشور برتر تولید کننده خودرو در جهان، بیشترین رشد تولید را نسبت به سال ۲۰۲۱ داشته است.

بخش غلات اساسی کشاورزی

- رشد ۲۲ درصدی تولید غلات اساسی کشاورزی (گندم، جو، برنج سفید و ذرت دانه‌ای)
- افزایش ۲۵ درصدی تولید محصولات دیم کشور
- افزایش ۱۰۳ درصدی خرید تضمینی گندم و دست‌یابی به خرید حدود ۱۰ میلیون تن گندم تضمینی تولید داخل
- افزایش ۴۳۸ درصدی سطح زیر کشت قراردادی گندم

بخش انرژی

- افزایش به طور متوسط ۷ درصدی تولید گاز خام از میدان پارس جنوبی
- دستیابی به فروش ۲ میلیون بشکه نفت در روز آن‌هم در شرایط تحریم در حالی که با فروش ۲.۴ میلیون بشکه‌ای قبل از تحریم‌ها فاصله چندانی باقی نمانده است

بخش اشتغال‌زایی

- پرداخت بیش از ۱۰۰ همت تسهیلات اشتغال‌زایی در بخش‌های مختلف صنعت، کشاورزی و خدمات
- اجرای طرح کارورزی دانش‌آموختگان دانشگاهی و برقراری ۷۲۶۹ معافیت و مشوق بیمه کارفرمایی افزایش ۱۰ درصد اشتغال‌پذیری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی
- تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار
- حذف زمینه‌های سو استفاده و ایجاد فساد در دستگاه‌های صادرکننده مجوز کسب و کار

از مهمترین اقدامات و برنامه‌های دولت در دو سال گذشته می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: رشد ۴ درصدی تولید در دو سال پیاپی، کاهش نرخ بیکاری به ۸.۲ درصد، رونق بی‌سابقه تجارت کشور، افزایش تولید نفت و گاز و حل کامل مشکل باقی مانده ۸۷ میلیون بشکه میعانات روی آب، برنامه‌ریزی برای حل ۲۲ هزار مگاوات ناترازی برق، تدبیر دولت برای رفع تنش آبی و حل مشکل ۳۵۰۰ روستا، افزایش تولید گاز برای کاهش ناترازی در بخش گاز، برنامه‌ریزی برای اصلاح نظام بانکی، کاهش رشد نقدینگی از ۴۰ درصد به ۲۷ درصد، تمرکز بر روی اصلاح نظام و ساختار بودجه، افزایش ۱۵ هزار تخت بیمارستانی از ابتدای دولت، پوشش فراگیر بیمه سلامت، رشد کمی و کیفی شرکت‌های دانش‌بنیان، افزایش ۵۹ درصدی مدال‌آوری جوانان ورزشکار کشور، فعال شدن سامانه‌های شفافیت برای پیشگیری از بروز فساد، ورود ۸ میلیون گردشگر خارجی به کشور، بیش از ۱۰ میلیون تن خرید تضمینی گندم، هدف‌گذاری تولید ۱.۷ میلیون خودرو تا پایان سال، پیگیری مذاکرات رفع تحریم و در عین حال دنبال کردن سیاست همسایگی، حضور در ائتلاف‌های بزرگ جهانی و بازگرداندن اموال ملت ایران در کشورهای مختلف و...

در بخش تولید

- افزایش تولید محصولات پتروشیمی به سطح ۶۸ میلیون تن در سال ۱۴۰۱ با رشد ۵ درصدی نسبت به سال ۱۴۰۰
- تولید انواع تلویزیون بیش از ۱.۹۸ میلیون دستگاه در سال ۱۴۰۱ با رشد ۳۲ درصدی نسبت به سال ۱۴۰۰
- تولید یخچال فریزر بیش از ۲.۷ میلیون دستگاه در سال ۱۴۰۱ با رشد حدود ۸ درصدی نسبت به سال ۱۴۰۰
- تولید ماشین لباسشویی ۱.۶۶ میلیون دستگاه در سال ۱۴۰۱ با رشد حدود ۴ درصدی نسبت به سال ۱۴۰۰
- تولید ۳۰ میلیون تن فولاد خام در سال ۱۴۰۱ با رشد بیش از ۷ درصدی نسبت به سال ۱۴۰۰
- تولید ۲۲ میلیون تن محصولات فولادی در سال ۱۴۰۱ با رشد بیش از ۱۲ درصدی نسبت به سال ۱۴۰۰

صادرات تجهیزات بومی فاوا به ۴ کشور توسط بخش خصوصی با حمایت‌های صورت گرفته دولت

- ورود شرکت‌های جدید به حوزه صادرات محصولات فاوا
- خدمات فنی و مهندسی انعقاد قرارداد پالایشگاه ال‌پالیتو با ونزوئلا به ارزش ۱۱۰ میلیون یورو

- انعقاد قرارداد تعمیرات اساسی و تکمیل بندر نفتی حوزه ونزوئلا به ارزش ۶۴ میلیون دلار
- انعقاد قرارداد بازسازی و نوسازی واحد آمونیاک مجتمع پتروشیمی آنا ماریا کامپوس ونزوئلا به ارزش ۸۳ میلیون دلار
- انعقاد قرارداد ریکواری کامل تله‌متری ایستگاه‌های گاز ونزوئلا به ارزش ۵۸ میلیون دلار

تأمین مالی دولت

- اصلاح فرایند دریافت حقوق دولتی معادن افزایش بیش از دو برابری درآمدهای وصولی حقوق دولتی معادن در دو سال ابتدای دولت سیزدهم از حدود ۱۹ همت در سال ۱۴۰۰ به بیش از ۳۸ همت در سال ۱۴۰۱

- جهش درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت خام، میعانات گازی، گاز صادراتی، فرآورده‌های نفتی و محصولات پتروشیمی به گونه‌ای که مجموع درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت خام، میعانات گازی، گاز طبیعی، فرآورده‌های نفتی و محصولات پتروشیمی در سال ۱۴۰۱ نسبت به سال‌های ۱۳۹۹ معادل ۲۷۸ درصد افزایش یافته است.

- وصول درآمدهای حاصل از صادرات گاز از ۱ میلیارد دلار در کل سال ۱۳۹۹ به ۴/۷ میلیارد دلار در کل سال ۱۴۰۰ و ۸ میلیارد دلار سال ۱۴۰۱ رسیده است.

- در سال ۱۴۰۱ قریب به ۹۰۰ هزار میلیارد تومان توسط وزارت نفت در قالب تبصره ۱ و تبصره ۱۴ منابع مالی برای دولت تأمین شده است که یک رکورد تاریخی محسوب می‌شود.

- رشد درآمدهای مالیاتی رشد ۵۴ درصدی درآمدهای مالیاتی در سال ۱۴۰۱ نسبت به سال ۱۴۰۰ با تحقق ۱۰۴ درصدی نسبت به مصوبات قانون بودجه ۱۴۰۱

- وصول بالغ بر ۴۷۲ همت درآمدهای مالیاتی در سال ۱۴۰۱ با تمرکز بر گسترش پایه‌های مالیاتی

- تسویه بدهی‌های دولت تسویه مبلغ ۳۰۴ همت اصل و فرع اوراق دولتی (از ابتدای شهریور ماه سال ۱۴۰۰ تا تیرماه سال ۱۴۰۲)

اصلاح نظام مالیاتی

- کاهش فرار مالیاتی و افزایش مودیان جدید از ۲۰۹ میلیون به ۵۵ میلیون نفر
- رشد ۵۴ درصدی نسبت به سال ۱۴۰۰ با تحقق ۱۰۴ درصدی نسبت به مصوبات قانون بودجه ۱۴۰۱

- وصول بالغ بر ۴۷۲ همت درآمدهای مالیاتی در سال ۱۴۰۱ با تمرکز بر گسترش پایه‌های مالیاتی

- اصلاح فرایندهای گمرکی
- کاهش ۴۰ درصدی تعداد بخش‌نامه‌های اجرایی در چهار ماهه سال ۱۴۰۲ نسبت به مدت مشابه

- باز مهندسی فرایندهای اجرایی انتخاب فعالان اقتصادی برگزیده گمرکی و تسهیلات قابل ارائه به آنها در چارچوب دستورالعمل ابلاغی جدید

- برگزیده شدن بیش از ۶۸۰ شرکت‌های فعال اقتصادی اعم از شرکت‌های بزرگ، متوسط و کوچک با دامنه فعالیت‌های مختلف اعم از تولیدی‌ها، دانش بنیان بازرگانی

بورسی

- حذف تأثیر سلابی شخصی مأموران دولتی و بخش عمومی در صدور مجوزها
- صدور مجوزهای ثبت‌محور ظرف مدت ۳ روز و به‌صورت کاملاً الکترونیکی
- شفافیت اطلاعات مجوزها و ایجاد شناسه یکتای مجوزها و بانک اطلاعات کسب‌وکار.

در بخش حمایت از بنگاه‌های اقتصادی مشکل‌دار و احیای ظرفیت‌های غیر فعال

- فعال‌سازی حدود ۱۰۰۰ فقره از معادن و بازگشت به چرخه در سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱

- فعال‌سازی معادن کوچک منطقه پس از احداث کارخانه ۱۳۰ هزار تنی کنسانتره مس در استان کرمان

- پیگیری برای تعیین تکلیف ۸۰۰۰ واحد با وضعیت نامشخص یا غیرفعال
- باز فعال‌سازی ۱۷۵۷ واحد راكد در سال ۱۴۰۱ و تعداد ۱۱۹۳ واحد در سال ۱۴۰۰

- کاهش بنگاه‌های اقتصادی مشکل‌دار از ۹۹۴ بنگاه به ۸۰۹ بنگاه در دو سال اخیر
- افزایش بیش از دو برابری حمایت از بنگاه‌های اقتصادی.

در حوزه سرمایه‌گذاری و تأمین مالی تولید

- افزایش ۴۵/۳ درصدی تسهیلات پرداخت شده شبکه بانکی کشور به بخش‌های مختلف اقتصادی در سال ۱۴۰۱ نسبت به سال ۱۴۰۰

- پرداخت ۶۱/۶ درصد از کل تسهیلات پرداختی جهت تأمین مالی سرمایه در گردش واحدهای تولیدی

- تسهیلات پرداختی بانک‌ها طی سه ماهه سال ۱۴۰۲ معادل ۹۲۱۳/۵ هزار میلیارد ریال می‌باشد که ۸۵/۲ درصد آن به صاحبان کسب و کار (حقوقی و حقیقی) و ۱۴/۸ درصد آن به مصرف‌کنندگان نهایی (خانوار) تعلق گرفته است.

- اختصاص کمک بلاعوض به مبلغ ۲۹,۷۰۰ میلیون ریال جهت توسعه تعاونی‌های فراگیر ملی و سهامی عام

- پرداخت مبلغ ۴۱۰,۰۰۰ میلیارد ریال تسهیلات هدفمند به فعالان بخش تعاون از ابتدای دولت سیزدهم تا پایان اسفند ۱۴۰۱

- میزان کل تسهیلات پرداختی به بخش کشاورزی در پایان آبان ۱۴۰۰ بالغ بر ۸۷ هزار میلیارد تومان بوده که این میزان در پایان آبان ۱۴۰۱ به ۱۵۷ هزار میلیارد تومان رسیده است.

- میزان گرامت پرداختی به کشاورزان در سه سال آخر دولت دوازدهم مجموعه ۱,۷۳۸ میلیارد تومان بوده که - این میزان در سال دوم دولت سیزدهم به ۳,۲۷۳ میلیارد تومان رسیده است.

در بخش صادرات

- تحقق رکود صادرات ۵۳ میلیارد دلاری در پایان سال ۱۴۰۱
- افزایش ۱۰ درصدی ارزش صادرات کشور در سال ۱۴۰۱ (بالغ بر ۵۳ میلیارد دلار)

- افزایش ۲۰ درصدی تجارت با کشورهای حوزه اتحادیه اوراسیا
- صادرات دارو به کشورهای ترکیه، سوریه، ونزوئلا، کوبا، روسیه و...

- افزایش ۲۰۰ درصدی صادرات نفت خام و میعانات گازی در طی دولت مردمی
- افزایش صادرات و مصارف داخلی میعانات گازی، تمامی میعانات گازی شناور روی آب کشور که در ابتدای دولت به ۸۷ میلیون بشکه بالغ می‌شد، به فروش رسیده است.

- افزایش ۲۵ درصدی صادرات گاز طبیعی با در نظر گرفتن سوآپ

در بخش صادرات خدمات فنی مهندسی

- حمایت از صادرات محصولات بومی حوزه فاوا و کمک به بازاریابی و انجام

بهبود عملکرد بازار سرمایه

- الکترونیکی نمودن فرایندهای بازار سرمایه برگزاری الکترونیکی ۷۵ مجمع که برگزاری مجمع الکترونیکی در سال ۱۴۰۱ جمعاً ۵۷ مجمع بوده است.

- پرداخت الکترونیکی سود مجامع از طریق سامانه شرکت سپرده گذاری مرکزی اوراق بهادار و تسویه وجوه (سامانه دیما) به گونه‌ای که واریز سود جاری ۵۹۱,۱۷۸,۷۵۰ سهامدار از ۵۱۴۴ ناشر که شامل ۶۶ هزار و ۷۳۸ میلیارد و ۷۰۹ میلیون تومان می‌شود.

- افزایش ۳۳.۵ درصدی ارزش بازار در سال ۱۴۰۱

- انحصارزدایی و تسهیل در فرآیند صدور مجوز نهادهای مالی و افزایش تعداد صندوق‌های سرمایه گذاری دارای مجوز فعالیت از ۲۹۱ به ۴۰۲

- افزایش تعداد شرکت‌های سرمایه گذاری و شرکت‌های مادر (هلدینگ) دارای مجوز فعالیت از ۲۳۱ به ۲۸۱

- افزایش تعداد شرکت‌های کارگزاری دارای مجوز فعالیت از ۱۰۸ به ۱۱۵ بخش کنترل رشد نقدینگی

- روند کاهشی رشد دوازده ماهه نقدینگی در سال ۱۴۰۱

- نرخ رشد نقدینگی از ۳۹ درصد در پایان سال ۱۴۰۰ به ۳۱.۱ درصد در پایان سال ۱۴۰۱ کاهش یافته است.

- نرخ رشد ۱۲ ماهه نقدینگی در پایان تیرماه ۱۴۰۲ با ۹.۹ واحد درصد کاهش نسبت به دوره مشابه سال قبل از ۳۷.۴ درصد در تیرماه ۱۴۰۱ به ۲۷.۵ درصد در تیرماه ۱۴۰۲ رسیده است.

حوزه توسعه زیرساخت‌ها و امور زیربنایی کشور

- تامین زمین برای اجرای قانون تامین زمین برای ساخت ۱۸۳۸۹۷۴ واحد مسکونی

- نوسازی و بهسازی بافت‌های فرسوده شهری و شروع عملیات اجرایی ۱۲۴۱۵۴ در بافت‌های فرسوده شهری

- پرداخت تسهیلات به پروژه‌های خود مالکی و انعقاد قرارداد با بانک برای پرداخت تسهیلات ساخت مسکن به اشخاص دارای زمین به ازای هر واحد مسکونی (خود مالکی) به تعداد ۱۱۹۵۷۹ واحد مسکونی

- نوسازی و بهسازی مسکن روستایی و شروع عملیات اجرایی ۲۹۵۳۱۹ در مناطق روستایی

- زمین‌های دولتی واگذار شده به صورت انفرادی و گروهی به متقاضیان واجد شرایط در قالب اجاره ۹۹ ساله (واحد مسکونی) به تعداد ۲۲۶۵۷۳ واحد مسکونی

- تخصیص زمین به متقاضیان واجد شرایط در قالب انبوه سازی واحدهای مسکونی در دست ساخت برای متقاضیان واجد شرایط به صورت انبوه سازی روی اراضی اجاره ۹۹ ساله دولتی به تعداد ۵۸۷۳۹۴

در بخش طرح نهضت ملی مسکن

- ثبت نام بیش از ۶.۲ میلیون نفر

بخش ارتقای ظرفیت تولید نفت و فرآورده‌های نفتی

- افزایش ۲۲ درصدی ظرفیت تولید محصولات پتروشیمی

- افزوده شدن قریب به ۵۶ میلیون متر مکعب در روز به ظرفیت تولید گاز نسبت به ابتدای دولت

- افزوده شدن بالغ بر ۷۰ هزار بشکه در روز به ظرفیت تولید میعانات گازی کشور نسبت به ابتدای دولت

ارتقای زیرساخت‌های بهره برداری صنایع نفت و گاز

- بهره‌برداری از پالایشگاه فاز ۱۴ میدان مشترک پارس جنوبی با سرمایه گذاری ۲/۷ میلیارد دلاری و با ظرفیت ۵۰ میلیون مترمکعب در روز

- توسعه فاز ۱۱ میدان گازی پارس جنوبی (تنها فاز باقیمانده میدان پارس جنوبی پس از ۲۰ سال بلاتکلیفی) و اجرای عملیات پیچیده جابجایی و نصب بزرگترین سکوی پارس جنوبی در این فاز و آغاز تولید از موقعیت ۱۱B

- گازهای مشعل و همراه و بهره‌برداری از طرح پالایش گاز هویزه خلیج فارس (NGL۳۲۰۰) با سرمایه گذاری ۱/۳ میلیارد دلاری به منظور جمع آوری گازهای مشعل غرب کارون

- بهره‌برداری از فاز دوم طرح نوسازی و تثبیت پالایشگاه آبادان با سرمایه گذاری ۲/۶ میلیارد یورو

- بهره‌برداری از واحد تصفیه دیزل، یوتیلیتی آفسایت و مخازن شرکت پالایش نفت اصفهان با سرمایه‌گذاری حدود ۸۰۰ میلیون دلاری و اضافه‌شدن بالغ بر ۱۶ میلیون لیتر در روز به ظرفیت تولید نفت گاز با کیفیت یورو ۵ کشور

- انعقاد نخستین قرارداد پالایش فرا سرزمینی (پالایشگاه ال پالیتو ونزوئلا) و احیای ظرفیت تولید این پالایشگاه از ۱۰ هزار بشکه در روز به ۱۴۰ هزار بشکه در روز و توافق با سایر کشورها از جمله کوبا، نیکاراگوئه، سوریه و ... برای اجرای الگوی مشابه

- بهره‌برداری از واحد تولید و ذخیره سازی قیر (شرکت پالایش نفت جی)

توسعه زیرساخت‌های حمل و نقل کشور

- افتتاح ۳۸۷ کیلومتر راه آهن (افزایش ۵ درصدی افتتاح خطوط اصلی ریلی نسبت به دوره مشابه دولت دوازدهم)

- احداث بزرگراه و راه اصلی ۱۳۲۳ کیلومتر از ابتدای دولت سیزدهم (۳۸۰ کیلومتر سال ۱۴۰۰، ۸۱۰ کیلومتر سال ۱۴۰۱ و ۱۳۳ کیلومتر سال ۱۴۰۲)

- بهره برداری از ۲۳۲ کیلومتر آزادراه در سال ۱۴۰۲ (متوسط بهره برداری از آزادراه‌ها در دولت دوازدهم ۹۶ کیلومتر می‌باشد. در سال ۱۴۰۲ در دولت سیزدهم ۱۴۱ درصد افزایش عملکرد نسبت به متوسط عملکرد دولت دوازدهم می‌باشد.)

- احداث و آسفالت راه‌های روستایی بالای ۲۰ خانوار افزایش درصد برخورداری تعداد روستاهای بالای ۲۰ خانوار (راه آسفالت) از عدد ۸۱.۷ درصد به ۸۴ درصد بیانگر رشد ۲.۳ درصد از ابتدای دولت سیزدهم

احداث و بهسازی نیروگاه‌ها و توسعه زیرساخت شبکه برق

- بهره‌برداری از ۳۴ نیروگاه حرارتی با ظرفیت ۵۱۹۸ مگاوات و افزایش ظرفیت تولید برق به میزان ۷۷۰۵۸۳ مگاوات

- مقام دوازدهم تولید برق در دنیا، مقام اول ظرفیت نصب‌شده نیروگاهی در منطقه و رکورد تاریخی افزایش سالانه ظرفیت نیروگاهی در سال اول دولت

- کاهش ناترازی برق

- بهره‌برداری از نیروگاه‌های تجدیدپذیر با ظرفیت ۲۳۳.۵۳ مگاوات

- بهره‌برداری از نیروگاه‌های تولید پراکنده و مقیاس کوچک با ظرفیت ۲۸۴.۳ مگاوات

- ارتقای توان تولید نیروگاه‌های موجود به ظرفیت ۱۴۰۰ مگاوات



– رفع محدودیت تولید به ظرفیت ۶۰۰ مگاوات
 – احداث ۳۹۴۹ کیلومتر مدار و ۲۴۱۹۶ مگاوات آمپر پست
 – افزایش ظرفیت توزیع شبکه برق احداث ۲۵۰۰۰ کیلومتر مدار و ۷۱۹۸ مگاوات
 آمپر افزایش ظرفیت ترانسفورماتورها

پوشش بیمه سلامت و کاهش سهم مردم از هزینه خدمات درمانی

– بیمه ۱۲ میلیون نفر از افراد فاقد بیمه سلامت از پنج دهک ابتدایی
 – کاهش فرانشیز (سهم خودپرداختی بیمار) در بیمه‌شدگان تحت پوشش سازمان بهزیستی و کمیته امداد امام خمینی (ره) و صفر نمودن فرانشیز بیمه‌شدگان تحت پوشش سازمان بهزیستی و کمیته امداد امام خمینی (ره)
 – اجرای طرح دارو یار و تثبیت و کاهش پرداختی از جیب مردم در خرید دارو پوشش بیمه‌ای ۹۶۰۰ قلم دارو و با تضمین عدم افزایش پرداختی از جیب مردم
 – تاسیس صندوق بیماران صعب‌العلاج و کاهش پرداخت در زمان دریافت خدمات تشخیصی بیماران صعب‌العلاج رایگان شدن کامل هزینه‌های دارویی و کاهش پرداخت در زمان دریافت خدمات تشخیصی بیماران صعب‌العلاج
 – پوشش بیمه سلامت مادران باردار و کودکان تا ۵ سالگی رایگان نمودن بیمه سلامت مادران باردار و کودکان تا ۵ سالگی

احیای تعادل در سیاست خارجی

– اجرایی شدن سند همکاری‌های راهبردی ۲۵ ساله بین دو کشور
 – امضای موافقت‌نامه احداث خط آهن آستارا-رشت
 – افزایش ۲۰۰ درصدی حجم تعاملات با ونزوئلا
 – دو برابر شدن حجم تجارت ایران با قاره آفریقا
 – توسعه همکاری با سازمان‌ها و ائتلاف‌های بین‌المللی
 – عضویت جمهوری اسلامی ایران در سازمان همکاری شانگهای به عنوان عضو اصلی
 – سخنرانی رئیس‌جمهور در نشست بریکس

حوزه توسعه فناوری هسته‌ای

– تولید رادیو داروهای تشخیصی و درمانی مورد نیاز کشور
 – تعداد مراکز پزشکی هسته‌ای از ۱۹۵ مرکز در سال ۱۳۹۹ به ۲۲۰ مرکز در سال ۱۴۰۱ افزایش یافته است.
 – در حال حاضر ۱۲ مرکز تصویربرداری دقیق از اندام‌ها و بافت‌های بدن مرکز (PET Scan) فعال در ایران وجود دارد.
 – تولید سالانه ۶۶ محصول طبق تفاهم‌نامه منعقد شده با سازمان غذا و دارو از قبیل: ژن‌رادیو داروهای مولیبدن-تکنسیوم، رادیو داروهای ید-۱۳۱، سایر رادیو داروهای راکتور، رادیو داروی FDG، سایر رادیو داروهای سیکلوترون، کیت سرد، انواع چشمه‌های صنعتی، انواع تجهیزات پایش و سنجش هسته‌ای، رادیو داروهای لوتسیم-۱۷۷، رادیو داروهای گالیوم-۶۸
 – توسعه کاربرد پرتوهای هسته‌ای به گونه‌ای که در سال ۱۴۰۰ مجموع پرتوهای محصولات کشاورزی و پزشکی حدود ۱۵ هزار مترمکعب بوده است و در سال ۱۴۰۱ مجموع پرتوهای به ۳۷ هزار مترمکعب ارتقا یافته است.

اصلاح رویکردهای حکمرانی در دولت

– پرداخت مستقیم بالغ بر ۸۶ درصد اعتبارات بودجه‌ای به ذی‌نفع نهایی
 – جلوگیری از فساد و صرفه‌جویی در منابع و به حداقل رساندن عملیات فرا بودجه‌ای دولت
 – راه اندازی پروژه ایجاد سامانه رصد منابع عمومی رصد فرآیند روند وصولی درآمدهای عمومی دولت، شفاف‌سازی عملکرد شرکتهای و نهادهای اجرایی و...
 – پیاده‌سازی حساب واحد خزانه و کاهش تعداد حساب‌های دستگاه‌ها از حدود ۲۵۰.۰۰۰ حساب به ۴۰.۰۰۰ حساب کنترل و مدیریت منابع عمومی و حذف بسترهای فساد

توسعه دیپلماسی فعال و تأمین امنیت پایدار

– توسعه همکاری‌ها با روسیه از طریق انعقاد ۵/۳ میلیارد دلار قرارداد و نیز امضای تفاهم‌نامه راهبردی به میزان ۴۰ میلیارد دلار در زمینه توسعه میادین نفت و گاز، تجارت گاز، توسعه LNG و...
 – انعقاد قرارداد سوآپ گاز آذربایجان که از سال ۲۰۲۲ شروع شده و افزایش حجم معاملاتی تا ۲/۹ میلیارد متر مکعب در سال ۲۰۲۳ و تفاهم با طرف ترکمن برای احیای قرارداد واردات گاز از آن کشور
 – انعقاد تفاهم‌نامه با ارمنستان جهت افزایش ۶۴ درصدی صادرات گاز طبیعی و تمدید قرارداد جاری تهاتر گاز و برق تا سال ۲۰۳۰
 – انجام مذاکرات و توافقات مقدماتی با طرف عراقی جهت تمدید قرارداد صادرات گاز به عراقی به مدت ۵ سال

– انتشار ۱۱۲۴ صورت مالی شرکتهای دولتی برای نخستین بار
 – ایجاد شفافیت و دسترسی عموم به عملکرد شرکتهای و نهادهای دولتی
 – سامانه یکپارچه اطلاعات شرکتهای دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی
 – ایجاد بانک اطلاعاتی جامع و متمرکز در حوزه شرکتهای دولتی
 – ثبت اطلاعات ۴۹۹ شخص حقیقی در سامانه (مشمول بر شرکتهای دولتی، بانک‌ها و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت، مؤسسات و نهادهای عمومی غیر دولتی و شرکتهای و مؤسسات تابعه و وابسته آنها و دانشگاه آزاد اسلامی)
 – تجهیز حساب‌سازان با ابزارهای فناوری (دیجیتالی کردن فرآیند حساب‌ساری و شواهد مبنای صدور گزارش
 – ایجاد امکان نظارت مستمر بر فرآیند حساب‌ساری توسط مدیران حساب‌ساری و واحد کنترل کیفیت

حقی برای تکلیف

محسن مؤمنی

آنچه در شماره ۴۸ فصلنامه فرهنگ پویا تقدیم شما مخاطبین گرامی شد، درباره موضوع «انتخابات» و مسائل پیرامونی آن بود. انتخابات به مثابه خون تازه‌ای در رگ‌های نظام اسلامی است که ضامن جمهوریت و اسلامیت نظام است. بدون انتخابات و حضور مردم، نه خبری از مردم‌سالاری است و نه تضمینی وجود دارد برای اجرای احکام اسلام!

آنچه باعث شده تا نظام اسلامی بیش از ۴۵ سال حرکتی رو به جلو داشته و با ایمان و امید به سمت قله‌ها حرکت کند، حضور آگاهانه مردم در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی مختلف به‌ویژه انتخابات است.

از امتیازات نظام مردم‌سالاری دینی حاکم بر ایران، نقش مردم در جابجایی قدرت و نظارت بر زمامداران است که با هیچ مقطعی از تاریخ خود قابل قیاس نیست. مردم که علت محدثه و تا امروز علت مبقیه انقلاب اسلامی، بوده و هستند، عامل اصلی تحقق عدالت و پیاده‌سازی احکام الهی و همچنین مبارزه با طواغیت در جامعه‌اند.

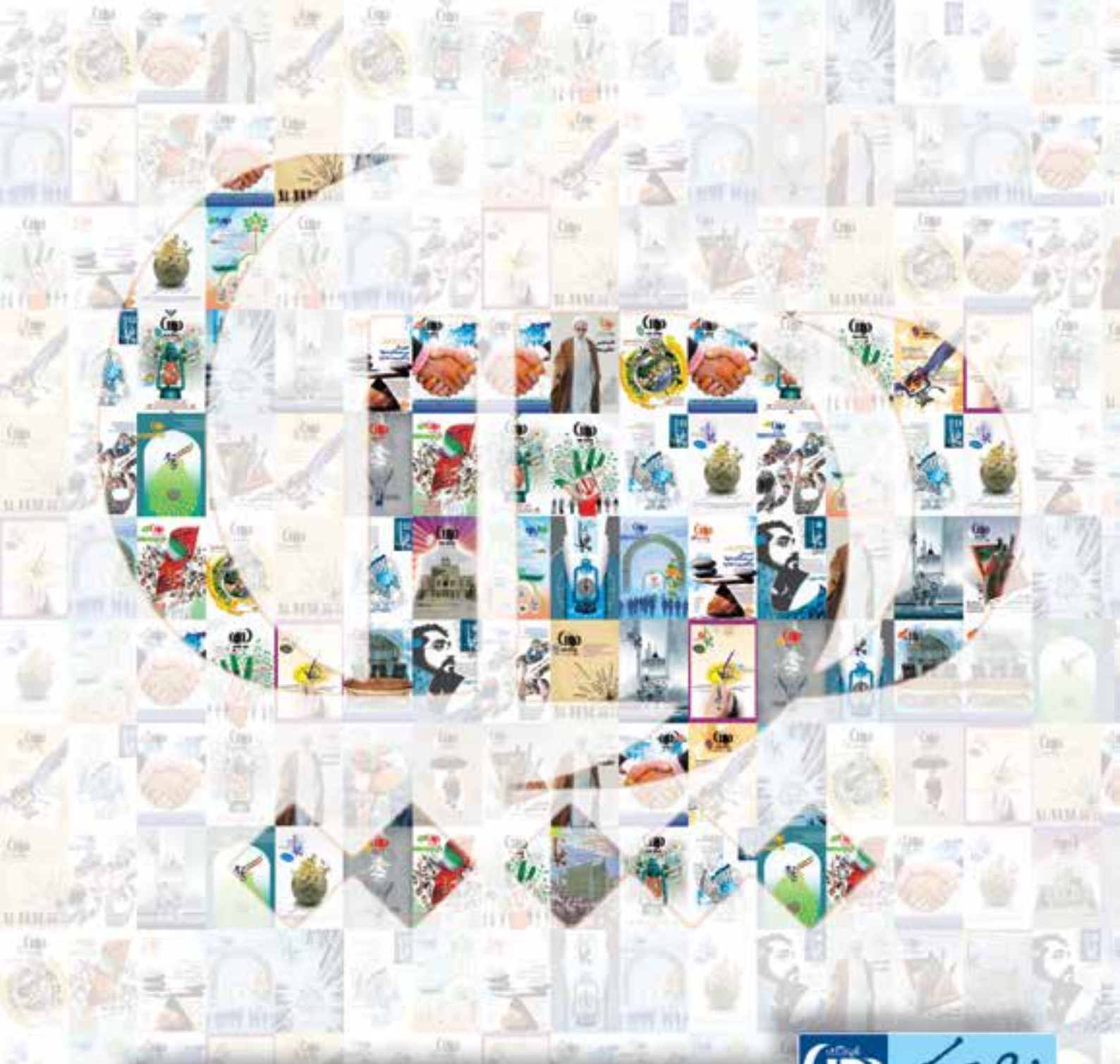
طبق فرموده قرآن کریم، وظیفه مردم «اقامه دین» است و در این راه، حضور و حمایت آنها از امام و رهبر جامعه، مسیر تحقق این هدف که همان سعادت مادی و معنوی جامعه است را هموار می‌کند. تشکیل حکومت اسلامی که عبارت است از اجتماع مؤمنین حول ولی خدا برای رسیدن به کمال و سعادت و اجرای امر به معروف و نهی از منکر در جامعه، تنها از مجرای انتخابات و انتخاب شایستگان قابل تحقق است.

بیانات امام خمینی و مقام معظم رهبری با مضامینی همچون «انتخابات برای مردم هم حق است و هم تکلیف»؛ «انتخابات ليله القدر نظام است»؛ «مردم صاحبان اصلی کشور هستند»؛ «این مردم هستند که باید سرنوشت خود را انتخاب کنند» و جملاتی از این دست، همگی بیانگر نقش بی بدیل مردم در حکمرانی دینی است، نقشی که در گام اول انقلاب به خوبی از سوی مردم ایفا شد و در گام دوم نیز با هدف رسیدن به دولت اسلامی به منظور تحقق تمدن اسلامی، محقق خواهد شد، انشاءالله.

سعی ما و همکارانمان در فصلنامه پیش روی شما پرداختن به نکات اساسی پیرامون انتخابات با هدف روشننگری، بصیرت‌افزایی و جهاد تبیین بوده است؛ همچنین از دیگر اهداف این مجموعه تهیه پاسخ‌هایی مناسب و منطقی به سؤالات و شبهاتی است که در فضای حقیقی و مجازی عمدتاً با آن روبرو بوده و هستیم.

در این میان، تا حد ممکن سعی کرده‌ایم از اندیشه‌های استاد فکر مرحوم علامه محمدتقی مصباح یزدی نهایت بهره را برده و از خرمن افکار پر بار ایشان خوشه چینی کنیم.

امید است توانسته باشیم در جهت تحقق مشارکت و حضور حداکثری مردم در انتخابات و همچنین جهاد تبیین در مقابله با شبهات مسموم دشمنان گامی برداشته و به وظیفه و رسالت تاریخی‌مان در این مقطع حساس تاریخ عمل کرده باشیم.



راهنمای اشتراک فصلنامه فرهنگ پویا

۱. وجه اشتراک را به حساب شماره ۰۱۰۴۹۳۷۵۰۵۰۰۲ بانک ملی واریز نمایید و اصل فیش بانکی یا تصویر آن را همراه برگ اشتراک و مشخصات کامل خود را به نشانی دفتر مجله ارسال دارید.
۲. بهای اشتراک سالانه (۴ شماره) ۸۰۰/۰۰۰ تومان و تک شماره ۲۰۰/۰۰۰ تومان می باشد. (در صورت فرستادن نشریه با پست سفارشی، هزینه پست به مبلغ نشریه اضافه می شود)
۳. در صورت تغییر نشانی، مجله را از آدرس جدیدتان مطلع سازید.
۴. در کلیه مکاتبات خود، شماره اشتراکتان را نیز ذکر کنید.
۵. در صورت افزایش نرخ مجله، مبلغ مزبور از موجودی شما کسر می گردد.

نشانی: قم - خیابان امام (ره) - چهارراه غفاری - کوچه بوعلی - کوچه ۱۷ - پلاک ۲۷ - فصلنامه فرهنگ پویا
 تلفن: ۰۲۵ - ۳۶۶۲۴۸۱۱ فکس: ۰۲۵ - ۳۶۶۲۲۵۹۷

سلسله نشست‌های دفتر ارتباطات فرهنگی



<http://dpfqom.iki.ac.ir/live>

<https://heyatonline.ir/kanoon.tolloe>

<https://www.aparat.com/dpfqom/live>



@difqom

<https://eitaa.com/difqom>

لینک آرشیو برنامه‌ها

<http://dpfqom.iki.ac.ir/download>